

دوماهنامه اختصاصی
شماره ۲۶ | مهر و آبان ۱۳۹۹
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

پایه اقتصادی

بورس کالا



نبرد نفس گیر بارانت خواران از آغازین روزها

علی اکبر هاشمیان نخستین مدیرعامل بورس کالای ایران
از چالش های سیاست «قیمت گذاری» می گوید

وزیر صمت بر عرضه کل محصولات فولادی در بورس کالا تاکید دارد

فرمان شفافیت در زنجیره فولاد



روایت آهنی ها از ضرورت ورود همه زنجیره فولاد به بورس کالا

آثار و گفتار: مهرداد اکبریان، حمیدرضا رستگار، وحید یعقوبی، رضا شهرستانی، سعید عسگرزاده، قدیر قیافه، محمد ابوبی

پیچک امید در عرضه بورسی کشمش

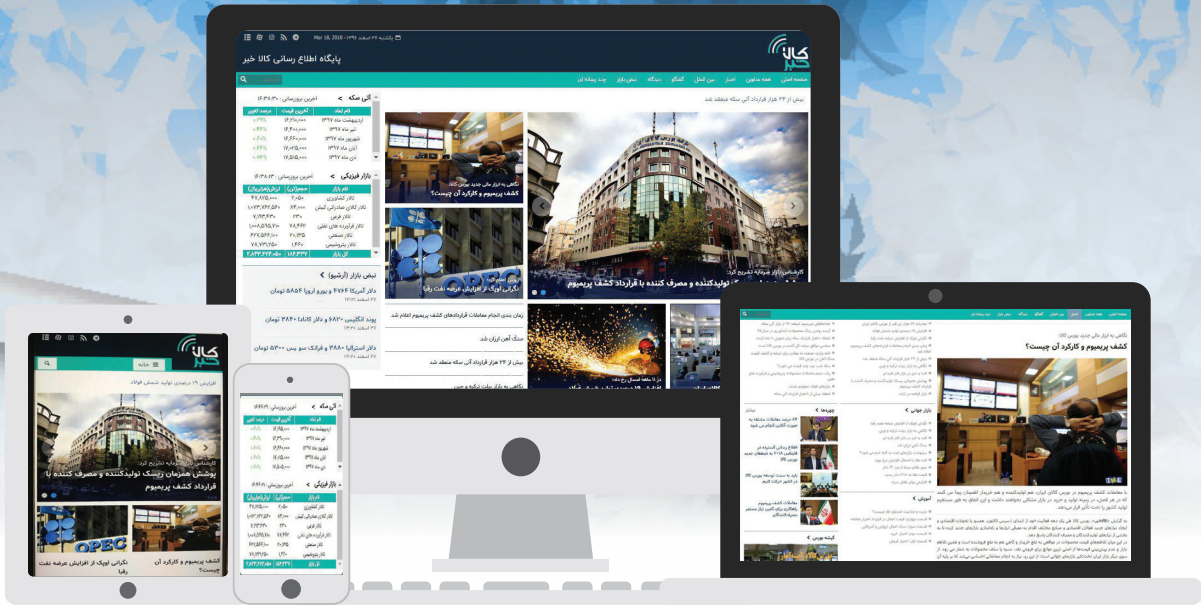
گزارش میدانی از «خلیل آباد»
قطب تولید انگور در شرق کشور

حلقه مفقوده زنجیره توزیع

آثار و گفتار: حسین راغفر، یحیی آل اسحاق
محسن بهرامی ارض اقدس، علی دینی ترکمان، کاوه زرگران

پایگاه اطلاع رسانی

کالاخبر



aparat.com/imereport



[imereport](https://www.instagram.com/imereport)



[@imereport](https://t.me/imereport)



www.imereport.ir

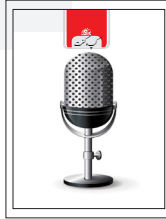
بازار را از وبگاه ما ببینید

- مرور تحولات بازار کالای ایران و جهان
- جدیدترین تحلیل‌ها از روند معاملات
- معرفی ابزارهای مالی بورس کالا
- انعکاس دیدگاه کارشناسان و مسئولان
- مشاهده لحظه‌ای قیمت آتی زعفران، زیره سبز و پسته
- مشاهده لحظه‌ای حجم معاملات بازار فیزیکی



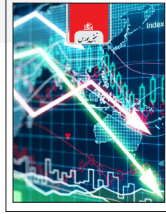
۱ گپ و گفت

۸ جولان دلان، در باد ضعف‌های ساختاری نظام توزیع.....
 ۱۰ مرزبندی حساس دخالت یا نظارت در عرضه‌های بورسی.....
 ۱۲ شرط کلیدی «همه یا هیچ» آهنی‌ها.....



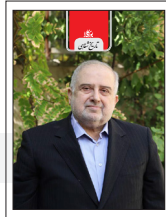
۱ نبض بورس

۱۴ دلل زدایی در تالارهای شیشه‌ای.....
 ۱۷ روایت وزیر بازرگانی دولت سازندگی از چرایی تغییر روش توزیع.....
 ۱۹ اشتباه توزیعی تاریخ‌ساز.....
 ۲۱ آتش نفت در خیمه نظام توزیع ایران.....
 ۲۳ سود نامعقول تا ۴۰ درصدی توزیع و خرده‌فروشی در ایران.....
 ۲۴ جهان به کام تاجران کالا.....
 ۲۷ «بازار ثانویه»، نیاز روز بازار سرمایه.....



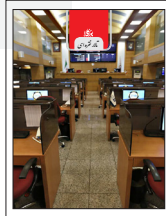
۱ تاریخ شفاهی

۳۷ نبرد نفس‌گیر با رانت‌خواران از آغازین روزها.....



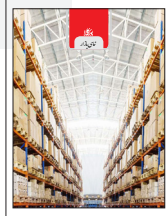
۱ تالار نقره‌ای

۴۴ افزایش ۹۷ درصدی ارزش معاملات بورس کالای ایران.....
 ۴۵ ۹٫۵ میلیون قرارداد آتی در بورس کالا طی هفت ماه.....
 ۴۶ کارنامه هفت دارایی پایه بازار گواهی سپرده کالایی در هفت ماه.....



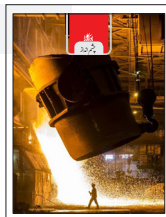
۱ نمای بازار

۵۲ پیچک امید در عرضه بورسی کمشمش.....
 ۵۴ قانون ۵۸ ساله انبساطی؛ چشم به راه غبارزدایی.....
 ۶۱ بررسی عرضه محصول زرشک در بورس کالای ایران.....
 ۶۳ خوش یمنی تاریخ معروف برای بورس کالا.....



۱ چشم انداز

۶۶ موفقیت تولید در گرو کارآمدی زنجیره عرضه کالا.....
 ۶۸ استقبال آهنی‌ها از بورس غیردستوری.....
 ۶۹ رمز موفقیت؛ نظارت و پیشگیری از تخلف.....
 ۷۰ ذوب رانت آهن در بورس.....
 ۷۱ گامی برای تکمیل حلقه‌های زنجیره فولاد در بورس.....
 ۷۳ امید آهنی‌ها به تالارهای شیشه‌ای.....
 ۷۴ پیش‌نیازهای قیمت‌گذاری عادلانه در بورس.....



۱ بورس های جهانی

۷۶ صفر تا صد بورس فلزات لندن.....
 ۷۹ بورس فلزات لندن؛ از تولد حلقه تا تهاجم کرونا.....
 ۸۳ پیامد پیروزی بایدن در بورس های کالایی.....
 ۸۴ جهش طلا با مشوق‌های آمریکایی.....
 ۸۵ «کالا»، غریب آشنا.....
 ۸۶ بذر امید در تجارت جهانی محصولات کشاورزی و صنایع غذایی.....
 ۸۷ تازه‌وارد بازار با ارزش‌ها.....
 ۸۸ ایده جذاب، پشت تریبون؛ غیرقابل اجرا در عمل.....
 ۸۹ تعطیلات پاییزی مسی‌های «سرزمین ازدها».....
 ۹۰ پایان «رالی» قیمت نقره و طلا.....



دوماهنامه اختصاصی
 شماره ۲۶ | مهر و آبان ۱۳۹۹
 قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

پیام اقتصادی بورس کارا

دوماهنامه اختصاصی

بورس کالا ■ مهر و آبان ۱۳۹۹ ■ شماره ۲۶

www.ime.co.ir

◀ صاحب امتیاز | شرکت بورس کالای ایران

◀ مدیرمسئول | حامد سلطانی نژاد

◀ زیر نظر شورای سردبیری

◀ همکاران این شماره |

◀ فرزانه تهرانی، مائده امینی، حمیدرضا محمدی
 یزدان مرادی سودابه کیوان فر، عطیه لباف
 محسن نعمتی نسیم بنائی، سیاوش ضرابی
 امید امانی، نهاد علی بیگ زاده، هدا عربشاهی

◀ مدیر هنری و صفحه آرا | حمیدرضا خاتونی

◀ ویراستار | امید امانی

◀ عکاس | سجاد رزم

◀ چاپخانه | انتشارات یزدا

◀ نشانی | تهران، خیابان آیت الله طالقانی،

نبش بندر انزلی، شماره ۳۵۱

◀ تلفن | ۰۲-۸۵۶۴۰۰۰۰

◀ نمابر | ۸۸۳۸۳۰۰۰

فرمان شفافیت در زنجیره فولاد

وزیر صمت بر عرضه کل محصولات فولادی در بورس کالا تاکید دارد



«فروش محصولات فولادی خارج از بورس ممنوع است.» این شاید صریح‌ترین اظهار نظر عالی‌ترین مقام در وزارت صنعت، معدن و تجارت باشد که در راستای حمایت از بورس کالا و البته شفافیت عنوان شده است. علیرضا رزم‌حسینی که حدود دو ماه است سکان وزارتخانه حساس صنعت، معدن و تجارت را به دست گرفته است، در همان روزهای نخست کارش طی جلسهای با نمایندگان مجلس، محور جلسه را به موضوع فولاد و نقش بورس کالا در تنظیم بازار این محصول اختصاص داد. او اگرچه سابقه استانداری و نظامی در سابقه کاری خود دارد اما بیش از هر چیز، یک فعال اقتصادی است و سال‌ها به عنوان یکی از اعضای بخش خصوصی در بدنه اقتصاد کشور فعالیت کرده است. همین آشنایی او با مشکلات تولید و تجارت است که نمایندگان را متقاعد به اعطای رای اعتماد به او کرد. تسلط رزم‌حسینی به مسائل اقتصادی کشور در همان ابتدای کار از دل برگزاری جلسات تخصصی نمایان شد. با وجود آنکه فعالان حوزه فولاد سال‌ها از مشکلات این بخش به مسئولان می‌گفتند اما به دلیل ناآشنایی وزیران وقت به جزئیات مسائل تولید، حل این مسائل و مشکلات مدام به تعویق می‌افتاد یا با سیاست‌های نادرست، بار اضافی بر دوش تولید گذاشته می‌شد. اما رزم‌حسینی در شروع کار، مشکلات این بخش را تشخیص داد و مستقیم دست روی حل آنها گذاشت. او با برگزاری جلسات مکرری در مجلس و با نمایندگان بخش خصوصی، بر رفع مشکلات تولید تاکید و عرضه محصولات تمام حلقه‌های زنجیره تولید در بورس را به عنوان راه حل قطعی عنوان کرده است.



■ عرضه تمام محصولات در تالار نقره ای

هرچند در سال‌های اخیر برخی محصولات فولادی عضو ثابت عرضه‌های بورس کالا بودند اما آقای وزیر بر عرضه تمام محصولات فولادی در بورس تاکید دارد. این به آن مفهوم است که نه تنها ورق‌های فولادی بلکه سنگ آهن، شمش، گندله، لوله و پروفیل و هر آنچه در زنجیره فولاد جای می‌گیرد، نباید خارج از این اتاق شیشه‌ای معامله شود. برای درک حساسیت موضوع لازم است برخی مشکلات عرضه ناقص محصولات را مرور کنیم تا مفهوم جمله وزیر صمت را بهتر بفهمیم. امروز در زنجیره فولاد، برخی محصولات مانند شمش و ورق‌های فولادی در بورس کالا عرضه می‌شود. دولت اغلب برای عرضه این محصولات در بورس محدودیت‌های قیمتی و عرضه تعیین می‌کند به امید آنکه یارانه‌های تخصیص یافته به تولید این محصولات، به بخش مصرف سرریز شود.

به عبارت ساده‌تر دولت با اعطای یارانه به تولید محصولات فولادی (که عمدتاً از طریق انرژی ارزان به آنها تزریق می‌شود) می‌خواهد با کنترل قیمت محصولات تولیدشده، نفع این انرژی ارزان را به جیب مصرف‌کننده هم برساند. به همین دلیل بارها دیده‌ایم که دولت برای محصولات سقف قیمت یا محدودیت در خرید و عرضه مشخص می‌کند و از این طریق سعی در کشیدن لجام رشد قیمت‌ها را نیز دارد. اما صرف نظر از اینکه این نوع دخالت‌های دولت اساساً چه اثری بر بازار دارد و هدف دولت را به نتیجه می‌رساند یا خیر، نکته مهم آن است که دولت تنها در یکی دو حلقه دخالت دستوری دارد و سایر حلقه‌های تولید را رها کرده است.

امروز در زنجیره تولید فولاد نه خبری از عرضه سنگ آهن و مواد معدنی هست و نه لوله و پروفیل که جزو محصولات نهایی محسوب می‌شوند؛ در فهرست

۲ وعده وزیر برای برخورد با متخلفان

وزیر صنعت، معدن و تجارت پیشتر در جلسات خود با نمایندگان مجلس تاکید کرده بود که فولادسازان موظف هستند همه محصولات خود اعم از شمش، اسلب و محصول نهایی را در بورس عرضه کنند و بر اساس وضعیت بازار و سازوکاری که در بورس کالا تعریف شده، قیمت تعیین شود. رزم‌حسینی پیش‌بینی می‌کند با عرضه کامل محصولات فولادی و مازاد تولیدی که در کشور وجود دارد؛ قیمت در بازار نیز متعادل شود. از سوی دیگر به تولیدات مازاد فولادسازان، پس از رفع تقاضای داخلی و مشروط بر عرضه در بورس کالا و نبود خریدار، اجازه صادرات داده خواهد شد.

او در نشست خود با نایب‌رئیس مجلس از این موضوع غافل نشده و گفت: بر اساس قانون باید کل محصولات فولادی در بورس عرضه شود. این تصمیم هم در راستای اجماع تشکلهای بخش خصوصی، دولت و مجلس مقرر شده که بعد از ابلاغ دولت، هرچه سریع‌تر باید عرضه این محصولات در بورس آغاز شود. او به تجربه ۶ ماه گذشته اشاره کرد و گفت: در این مدت خرید محصولات در بورس خوب بوده و مسلماً در بحث فولاد به‌خوبی می‌تواند ادامه پیدا کند. او تاکید کرد: همچنین با افرادی که خلاف قانون در بیرون از بورس اقدام به عرضه فولاد کنند از طریق تعزیرات برخورد خواهد شد؛ همان‌طور که طی چند ماه گذشته از همین طریق با متخلفان برخورد سخت‌گیری شده است.



وزیر صمت پیش‌بینی می‌کند با عرضه کامل محصولات فولادی و مازاد تولیدی که در کشور وجود دارد؛ قیمت در بازار نیز متعادل شود. از سوی دیگر به تولیدات مازاد فولادسازان، پس از رفع تقاضای داخلی و مشروط بر عرضه در بورس کالا و نبود خریدار، اجازه صادرات داده خواهد شد

۲ برنامه‌های جدی وزیر

برنامه‌های رزم‌حسینی در مورد فولاد جدی است و هرچه از وزارت او بیشتر می‌گذرد از اقدامات جدیدتری در این بازار خبر می‌رسد. وزیر صمت در اواسط آبان ماه با اعلام اینکه قائل به عرضه همه محصولات فولادی در بورس کالا هستیم، گفت: تا چند روز آینده با همکاری شرکت‌های بزرگ، عرضه تمام محصولات فولادی در بورس کالا آغاز خواهد شد.

عرضه‌های بورس کالا قرار دارند. بنابراین هرچند دولت در یکی دو بخش میانی سخت‌گیری‌های قیمتی اعمال می‌کند اما در حلقه‌های پسین و پیشین همه چیز به دست بازار آزاد سپرده می‌شود. به این ترتیب نه تنها در این سال‌ها هیچ یکی از اهداف تنظیم‌گری دولت به نتیجه نرسیده بلکه بعضاً با اجرای سیاست‌های اینچینی دولت، بازار سیاه بزرگی نیز برای این محصولات ایجاد شده است. بر همین اساس است که وزیر صنعت، معدن و تجارت با دست گذاشتن روی خلأ موجود در این بازار بر عرضه کامل محصولات زنجیره فولاد در بورس تاکید می‌کند.

۲ انتخاب سیستم شفاف به جای بازار در غبار

نادر سلیمانی عضو هیات‌مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد در گفت‌وگو با ماهنامه بورس کالا در این باره گفت: پیش از این بارها اما تا پیش از این کسی به گفته‌های ما توجهی نمی‌کرد. امروز خوشحالمیم که آقای رزم‌حسینی با درکی که از مسائل تولید دارد، بر عرضه همه محصولات در بورس تاکید می‌کند.

او اظهار کرد: عرضه محصولات خارج از بورس قطعاً شفافیت را از بین می‌برد و به بازار سیاه هم دامن می‌زند. یعنی تصمیم کارشناسی‌شده‌ای نیست. اینکه ما عرضه محصولات را به جای بورس که بازاری شفاف است به بازار آزاد بسپاریم به طور حتم تأثیری در کاهش قیمت‌ها نخواهد داشت و اهداف کاهش قیمت و کنترل بازار را محقق نخواهد کرد. امروز آقای وزیر به این مهم اشراف دارد و بر اساس آن دستور به عرضه تمام کالاها در بورس داده است.

بهرام سبحانی، رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران نیز در گفت‌وگویی با ماهنامه بورس کالا توضیح داد: بالاخره بورس یک سازوکار معاملاتی شفاف به شمار می‌رود که در آن خریدار و معاملات قابل پیگیری هستند. البته ممکن است که به روش‌های اجرایی آن ایرادهایی وارد باشد اما بورس جایی است که فروشنده محصول خود را با یک قیمت پایه عرضه می‌کند و خریداران هم ضمن رقابت با یکدیگر در نهایت به کشف قیمت واقعی کمک می‌کنند. البته ممکن است برخی روش‌های دستوری این سازوکار را تحت تأثیر قرار دهد اما همچنان بورس جای مهمی برای معاملات محسوب می‌شود.

او تاکید کرد: بر اساس این اهمیت‌تی که به آن اشاره شد، تصمیم وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت برای تولیدکنندگان این بخش بسیار حائز اهمیت است. بنابراین به نظر می‌رسد با ایجاد زیرساخت‌ها برای عرضه تمام محصولات فولادی در بورس، شاهد کاهش قیمت تولیدات باشیم.

تاکید نمایندگان مجلس

بر عرضه کل محصولات فولادی در بورس کالا



طی روزهای گذشته نمایندگان خانه ملت ضمن بررسی بازار فولاد در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، بر عرضه کل محصولات فولادی در بورس کالا به منظور ساماندهی بازار و کشف قیمت شفاف و جلوگیری از بروز رانت در این بازار رقابتی تاکید کرده و قیمت گذاری دستوری را ناکارآمد خواندند. سخنگوی هیات رئیسه مجلس با اشاره به لزوم عرضه کل زنجیره فولاد در بورس کالا بیان داشت: یکی از اهداف ما ساماندهی بازار فولاد و سوق دادن آن به سمت بورس کالا است تا بتوانیم عرضه فولاد را در بورس کالا منحصر کنیم تا همه چیز شفاف باشد.

محمد حسین فرهنگی اظهار داشت: باتوجه به نوسان غیرواقعی قیمت فولاد در ماههای اخیر، مجلس به دنبال آن بود که به طور جدی به نوسان غیرمنطقی قیمت و البته قیمت گذاری دستوری ورود کند تا رویه‌ای منطقی و عادلانه برای تولیدکننده و مصرف کننده اجرایی شود.

■ کل تولیدات راهی بورس شوند

نایب رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی نیز اظهار کرد: درصد اندکی از فولاد تولیدی در بورس عرضه می‌شد که عملاً کفاف نیاز خریداران یا تولیدکنندگان زنجیره را در بازار نمی‌داد و کمتر از ۴۰ درصد مصرف داخل بود، بنابراین عملاً در بازار عطف ایجاد می‌شد.

علی جدی اظهار داشت: براساس طرح فولاد کمیسیون صنایع و معادن الزام می‌شود که کل محصولات زنجیره فولاد در بورس عرضه و روی صادرات مازاد بر بورس کار شود. قبلاً درصد جزیی در بورس عرضه می‌شد که باعث اشکال بود.

طرح فولادی کمیسیون صنایع و معادن مجلس

سخنگوی کمیسیون صنایع و معادن مجلس با اشاره به بررسی طرح توسعه و تولید پایدار زنجیره فولاد در کمیسیون متبوعش، عرضه کل

تولید در بورس کالا را شاه بیت این طرح دانست. حجت الله فیروزی نماینده مردم فسا در مجلس شورای اسلامی افزود: در جریان بررسی طرح توسعه و تولید پایدار زنجیره فولاد از ظرفیت وزارت صنعت، معدن و تجارت، فولادکاران بزرگ مانند ذوب آهن اصفهان، اتاق بازرگانی، مرکز پژوهش‌ها و ... استفاده شده است.

■ بورس کالا تنها مسیر شفاف

برای عرضه فولاد

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز با بیان اینکه قیمت گذاری دستوری فولاد منتفی است و مقرر شده با عرضه کل فولاد کشور در بورس کالا، قیمت‌ها براساس عرضه و تقاضای بازار کشف شود، اظهار داشت: بورس کالا تنها مسیر شفاف برای عرضه فولاد است و قرار است بازار فولاد برای شفاف سازی و کشف قیمت عادلانه به کلی در بورس عرضه شود. جبار کوچکی زاده افزود: یکی از مشکلاتی که امروز گریبانگیر بازار فولاد است حضور واسطه‌ها و اختلال در عرضه این محصول است که منجر به مشکلاتی در صنایع وابسته به فولاد شده است. از این رو عرضه بخشی از تولیدات در بازار خارج از بورس منجر به غیرشفاف شدن بازار شده و این موضوع با برنامه وزارت صمت به زودی حل می‌شود.

رضایت وزیر راه

از معاملات املاک در بورس کالا

محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی در خصوص عرضه املاک در بورس کالا گفت: انجام معاملات مسکن در بورس با درخواست خود وزارت راه آغاز شد که در همین زمینه یک ملک تاکنون در بورس عرضه و به فروش رفته است و همان عرضه نخست باعث شد تا سایرین هم از عرضه املاک در بورس استقبال کنند. اسلامی افزود: اولین بانک نیز برای عرضه املاک و مستغلات خود در بورس پیش قدم شده که این اتفاق کمک می‌کند تا معاملات املاک در محیطی شفاف، واضح و روشن انجام شود. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: با رونق معاملات املاک در بورس یک دامنه قیمتی مناسب برای املاک شکل می‌گیرد و کلیه امور در خصوص بررسی اصالت و مقبولیت ملک نیز حاصل می‌شود؛ این اتفاق باعث خروج از شرایط لجام گسیخته فعلی خواهد شد و مردم به زودی نتیجه ورود املاک به بورس را خواهند دید.

وی در پایان گفت: مهم آن است که برای اندازه گیری هر کاری یک خط کش و متری وجود داشته باشد که ورود املاک به بورس می‌تواند به یک مبنای قیمتی مناسب و مورد استناد برای مردم تبدیل شود.

■ درخواست های متعدد

در صف پذیرش املاک

همچنین سخنگوی بورس کالا عنوان کرد: براساس اعلام وزیر راه و شهرسازی عرضه املاک در بورس کالا آغاز شده و درخواست های جدیدی از نهادهای دولتی و عمومی در صف پذیرش و عرضه در این بازار هستند که بزودی درباره آنها اطلاع رسانی لازم انجام خواهد شد. محمدحسینی سعیدی در گفتگویی ویژه خبری شبکه خبر از آمادگی بورس کالا برای عرضه املاک نهادهای دولتی و عمومی بدون برگزاری تشریفات مزایده های سنتی خبر داد و گفت: نهادهایی که قصد دارند املاک خود را در قالب مزایده و در بستری شفاف واگذار کنند، می‌توانند از ظرفیت بورس کالا استفاده کرده و املاک خود را در بازار فرعی و در قالب معاملات مبتنی بر مکانیسم حراج عرضه کنند



جولان دلالتان در باد ضعف های ساختاری نظام توزیع

دینی ترکمانی از دلایل تحمیل واسطه های پرشمار
به تولیدکنندگان و مصرف کنندگان می گوید



مهمترین ناکارآمدی نظام توزیع در ایران حضور فعال حلقه های واسط متعدد و پرشمار است. علی دینی ترکمانی، کارشناس اقتصادی این مشکل محوری را ناشی از ضعف رشد اقتصادی لازم می داند و تاکید می کند که اگر اقتصادی رشد پایدار و باثبات را برای یک مدت زمان طولانی تجربه کند (مانند ترکیه و کره جنوبی)؛ ساختار فعالیت ها هم دگرگون می شود. در اقتصادهای برخوردار از رشد پایدار، شبکه هایی که فعالیت و بهره وری کمتری دارند یا شبکه هایی که مولد «اشتغال زایی پنهان» هستند یا ارزش افزوده را به بهای افزایش قیمت نهایی مصرف کننده ایجاد می کنند؛ به تدریج حذف می شوند. این استاد یار موسسه مطالعات بازرگانی معتقد است، اساسا اقتصاد ما تولیدمحور نیست و بر پایه واردات و خدمات وارداتی شکل گرفته است. بیش از ۵۰ درصد GDP اقتصاد ایران را خدمات شکل می دهد که این خدمات اغلب در بخش واردات تعریف می شود. وی هشدار می دهد که رشد متوازنی در اقتصاد نداشته ایم و همانند فردی هستیم که سر بزرگ اما اندام های لاغر و نحیف دارد. بنابراین افراد تحت تاثیر این ویژگی فرهنگی به این جمع بندی واقع بینانه می رسند که می توان از طریق کاری راحت تر و با تخصیص زمان کمتر به درآمد بیشتری رسید. در نتیجه متاسفانه همین فرهنگ باعث می شود این ساختار معیوب خود را بازتولید کند.



تعداد عمده فروشان و خرده فروشان کمتر باشد؛ وضعیت مطلوب تر می شود زیرا کالا با سود معقول تری برای فعالان شبکه توزیع و نهایتا با قیمت تمام شده کمتری به دست مصرف کنندگان می رسد اما هر چقدر حلقه های میانی بیشتر باشد شبکه توزیع نامطلوب تر می شود زیرا هزینه تراشی های غیر ضروری در حلقه توزیع، قیمت تمام شده برای مصرف کنندگان را افزایش می دهد.

بعد از انقلاب سیستم توزیع چه روندی را طی کرد و چرا در طی این مسیر سیستم دلالتی تا این حد شدت گرفت؟

مهمترین ناکارآمدی نظام توزیع در ایران حضور فعال حلقه های واسط متعدد و پرشمار است. فقط مصرف کنندگان نهایی نیستند که به دلیل خرید کالا با قیمتی بالاتر سطح رفاهشان نزولی می شود بلکه تولیدکنندگان نیز به دلیل پایین بودن قدرت چانه زنی برای عرضه تولیداتشان و دریافت نکردن سود مناسب، از سطح رفاه پایینی برخوردار هستند. در واقع مبلغ گرانی کالا از جیب خریدار و به زبان تولیدکننده روانه حساب واسطه ها و دلالتان می شود. مصداق این معضل جدی را به خوبی در بخش کشاورزی می بینیم. کشاورزانی

اقتصاد ایران در دهه های گذشته فراز و فرود زیادی را در بخش توزیع تجربه کرده اما امروز شبکه توزیع به عنوان یکی از مشکلات اقتصاد شناخته می شود. نظام توزیع ایران چه ایرادهایی دارد که باعث برهم ریختگی اقتصاد می شود؟

پیش از اینکه درباره مشکلات نظام توزیع در ایران صحبت کنیم، بهتر است ویژگی هایی یک نظام توزیع خوب را شرح دهیم تا بر مبنای آن امکان ارزیابی کارشناسی نظام توزیع در ایران فراهم شود. معمولا چند شاخص گویا برای شناسایی یک نظام توزیع خوب در رشته فعالیت های مختلف وجود دارد که یکی از آنها رساندن به موقع کالا به دست مصرف کننده نهایی است. در واقع هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ پوشش جغرافیایی باید ارسال کالا به درستی انجام شود. دیگر شاخص یک نظام توزیع خوب، کم بودن حلقه های واسط است تا کالا با یک حاشیه سود مناسب و منطقی به دست مصرف کننده برسد. از این منظر با زنجیره ای مواجه هستیم که حلقه اول آن تولیدکننده است و حلقه آخر آن مصرف کنندگان هستند و حداقل این دو گروه نیز حلقه های متعدد عمده فروشان و خرده فروشان قرار گرفته اند. اصولا، هر قدر

فعالیت‌هایی که بهره‌وری بیشتری دارند، حرکت کند. بنابراین سازوکاری که منطبق با ساختار اقتصاد ما هست ساختاری توسعه‌نیافته و سنتی است. در این فضا تقسیم کاری شکل می‌گیرد که اگر آن حلقه‌های میانی نباشد؛ مشکل ایجاد می‌شود. اگر اقتصاد رشد مناسب و پایدار داشت، این حلقه‌ها خودبه‌خود حذف می‌شد. در غیر این صورت حذف این حلقه‌ها بدون ایجاد رشد در اقتصاد، اختلال ایجاد خواهد کرد مگر آنکه سیستم توزیع مدرن شود.

اساسا اقتصاد ما تولیدمحور نیست و بر پایه واردات و خدمات وارداتی استوار شده است. در این میان نوع جدیدی از دلالتی هم در اقتصاد ایجاد شده است که کمتر به آن پرداخته می‌شود. این افراد، اغلب کارچاق‌کنی می‌کنند. به طور مثال برای گرفتن تسهیلات افرادی وجود دارند که با اخذ درصدهایی بالا، مسیر دریافت تسهیلات و عبور از پیچ‌وخم‌های قانونی و حتی موانع قانونی را برای متقاضیان فراهم می‌کنند. به عبارتی در یک اقتصاد بیمار به اشکال گوناگون رد پای پررنگ از این حلقه‌های متعدد واسطه وجود دارد. در کشورهای دیگر کمتر پیدا می‌شود که مراکزی برای جذب دانشجو برای کشورهای دیگر وجود داشته باشد و از این طریق درآمدزایی کنند. اینها اشکال مختلفی از نظام دلالتی است که در وجوه مختلف خود را نشان می‌دهد.

■ در سخنان خود به ضرورت مدرن شدن نظام توزیع به عنوان راه حل اشاره کردید. سوال اینجاست برای مدرن سازی این شبکه چه اقداماتی باید یا می‌توان انجام داد؟

ایجاد هایپررها و فروشگاه‌های بزرگ یکی از روش‌های مدرنیزه کردن نظام توزیع است. برای کالاهای واسطه‌ای و رساندن کالاها و مواد اولیه به تولیدکنندگان میانی نیز

که محصول تولید می‌کنند به دلیل قدرت چانه‌زنی پایین، محصولات را با حداقل قیمت پیش‌فروش می‌کنند و زیان می‌بینند. مصرف‌کننده هم برای خرید محصول کشاورزی چندین برابر قیمت فروش کشاورز می‌پردازد، این مابه‌التفاوت فراوان موجود میان خرید از تولیدکننده و فروش به مصرف‌کننده کجا می‌رود؟ پاسخ روشن است به جیب چندین واسطه و دلال که محصول را دست به دست می‌کنند و هریک سودی روی آن می‌کشند که اغلب به مراتب بیشتر از سود تولیدکننده واقعی است؛ مبلغی که با نقش آنان در جریان تولید یا حتی توزیع منطقی هم‌خوانی ندارد. با توجه به این واقعیت‌ها، ناکارآمدی در شبکه توزیع غیرقابل انکار است.

■ با توجه به آسیب‌شناسی‌تان از حلقه توزیع در ایران دلایل شکل‌گیری این معضل را در چه می‌بینید؟

در حوزه تولیدکنندگان کوچک عمدتا به دلیل نبود زیرساخت‌های مناسب این اتفاق می‌افتد، یا به دلیل شرایط مالی و درآمدی تولیدکنندگان ناگزیر به فروش کالاهای‌شان با حداقل قیمت می‌شوند. اگر تولیدکننده امکان دپوی کالا و بهره‌مندی از امکانات حمل‌ونقلی را داشته باشد، طبیعی است که تعداد و قدرت مانور حلقه‌های میانی نیز کاهش پیدا می‌کند. اما اکنون که این زیرساخت‌ها فراهم نیست ناگزیر هستیم با استفاده از واسطه‌های متعدد کالا را به دست مصرف‌کنندگان برسانیم، وگرنه از سویی ممکن است مثلا باغدار نتواند محصول خود را جمع‌آوری کند و به فروش برساند و متضرر شود و از سوی دیگر به دلیل کاهش عرضه، قیمت محصولات در بازار افزایش یابد و مصرف‌کننده هم زیان بیشتری متحمل شود. درواقع مجموعه‌ای از نبوده‌ها و کمبودها موجب شده است که حضور فعال دلالان و واسطه‌های پرتعداد از سوی تولیدکننده و مصرف‌کننده تحمل شود.

راهکار غلبه بر این نقطه ضعف مشخص است؛ سازماندهی و مدرن‌سازی شبکه توزیع. مشکل اصلی این است که فعالیت‌های تولیدی ما شکل و شمایل مدرنی ندارد و ساختار آن اغلب سنتی است. به همین دلیل آن حلقه میانی به وجود می‌آید که کارراه‌انداز است. این را ما در خرده‌فروشی سنتی کالاهای کارخانه‌ای هم می‌بینیم.

اگر اقتصادی رشد پایدار و باثبات را برای یک مدت زمان طولانی تجربه کند (مانند ترکیه و کره جنوبی)؛ ساختار فعالیت‌ها هم دگرگون می‌شود. در اقتصادهای برخوردار از رشد پایدار، شبکه‌هایی که فعالیت و بهره‌وری کمتری دارند یا شبکه‌هایی که مولد «اشتغال‌زایی پنهان» هستند یا ارزش افزوده را به بهای افزایش قیمت نهایی مصرف‌کننده ایجاد می‌کنند؛ به تدریج حذف می‌شوند. در مقابل در جاهایی که اقتصاد رشد خوبی ندارد و سازماندهی فعالیت‌ها مدرن نیست؛ شبکه توزیع هم درگیر مشکلات و رانت‌هایی می‌شود. به عبارت دیگر در چنین اقتصادهایی منابع نتوانسته از رشته فعالیت‌هایی که بهره‌وری کمتری دارند به سمت رشته

راهکار غلبه بر این نقطه ضعف مشخص است؛ سازماندهی و مدرن‌سازی شبکه توزیع. مشکل اصلی این است که فعالیت‌های تولیدی ما شکل و شمایل مدرنی ندارد و ساختار آن اغلب سنتی است. به همین دلیل آن حلقه میانی به وجود می‌آید که کارراه‌انداز است



می‌توان از سازوکار بورس کالا استفاده کرد. البته باید توجه کرد که اقتصاد ما در یک وضعیت «الاکلنگی» قرار دارد. به طور مثال تقویت و گسترش هایپررها، ممکن است تعداد زیادی از خرده‌فروشی‌ها را به تعطیلی بکشاند و تعداد بیکاران را افزایش دهد. درواقع چون اقتصاد ما در این سال‌ها رشد پایدار نداشته، نتوانسته ساختارسازی کند و چون نتوانسته ساختارسازی درستی داشته باشد، تقسیم کار سنتی پابرجا مانده است.

مرزبندی حساس دخالت یا نظارت در عرضه های بورسی

مهدی کرباسیان، معاون پیشین وزیر صمت:
اغلب مخالفان بورس کالا دلسوز منافع ملی نیستند



«سازوکار بورس کالا، مدرن و شفاف است و باید از آن بهره حداکثری گرفت. از همان ابتدا عده ای مخالف بورس کالا بودند و متأسفانه اغلب این مخالفان، افراد دلسوزی نیستند و منافعی را دنبال می کنند که با منافع ملی منطبق نیست. اما بورس کالا حتما باید فعال باشد.» اینها، سخنان کسی است که خود، سالها به عنوان معاون وزیر صنعت در بخش معدن فعال بوده و سیاست گذاری کرده است. مهدی کرباسیان که رئیس هیات عامل ایمیدور نیز بوده است در گفت و گو با خبرنگار ما می گوید: دولت در نظارت باید قاطع باشد و از زیاده طلبی های عده ای خاص جلوگیری کند. او در عین حال تأکید دارد: تمام تصمیمها در وزارت صنعت، معدن و تجارت گرفته نمی شود و بخشی از این تصمیمها در خارج از این وزارتخانه اخذ و سپس برای اجرا به وزارت صمت ابلاغ می شود. این گونه تصمیمها، اغلب در بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه، مجلس و ... گرفته می شود. در نتیجه وزارت صمت، مجری چنین دستورهای است. متن کامل گفت و گو با کرباسیان در ادامه آمده است.



بپذیریم و آن اینکه در مقطع فعلی، تحریم اتفاق مهمی است که سیاستها را تحت الشعاع قرار داده و در چنین فضایی باید حمایت از تولید داخلی و مصرف داخلی در اولویت باشد و دولت وظیفه دارد نیاز داخل را به نحو مطلوبی تامین کند. بنابراین دولت این حق را دارد که برای تنظیم بازار به ویژه در مقطع فعلی دخالت هایی کند اما نقطه ضعفی که در همه دولتها وجود داشته و مختص به مقطع زمانی کنونی هم نیست، این است که برخی تصمیمها موردی و احساسی گرفته می شود. به فرض با گفتن اینکه فلان کالا در جامعه کم است، به یکباره جلوی صادرات آن کالا گرفته می شود و تولیدکنندگان منتقد می شوند، یا در بحث قیمت گذاری نیز در مواردی بدون در نظر گرفتن قیمت تمام شده مداخله غیرکارشناسی می شود که این گونه واکنشها بیشتر بازار را آشفته می کند.

برخی منتقدان، معتقدند بعضی تصمیمها خواسته یا ناخواسته موجب ایجاد امتیاز ویژه برای صادرکنندگان می شود. نظر شما درباره این نگاه چیست؟

تنظیم بازار همواره یکی از اولویت های وزارت صمت بوده و به همین منظور در بازارهایی مانند محصولات فلزی و فولادی دولت همیشه ورود داشته است. نقش دولت چه در تعیین قیمت و چه در سیاست های تولید و صادرات چشمگیر بوده و با ابلاغیه های دستوری در این بازارها اثرگذاری داشته است. این سیاستها در محصولات فولادی به دلیل اهمیت آن حتی پررنگ تر از سایر بخشهاست. آیا این روش سیاست گذاری در بازار را مناسب می دانید؟

سیاست گذاری و نظارت از تکالیف اصلی دولت است. در وضعیت فعلی نیز اقتصاد ما اقتصادی خصوصی نیست و بسیاری از مالکیتها به ویژه در صنایع معدنی و معادن بزرگ در اختیار دولت و بخش خصولتی است. به همین دلیل، سیاست گذاری و نظارت که جزو وظایف اولیه دولت است، مقداری بحث برانگیز شده و در نهایت تصمیمهای گرفته شده به دلیل ذی نفع بودن دولت یا خصولتیها گاهی از جنبه کارشناسی، قوی و گره گشا نیست. البته ما باید یک موضوع را هم

باید مد نظر دولت باشد، موضوع معیشت مردم است. در مقطع فعلی، اساس کار دولت و مجموعه قوا باید صیانت از معیشت مردم و تقویت سطح آن باشد. بر این اساس دولت باید تصمیمات قاطع و درست بگیرد. لحاظ منافع گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند دولت را از این هدف، یعنی حفظ سطح معیشت دور کند. از سوی دیگر تصمیم‌ها نباید احساسی باشد، به عبارتی حفظ معیشت نباید مترادف با اعمال فشار به تولیدکننده باشد.

قیمت‌گذاری‌ها باید بر اساس اصول اقتصادی و منطق انجام شود؛ یعنی اگر قیمت تمام‌شده ۱۰۰ است، نباید به زور قیمت را ۹۰ در نظر بگیریم و سپس تولیدکنندگانی که آن را رعایت نکردند به تعزیرات بکشانیم. این اتفاق جدید نیست و از ابتدای انقلاب این مشکل وجود داشته است. منظورم دقیقاً این است که باید منطقی میان تامین سطح معیشت مردم و تسهیل شرایط تولید برقرار باشد. دولت در نظارت باید قاطع باشد و از زیاده‌طلبی‌های عده‌ای خاص جلوگیری کند. من استنباطم این است که در این ارتباط باید به وزارت صنعت، معدن و تجارت اقتدار بیشتری دهیم و از تحمیل تصمیم‌های فراوزراتخانه‌ای پرهیز کنیم. در عین حال وزارتخانه نباید تصمیمات مقطعی و احساسی بگیرد و حتماً از بخش خصوصی به عنوان مشاورانی کارآمد و امین استفاده کند.

۱۲ عرضه بورس کالا تا چه اندازه می‌تواند به تنظیم بازار کمک کند؟

من در راه‌اندازی بورس کالا نقش داشتم و اعتقاد دارم که یکی از تصمیم‌های کارشناسی و موثر دولت دوم اصلاحات بود. بورس کالا ابتدا با فلزات آغاز به کار کرد و در سال‌های ۸۴ تا ۸۸ توسعه پیدا کرد و در ادامه اقلام پتروشیمی و کشاورزی و سپس سایر اقلام فلزی و غیرفلزی نیز وارد این بازار شد. سازوکار این بورس، مدرن و شفاف است و باید از آن بهره حداکثری گرفت. بدیهی است از همان ابتدا عده‌ای مخالف بورس کالا بودند و متأسفانه اغلب این مخالفان، افراد دلسوزی نیستند و منفعی را دنبال می‌کنند که با منافع ملی منطبق نیست. اما بورس کالا حتماً باید فعال و از آزادی عمل مناسب برای تأثیرگذاری برخوردار باشد. هم‌زمان سازمان بورس و اوراق بهادار نیز باید روش‌ها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و نظارت‌ها را بیشتر کند تا بازیگران اصلی بورس کالا، یعنی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، هر دو نفع ببرند تا وضعیت «برد-برد» بر معاملات حاکم شود.

باید بپذیریم که در وضعیت کنونی ایران، بحث صادرات بسیار بحث اساسی است. صادرات هم برای آینده کشور مهم است و هم در مقطع فعلی برای تامین ارز کشور اهمیت مضاعف یافته؛ به‌ویژه در شرایطی که صادرات نفت ما دچار مشکلات جدی شده، اهمیت صادرات غیرنفتی دوچندان شده است. صادرات مواد معدنی و صنایع معدنی بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار است که در شرایط تحریمی ایران، رقم قابل توجهی به شمار می‌رود که می‌تواند بخشی از نیازهای ارزی کشور را مرتفع و مددکار گذر از تنگناهای تحریم باشد.

۱۳ منتقدان ناگهانی بودن اتخاذ و ابلاغ این تصمیم‌ها و ضعف تعامل مقامات با کارشناسان و فعالان حوزه را هم مورد انتقاد قرار می‌دهند. آیا این انتقادهای وارد می‌دانید؟

تمام تصمیم‌ها در وزارت صنعت، معدن و تجارت گرفته نمی‌شود و بخشی از این تصمیم‌ها در خارج از این وزارتخانه، اخذ و سپس برای اجرا به وزارت صمت ابلاغ می‌شود. این‌گونه تصمیم‌ها، اغلب در بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه، مجلس شورای اسلامی و ... گرفته می‌شود. در نتیجه وزارت صنعت، معدن و تجارت مجری دستورهای این‌چینی است. البته خود وزارت صمت هم طی سال‌های اخیر گاهی تصمیم‌هایی گرفته که نزد فعالان بازار و کارشناسان بحث‌برانگیز شده است.

۱۴ سوای این نکات، چه عوامل دیگری را در نامنتظر بودن برخی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با مبانی علمی یا واقعیت‌های جامعه دخیل می‌دانید؟

گاهی مصلحت‌سنجی‌های سیاسی و حتی امنیتی بر قواعد تصمیم‌گیری اقتصادی سایه می‌اندازند و آن را از انطباق با اصول علمی یا مطالبات فعالان بازارها دور می‌کند. گاهی هم گزارش‌هایی به مقامات ارائه می‌شود که به دلایل متعدد محتوای دقیق یا درستی ندارند و روند کارشناسی لازم و گاهی بیطرفانه را طی نکرده‌اند و همین گزارش‌های نادرست به تصمیم‌گیری‌های اشتباه منتهی می‌شود که در نهایت موجب انتقاد کارشناسان و فعالان بازارها را فراهم می‌آورد.

۱۵ در سخنان خود اشاره کردید که به دلیل حضور دولت و بخش خصوصی، سیاست‌ها مخدوش شده است. آیا مصداقی برای سخن‌تان دارید؟

یکی از نکاتی که به نظر می‌رسد تصمیم درستی است و

شرط کلیدی «همه یا هیچ» آهنی‌ها

اکبریان، رئیس هیات مدیره انجمن سنگ آهن ایران: باید همه زنجیره فولاد وارد بورس شود و نه فقط چند حلقه آن



«متأسفانه اتفاق ناصوابی در زنجیره فولاد افتاده که باعث شده است تجمع سود در میانه آن باشد و در حق اول و آخر زنجیره اجحاف شود». این جمله، عصاره انتقادهای رئیس هیات مدیره انجمن سنگ آهن ایران از وضعیت فعلی بازار است. مهرداد اکبریان در گفت‌وگو با نشریه «بورس کالا» برای اثبات درستی ادعای خود استدلال‌ها و استنادهایی مطرح کرده است که در ادامه می‌خوانید.



از اول سال تنها ۱۵ هزار تن سنگ تولید کرده و شاید با بورس بیگانه باشد.

ریشه اختلاف نگاه سنگ آهنی‌ها با دولت را در چه می‌دانید؟

ما می‌گوییم مینا باید قیمت‌های جهانی باشد اما دولت این را قبول ندارد. هم‌اکنون شمش فولاد خوزستان به صورت «خوداظهاری» دولت در سایت قیمت‌گذاری می‌شود اما این شائبه وجود دارد که دولت می‌تواند در آن سایت قیمت‌های استعلامی را دستکاری کند و بالا و پایین ببرد. متأسفانه سایت، اغلب قیمتی را اعلام می‌کند که با واقعیت بازارهای داخلی و خارجی همخوان نیست. در چنین شرایطی اگر این قیمت‌های دستوری را قبول کنیم و مینا قرار دهیم، در واقع اجحاف به بالادست زنجیره و بخش معدن و صنایع معدنی را پذیرفته‌ایم.

اگر همه زنجیره فولاد وارد بورس کالا شود، پیش‌بینی می‌کنید چه رخدادهای مثبتی در قیمت‌گذاری‌ها رخ دهد؟

قطعا در گام اول قیمت‌ها واقعی می‌شود و محصولات داخلی با قیمتی کمتر از نرخ‌ی که الان تعیین می‌شود به دست مصرف‌کننده خواهد رسید. اینک سنگ آهن، کنستانت‌تره و آهن اسفنجی گران فروخته می‌شود اما اگر این محصولات در بورس عرضه شود باعث خواهد شد تیر آهن و میلگرد با قیمت ارزان‌تری به دست مردم برسد. من به عنوان رئیس هیات مدیره انجمن سنگ آهن ایران باید بگویم که متأسفانه اتفاق ناصوابی در زنجیره فولاد افتاده که باعث شده تجمع سود در میانه آن باشد و در حق اول و آخر زنجیره اجحاف شود، امیدوارم با ورود همه زنجیره فولاد به بورس کالا این وضعیت تغییر کند و در نهایت سود آن به جیب مردمی برود که با فشار اقتصادی و تحریم‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند.

برخی معتقدند عرضه تولیدات تمام حلقه‌های این زنجیره در بورس می‌تواند به بهبود وضعیت بازار منجر شود و برخی دیگر، عرضه در بورس را به نفع بازار نمی‌دانند. شما به عنوان یک فعال با سابقه در حوزه سنگ آهن، درباره این دو دیدگاه متفاوت و حتی متعارض چه نظری دارید؟

من همیشه موافق این بودم که کالاهای زنجیره فولاد در بورس عرضه شود، البته به این شرط که همه این زنجیره وارد بورس شود، نه فقط چند حلقه آن. نباید این‌گونه باشد که مثلا سنگ آهن را در بورس عرضه کنیم اما اجازه ندهیم شمش، آهن اسفنجی، کنستانت‌تره و حتی میلگرد و ورق وارد بورس شود. اگر قرار باشد تنها برخی محصولات وارد بورس شود، قطعا رویه مثبتی که از بورس برای کشف قیمت و تنظیم درست عرضه و تقاضا در بازار انتظار داریم، به هم می‌ریزد. نکته دیگر اینکه باید حداقل ۷۰ درصد حجم تولید این محصولات وارد بورس شود، نه اینکه مثلا اعلام شود، شمش در بورس عرضه شده اما بعدا معلوم شود که تنها ۱۰ درصد تولید شمش کشور به بورس آمده و ۹۰ درصد دیگر روانه خارج از بورس شده است. اگر دولت واقعا به این درک رسیده که بورس، راهکاری درست برای تنظیم بازار است، ما حاضریم از بورس کالا به عنوان یک ابزار مطمئن و درست استفاده کنیم.

البته شاید نیاز باشد بورس نیز در زیرساخت‌های خود تغییراتی را اعمال کند، زیرا تمامی عرضه‌کنندگان باید بتوانند به راحتی در سازوکار بورس حضور یابند. مثلا برای سنگ آهن عرضه‌کننده‌ای به نام گل‌گهر داریم که با تیراژ بالا، به صورت منظم و با کیفیت‌های مطلوب با بورس کار کرده و گردش مالی بسیار خوبی دارد اما در کنار آن معدن‌دار کوچکی هم وجود دارد که

بورس کالہ

نہض بورس

Index ▲ 1.56



واسطه زدایی در تالارهای شیشه‌ای

نظام توزیع با معاملات مستقیم تولیدکننده و مصرف‌کننده کارآمدتر می‌شود



نظام توزیع ایران همواره از معضلات بزرگ در اقتصاد کشور بوده است. تولیدکننده دشواری‌های تولید را به جان می‌خرد و در نهایت محصول را با حاشیه سودی متعارف عرضه می‌کند اما به دلیل نارسایی‌های حوزه تولید، همین محصول پیش از رسیدن به دست مصرف‌کننده واقعی در دام دلالت گرفتار می‌شود. دلالت بدون ایجاد هیچ گونه ارزش افزوده‌ای، کالاها را با چند برابر قیمت تحویل مصرف‌کننده می‌دهند و به این ترتیب نه تولیدکننده از سود بزرگی که در این چرخه ایجاد شده نفع می‌برد و نه مصرف‌کننده، بلکه این دلالت هستند که سودهای بادآورده به جیب می‌زنند. اما به عقیده فعالان تولید کشور این مشکل بنیادین می‌تواند با استفاده از ابزار بورس که اتاقی شیشه‌ای و شفاف برای انجام معاملات است، حل شود. وقتی تولیدکننده و مصرف‌کننده مشخص باشند و رو در روی یکدیگر معامله کنند، فضایی برای حضور و مانور دلالت باقی نمی‌ماند. در واقع وقتی قیمت‌ها بر پایه عرضه و تقاضا تعیین شود، دیگر رانتی هم نخواهد بود و حضور دلالت نفعی برای آنان نخواهد داشت. فروش محصولات با قیمت مناسب به مصرف‌کننده، تقاضای بیشتر را سبب می‌شود و این رشد تقاضا همان مزیتی است که بورس نصیب حوزه تولید می‌کند. در گزارش پیش رو فعالان حوزه پتروشیمی و فولاد اثرات عرضه محصولات در بورس را بررسی و برای رفع مشکلات پیشنهادهایی را مطرح کرده‌اند.



تأمین سرمایه در گردش و تولید بیشتر

خطیبی، نماینده پیشین ایران در اوپک به عنوان یکی از فعالان با سابقه در حوزه نفت و پتروشیمی پیرامون مزایای بورس برای بخش تولید می‌گوید: کسی نمی‌تواند مخالف بورس باشد زیرا امروزه معامله بسیاری از محصولات در دنیا بورسی است. در این بازار تولیدکنندگان می‌توانند محصولات خود را بر پایه سازوکاری شفاف، عرضه کنند و به فروش برسانند. اگر تولیدکننده کالای خود را به قیمت واقعی بفروشد

می‌تواند نیازمندی‌های سرمایه در گردش یا هزینه‌های تمام‌شده را از محل نقدینگی‌های واردشده به بورس تأمین کند. بنابراین ضمن رفع نیاز نقدینگی واحدهای تولیدی، می‌توان روی تولید بیشتر هم برنامه‌ریزی کرد. به اعتقاد او، وقتی تولیدکننده مستقیم به مصرف‌کننده محصول خود را بفروشد با حذف دلالت و واسطه‌ها مقدار متناهی از هزینه‌های بارشده بر قیمت نهایی کسر می‌شود و قیمت تمام‌شده مناسب‌تری در اختیار مصرف‌کنندگان قرار

نظر مثبتی درباره بازار شیشه‌ای دارد. او معتقد است: موضوع بورس و فرهنگ استفاده از آن یک فرهنگ جدید است. به صورت سنتی مردم ما با این فرهنگ آشنا نبودند، بنابراین با وجود آنکه چند سالی است از بورس استفاده می‌شود اما می‌بینیم که هنوز محصولات بسیار زیادی وجود دارد که وارد بورس نشده‌اند و خارج از تالار شیشه‌ای معامله می‌شوند. او ادامه می‌دهد: در کشورهای غربی، بورس قدمت بیشتری نسبت به ایران دارد و معاملات این‌چنینی به عنوان یک فرهنگ غالب پذیرفته شده است و انواع محصولات با این سازوکار فروخته می‌شود. این در حالی است که متأسفانه در ایران برای عرضه محصولات در بورس سنگ اندازی می‌شود. حسینی می‌افزاید: وقتی محصولی در بازار سنتی عرضه می‌شود، هیچ قرارداد مدون و الکترونیکی بسته نمی‌شود. خریدار و فروشنده می‌توانند مخفی بمانند و نوع معامله، قیمت مورد توافق و زمان معامله خود را هم پنهان کنند و این مخفی‌کاری پیامد واضحی دارد و آن هم بروز و ظهور واسطه‌های پر شمار در حد فاصل تولیدکننده و مصرف‌کننده است که به افزایش قیمت و حتی گرانی بی‌پایه و اساس کالاها منجر می‌شود. همین مشکل سنتی توزیع در ایران سال‌هاست باعث شده تا واسطه‌ها بدون ایفای نقش تولیدی و بدون ایجاد هیچ گونه ارزش افزوده‌ای، فقط و فقط از طریق دست به دست کردن محصولات، سودهای کلان به دست آورند و دود این کسب سود رانتهی هم به چشم تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی برود.

این فعال حوزه پتروشیمی یادآور می‌شود: دنیا برای مدیریت این نظام توزیع به این نتیجه رسیده که کالاها را در یک اتاق شیشه‌ای عرضه کند تا مشخص شود چه کسی فروخته، چه کسی خریده و چه قیمتی بابت این محصول رد و بدل شده است. ما هم در ایران با الگوبرداری از این نظام، بازاری تحت عنوان بورس کالا ایجاد کردیم که شفافیت در آن مزیت اصلی باشد. در چنین بازاری البته به شرط نبود دخالت‌های دستوری دولت، قیمت کشف‌شده با حذف واسطه‌ها منطقی می‌شود و آنگاه تنها چیزی که قیمت را تعیین می‌کند، عرضه و تقاضا خواهد بود. وقتی تولیدکننده بتواند با قیمت مناسب کالای خود را بفروشد، سود ناشی از آن، چرخ‌های تولید او را به حرکت

خواهد گرفت. این قیمت مناسب سبب شکل‌گیری تقاضای بیشتر و به تبع آن فراهم شدن تولیدات بیشتر خواهد شد. خطیبی بیان می‌کند: بورس مکانی برای حضور بدون واسطه تولیدکننده و مصرف‌کننده است. هر قدر این دو با ایجاد موانع مختلف از هم دورتر شوند، زمینه حضور واسطه‌ها و دلالتان مهیاتر می‌شود. او با این مقدمه به وجود چالشی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: برخی مواقع بورس با مداخلاتی که از طرف مسئولان اعمال می‌شود به انحصار عده‌ای خاص درمی‌آید. طی همین دو سال گذشته دیدیم که چطور عده‌ای محصولات پتروشیمی را در بورس ارزان می‌خریدند و به چند برابر قیمت در بازار آزاد می‌فروختند. در حالی که افرادی که مصرف‌کنندگان واقعی محصولات هستند و با این محصولات تولید انجام می‌دهند قادر نبودند از بورس خرید کنند. تولیدکنندگان ناچار بودند به بازار آزاد بروند و محصولاتی را که دلالتان از بورس با قیمت بسیار پایین گرفته بودند، به چند برابر قیمت بخرند. نماینده پیشین ایران در اوپک اضافه می‌کند: بورس باید محل

معامله برای تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی باشد. اگر در بورس به جای تولیدکننده و مصرف‌کننده واقعی عده‌ای دلال حضور یابند، بورس از هدف اصلی خود دور شده است. این بازار برای شفافیت در معاملات و کشف قیمت منطقی بر مبنای عرضه و تقاضا راه‌اندازی شده است اما مداخلات دولت، به هر شکلی که باشد این کارکرد بورس را خنثی می‌کند.

او ضمن تأکید بر اینکه بورس باید رقابتی باشد، متذکر می‌شود: درهای بورس باید باز باشد تا مصرف‌کنندگان واقعی بتوانند در معاملات حضور یابند. مصرف‌کنندگان واقعی نباید پشت درهای بورس سرگردان یا متوقف شوند. لازمه ایجاد چنین شرایطی آن است که دولت از قیمت‌گذاری مصنوعی پرهیز کند.

خطیبی با بیان اینکه بورس باید محل تلاقی عرضه و تقاضای واقعی باشد تأکید می‌کند: باید دولت به بورس آزادی عمل بدهد و این انحصارها برداشته شود. این محدودیت‌ها که فقط عده خاصی را برای انجام معامله به بورس راه می‌دهند، شایسته این بازار نیست.

■ اثرات عرضه در اتاق شیشه‌ای

حمید حسینی، فعال حوزه پتروشیمی نیز



طی همین دو سال گذشته دیدیم که چطور عده‌ای محصولات پتروشیمی را در بورس ارزان می‌خریدند و به چند برابر قیمت در بازار آزاد می‌فروختند. در حالی که افرادی که مصرف‌کنندگان واقعی محصولات هستند و با این محصولات تولید انجام می‌دهند قادر نبودند از بورس خرید کنند. تولیدکنندگان ناچار بودند به بازار آزاد بروند و محصولاتی را که دلالتان از بورس با قیمت بسیار پایین گرفته بودند، به چند برابر قیمت بخرند

دوباره می‌اندازد. اینجاست که می‌توانیم بگوییم بورس روی تولید اثر مثبت گذاشته است.

۴ ورود عناصر غیر تجاری به بورس

نادر سلیمانی، عضو هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد نیز که سال‌هاست در بازار فولاد افت‌وخیزهای سیاست‌ها و قیمت‌گذاری‌ها را دیده است می‌گوید: از زمانی که کالاها وارد بورس شدند قیمت‌ها صورتی واقعی‌تر به خود گرفت اما در همین زمان که قیمت‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، دخالت‌های دولت به صورت مداخلات دستوری قیمتی این نظم را مدام بر هم می‌زند.

وی تأکید می‌کند: صرف نظر از دخالت‌های دولت و آسیب‌هایی که این مداخلات در بازار ایجاد کرده است، به دلیل شفافیتی که سازوکار بورس برای معاملات ایجاد کرده است، تولیدات فولاد در اثر این نظام شفاف افزایش پیدا کرده است. رشد تولید یک حلقه از زنجیره فولاد به تمام حلقه‌های دیگر تسری پیدا می‌کند و به تبع رشد یک بخش تمام زنجیره تولید فولاد رشد می‌کند.

به گفته سلیمانی، از زمانی که کالاها وارد بورس شدند، روی درآمد شرکت‌ها اثر مثبتی ایجاد شده و واحدهای توسعه شرکت‌ها به صورت فعال رشد پیدا کرده است.

عضو هیات مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد تصریح می‌کند: اگر دقت کنید ابتدای انقلاب در کل کشور ۹۰۰ هزار تا یک میلیون تن فولاد تولید می‌کردیم. در دولت مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی این عدد به ۹ تا ۱۰ میلیون تن رسید. در برنامه جامع فولاد که برای افق ۱۴۰۴ نوشته شده، پیش‌بینی تولید تا سطح ۵۵ میلیون تن است که در مسیر این هدف، با راه‌اندازی بورس کالا و کمکی که این بازار به توسعه تولید کرد، اکنون تولید به حدود ۳۰ میلیون تن رسیده است.

او می‌افزاید: وقتی یک محصول نهایی، مثل شمش در بورس عرضه می‌شود به دنبال آن، تمام این زنجیره تأثیر می‌گیرد و قیمت نهایی که قیمت شمش است روی قیمت محصولات حلقه‌های قبلی خود اثر می‌گذارد چرا که محصولات باید ضریبی از قیمت شمش باشد. در اثر واقعی شدن قیمت، ضرایب آن زنجیره از قیمت‌های تعیین‌شده در بورس متاثر می‌شود. اخیراً ضرایب قیمت‌ها را با توجه به افزایش قیمت دلار و افزایش نرخ جهانی فولاد تغییر دادیم و از ۸۳ درصد به ۹۵ درصد رساندیم. این اتفاق تمام حلقه‌های زنجیره را متاثر می‌کند و از سنگ آهن تا محصول نهایی درصدی از تغییرات را به خود اختصاص می‌دهد. سلیمانی اظهار می‌کند: از فروردین ۹۹ که دخالت‌های دستوری شروع

شد، هم تورم ایجاد کرد و هم باعث رانت شد. دولت با ابطال معاملات نظم بازار را بر هم زد؛ وقتی معامله باطل می‌شود تقاضا که از بین نمی‌رود، بنابراین تقاضا به بازاری دیگر می‌رود و با شکل‌گیری بازار سیاه برای عده‌ای رانت ایجاد می‌شود. ابطال معاملات در بورس دو تأثیر منفی می‌گذارد. اول آنکه بورس را که وظیفه ذاتی کشف قیمت دارد از حیض انتفاع خارج می‌کند و دوم ورود عناصر غیر تجاری را به بازار سبب می‌شود و یک بازار سوداگری ایجاد می‌کند. بخشی از افزایش قیمتی که امروز در بازار فولاد می‌بینیم مربوط به همین رفتار است.

۴ کدفروشی غیرقانونی دلان

یک کارشناس معاملات نیز می‌گوید: خریداران واقعی وقتی یک محصول را با حذف واسطه از بورس می‌خرند، از توان مالی مناسب‌تری برای ادامه فعالیت برخوردار می‌شوند. خرید مستقیم محصولات پایه پتروشیمی از تولیدکننده سبب می‌شود هزینه تولید نهایی کاهش یابد. از طرف دیگر در معاملات بورسی شفافیت وجود دارد و کشف قیمت بر اساس عرضه و تقاضای موجود انجام می‌شود. روح... معلم اما به مشکل مداخلات دولت اشاره می‌کند و می‌افزاید: معمولاً قیمت‌گذاری رانت ایجاد می‌کند. در بورس هم عده‌ای دلال وجود دارند که با خرید یکسری کدها، کالاها به دست این افراد می‌رسد. هرچند کدفروشی غیرقانونی است اما برخی دلالان در بورس این فعل غیرقانونی را انجام می‌دهند. اساس شکل‌گیری این فرآیند غیرقانونی نیز همان قیمت‌گذاری دستوری است که باعث ایجاد رانت می‌شود. وقتی قیمت در بورس با بازار آزاد فاصله زیادی داشته و ارزان‌تر باشد، برای دلالان حضور در این بازار جذابیت پیدا می‌کند تا از نفع ایجادشده بهره ببرند. اما اگر اجازه شکل‌گیری به این رانت قیمتی داده نشود، خودبه‌خود فعالیت غیرقانونی افراد و حضور دلالان هم از بین می‌رود.

در پرونده پیش رو سلسله گزارش و گفت و گوهایی تهیه شده که نظام توزیع در ایران را واکاوی کرده و با برشمردن نقاط ضعف این سیستم، سعی در یافتن راه‌حل مناسب جهت منطقی‌سازی سیستم توزیع در ایران دارد. در صفحات پیش رو، نظام توزیع از ابتدای انقلاب و در دوره‌های مختلف در گفت و گو با مسئولان بازرگانی وقت بررسی شده و تغییرات این نظام به مرور و در طول تاریخ ۴۰ ساله مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه با برگزاری میزگردی، مشکلات نظام توزیع در شرایط حال حاضر به بحث گذاشته شده و راهکارهای اصلاح این سیستم عنوان شده است.

روایت وزیر بازرگانی دولت سازندگی از چرایی تغییر روش توزیع

یحیی آل اسحاق: عمر جریان «چپ اقتصادی» به پایان رسیده بود

نظام توزیع در ایران حدود و ثغور زیادی داشته و روش‌های مختلفی را تجربه کرده است. پس از پایان جنگ تحمیلی، دولت سازندگی مستقر شد و شیوه تنظیم بازار متکی به نظام سهمیه‌بندی و مراکز تهیه و توزیع را کنار گذاشت و روش تنظیم بازار با اتکا به عرضه و تقاضای بازار جایگزین آن شد. یحیی آل اسحاق وزیر بازرگانی دولت هاشمی رفسنجانی درباره چرایی و ضرورت این تحول می‌گوید: «یک دیدگاه نظری مشهور به جریان «چپ اقتصادی» از ابتدای انقلاب فعال بود که بر ضرورت دولتی کردن کل اقتصاد و همه واردات و صادرات کشور تاکید داشت. مراکز «تهیه و توزیع» هم یکی از خروجی‌های اجرایی «چپ اقتصادی» بود. در برهه اقتصاد جنگی این دیدگاه تا حدودی کاربرد داشت اما پس از پایان جنگ تحمیلی، به تدریج پیامد فسادهای نظام چپ اقتصادی آشکار شد و ادامه این شیوه دیگر قابل تحمل نبود.» وزیر بازرگانی دولت سازندگی نظام جایگزین این مراکز را «شبکه مردمی» می‌داند و از ضرورت و کارآمدی این جایگزینی دفاع می‌کند. آل اسحاق در گفت‌وگو با ما همچنین دیدگاه خود پیرامون دلیل بحران نظام توزیع فعلی کشور را نیز تشریح می‌کند. متن این گفت‌وگو در پی آمده است.



نیز هست.

نکته دوم نوع و شکل شبکه توزیعی است که مناسب اقتصاد ایران باشد. از ابتدای انقلاب مساله تعاونی‌های توزیع، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، اصناف، تعزیزات و شبکه‌های سنتی عمده و خرده‌فروشی نقش مهمی در شبکه توزیع ایران ایفا می‌کردند. اخیراً نیز نظام توزیع الکترونیکی به این مجموعه اضافه شده است. بنابراین

موضوع توزیع، حدود و ثغور زیادی داشته است. یکی از مسائل مهم ما در اوایل انقلاب و سپس در شرایط جنگ تحمیلی، ضرورت رساندن بهینه کالا به مردم بود. با توجه به تحریم‌های آن زمان و نیز محدودیت‌های منابع و نیازهای ملی، کالارسانی باید به‌گونه‌ای انجام می‌شد که هم دچار احتکار و گران‌فروشی نشویم، هم نیازهای مردم و رزمندگان به‌خوبی تامین شود.

اقتصاد جنگ متد و روش‌های ویژه خود را دارد. در ادوار جنگ، تمام منابع با دو اولویت اساسی تخصیص می‌یابند که شامل تامین نیازهای جنگ و تامین نیازهای حداقلی جامعه است. به طور مثال درباره لاستیک، موضوع واردات و تولید داخل باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌شد که هم نیازهای حداقلی مردم و هم نیاز تدارکات جنگ تامین شود. در چنین اولویت‌بندی و نظامی، خود به خود بحث سهمیه‌بندی مطرح می‌شود

نظام تامین و توزیع یکی از موضوعات مهم در اقتصاد ایران است که به تدریج و به‌ویژه طی سال‌های گذشته به یک چالش تبدیل شده است. در سال‌های پس از انقلاب به دلیل شرایط حاکم بر کشور، نظام تامین و توزیع فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرد. در زمان وزارت شما در دولت سازندگی تامین کالا بر چه مبنایی انجام می‌شد؟

در نظام تامین و لجستیک کالا، اعم از کالاهای مورد نیاز تولید، صنعت یا مصرف‌کنندگان عام و نیز زنجیره تامین، توزیع، ذخیره‌سازی، قیمت‌گذاری و کالارسانی؛ موضوع توزیع از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ مساله‌ای که از ابتدای انقلاب در حوزه‌های مختلف چه زمان انقلاب، چه در دوران جنگ تحمیلی و چه در زمان سازندگی با آن درگیر بودیم. بنابراین موضوع توزیع همواره یکی از چالش‌های اساسی کشور بوده و هست. وضعیت نظام توزیع نقشی جدی در همه حوزه‌های اقتصاد دارد. یعنی اگر می‌خواهیم اولویت سیاست‌ها را به تولید اختصاص دهیم لازم است ابتدا موضوع توزیع را ساماندهی کنیم. حتی اگر مسائل اجتماعی یا محرومیت‌زدایی و تاب‌آوری اقتصاد اولویت باشد، باز هم ابتدا باید نظام توزیع را بازنگری کنیم و این امر منحصر به گذشته نیست و حتی از اولویت اساسی امروز

و در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هم دقیقا چنین اتفاقی رخ داد.

۲ در زمان جنگ تحمیلی، مراکز تحت عنوان «تهیه و توزیع» راه اندازی شد که وظیفه تامین کالا و توزیع آن میان مردم را بر عهده داشت. اما بعد از خاتمه جنگ و استقرار دولت های پنجم و ششم، این مراکز به تدریج تعطیل شدند و همین تحول انتقاد کسانی را برانگیخت که معتقد بودند کارنامه این مراکز در شرایط دشوار جنگی مثبت بوده و نباید دولت سازندگی خود را از مزیت مراکز «تهیه و توزیع» محروم می کرد. دلیل و استدلال دولت سازندگی برای حذف این مراکز چه بود؟

فلسفه وجودی مراکز «تهیه و توزیع»، کنترل بازار در شرایط محدودیت های ناشی از جنگ تحمیلی بود. طبیعی است که با پایان جنگ محدودیت ها هم از بین رفتند و دیگر به ادامه فعالیت این مراکز نیازی نبود. البته یک دیدگاه نظری هم مشهور به جریان «چپ اقتصادی» از ابتدای انقلاب فعال بود که بر ضرورت دولتی کردن کل اقتصاد و همه واردات و صادرات کشور تاکید داشت. مراکز «تهیه و توزیع» هم یکی از خروجی های اجرایی «چپ اقتصادی» بود. در برهه اقتصاد جنگی این دیدگاه تا حدودی کاربرد داشت اما پس از پایان جنگ تحمیلی، به تدریج پیامد فسادهای نظام چپ اقتصادی آشکار شد و ادامه این شیوه دیگر قابل



چرا بازار نهاده ها یا مثلا گوشت و یا تخم مرغ به هم می ریزد؟ چون بخشی از مسئولیت ها با وزارت صمت است و بخشی در اختیار وزارت جهاد کشاورزی و قسمتی در اختیار فلان نهاد تامین کننده و ... این نظام آشفته است زیرا مسئول واحد بالای سر آن نیست

تحمل نبود. مدل اجرا شده در ایران دوران جنگ تحمیلی از یوگوسلاوی الگوبرداری شده بود و مراکز تهیه و توزیع و شبکه های سهمیه بندی هم یکی از مدل های اقتباسی از یوگوسلاوی بود. بعد از پایان جنگ تحمیلی و تغییر اولویت کشور به سازندگی این مراکز و نظام سهمیه بندی هم جمع شد. بخشی از این اتفاقات و تعطیلی ها، هم زمان با دوره وزارت بازرگانی من بود، اما یک مرکز را برای روز مبادا نگاه داشتیم که اگر شرایط دوباره بحرانی شد؛ آن مرکز بتواند نظام مدیریتی را به دست بگیرد.

۲ منتقدان معتقدند، نظام جایگزین منتخب دولت سازندگی برای مراکز «تهیه و توزیع» زمینه ساز رشد و جولان دلالتان شد. این اتهام را چقدر واقع بینانه می دانید؟ بحث سیستم دلالتی از شبکه توزیع آزاد جداست. دلالتی

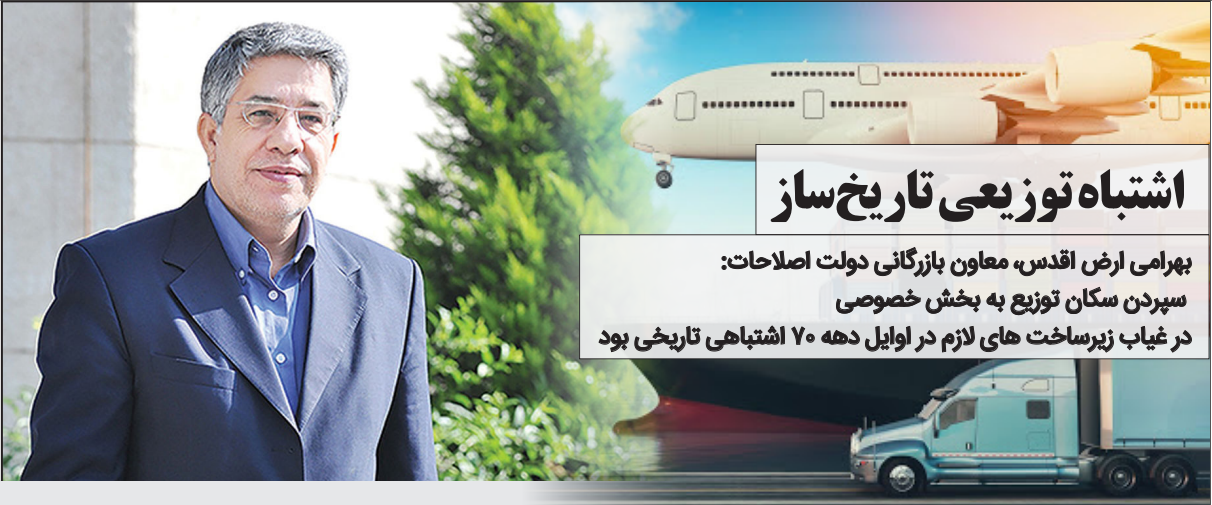
یعنی چرخیدن یک کالا در چند دست و رشد غیرمنطقی قیمت کالاها که رخداد نامطلوبی است. اما اگر بخواهیم شبکه مردمی برای توزیع کالا ایجاد کنیم مفهوم آن صرفا دلالتی نیست. در نظام توزیع مردمی، واردکننده، عمده فروش، بنکدار و خرده فروش فعالیت می کنند و در این سیستم دلالتی صورت نمی گیرد. دلالتی یعنی در این شبکه به جای یک دست چرخیدن کالا بین این گروه، ۱۰ دست بچرخد. اکنون چهار میلیون نفر در نظام توزیعی کشور فعالیت می کنند. اینکه می بینیم دلالتی به وجود می آید به این دلیل است که نظام عرضه و تقاضا درست کار نمی کند و به عبارتی عرضه کافی نیست. اگر عرضه به اندازه تقاضا وجود داشته باشد؛ این سیستم به طور خودکار اصلاح می شود و دلالتی هم از بین می رود. بدیهی است که در شرایط جنگی باید نظام سهمیه بندی برقرار باشد، کماینکه وقتی شرایط غیرجنگی است می توان از نظام توزیع متکی بر بخش خصوصی و عرضه و تقاضا محور یا توزیع زنجیره ای و تعاونی ها بهره گرفت. اما در هر شرایطی لازمه مدیریت صحیح بازار، حضور نهادی در راس است که مسئولیت اصلی آن تنظیم این شبکه باشد. متاسفانه یکی از آسیب های جدی ناشی از ادغام وزارت صنعت و بازرگانی پدید آمد. الان چرا بازار نهاده ها یا مثلا گوشت و یا تخم مرغ به هم می ریزد؟ چون بخشی از مسئولیت ها با وزارت صمت است و بخش دیگری از مسئولیت ها در اختیار وزارت جهاد کشاورزی است و قسمت دیگری هم در اختیار فلان نهاد تامین کننده و ... این نظام آشفته است زیرا هیچ مسئول واحدی بالای سر آن نیست.

۲ مسئولیت بازار در زمان وزارت شما با چه نهادی بود؟

همه مسئولیت ها با وزارت بازرگانی بود و من به عنوان وزیر بازرگانی باید در قبال تمام چالش ها و اتفاقات بازار پاسخگو بودم.

۲ نظام دلالتی چقدر در بازار دوره وزارت شما نقش داشت؟

دلالتی در حداقل ممکن بود. ما در شرایطی بازارها را اداره می کردیم که کل ارز در اختیار وزارت بازرگانی حدود سه میلیارد دلار به صورت یوزانس ۶ ماهه بود؛ آن هم نه برای ۲۴ قلم کالای اساسی بلکه برای تامین و تعادل ۱۰ هزار قلم کالا این رقم را به ما اختصاص می دادند، آن هم پس از تامین نیازهای بازسازی خسارت های ناشی از جنگ و با وجود تورم ۵۰ درصدی. امروز می بینید ۱۴ میلیارد دلار فقط برای ۲۴ قلم کالا تخصیص می دهند اما مثلا قیمت ذرت ۲ هزار تومانی به ۱۸ هزار تومان می رسد. چرا تدابیر و تخصیص منابع کارساز نیست؟ چون نظام توزیع متناسب وضعیت موجود نداریم و هیچ مسئول واحدی در بالای سر نظام توزیع پیش بینی نشده است و حضور ندارد.



اشتباه توزیعی تاریخ ساز

بهرامی ارض اقدس، معاون بازرگانی دولت اصلاحات: سپردن سکان توزیع به بخش خصوصی در غیاب زیرساخت های لازم در اوایل دهه ۷۰ اشتباهی تاریخی بود

محسن بهرامی ارض اقدس به واسطه حضور به اشکال مختلف در حوزه بازرگانی، تجربیات مهمی در بخش توزیع دارد. او خود در دولت سازندگی مسئول بازرگانی استان خراسان بود و در دولت اصلاحات به سمت معاونت بازرگانی رسید. فعالیت های او به دولت های پنجم تا هشتم ختم نمی شود و عضویت در شورای رقابت و دبیری ستاد تنظیم بازار را هم در کارنامه کاری خود به ثبت رسانده است. او که یک فعال اقتصادی است، هم اکنون عضویت هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران را نیز دارد. به واسطه همین تجربیات است که او مشکلات نظام توزیع ایران را پدیده های مستقل ارزیابی نمی کند و معتقد است: تورم بالا، بی ثباتی سیاست های پولی و بانکی، بازار سرمایه، رشد نقدینگی ناشی از کسری بودجه دولت، خروج سرمایه های مادی و معنوی، پایین بودن نرخ پس انداز و سرمایه گذاری، اندازه دولت و بودجه جاری کشور، بیکاری گسترده به ویژه در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی و نرخ دو رقمی آن، موانع تولید و فشار قانون کار، مالیات، تامین اجتماعی بر فعالیت های شفاف و قانونی، حمایت غیرهدفمند از تولید داخلی، سهم بالای بنگاه های دولتی و خصوصی در اقتصاد، نظام بانکی، قاچاق کالا و فساد اداری، فرار مالیاتی و نبود قوانین بازدارنده مناسب بخشی از دلایل شکل گیری اقتصاد پیرزمینی و جذابیت فعالیت های واسطه گری است.

بهرامی ارض اقدس در ادامه صحبت هایش توضیح داد: وقتی شرایط فعلی و روند شکل گیری مافیای توزیع را ریشه یابی می کنیم می بینیم که مشکلات فقط به دخالت دولت باز نمی گردد. یک مجموعه ای از عوامل مختلف باعث شده بخش قابل توجهی از اقتصاد ما زیرزمینی باشد. او خاطر نشان کرد: مالیات، فشارهای تامین اجتماعی، نرخ بیکاری، نرخ تورم، بحث بازارهای موازی، نرخ ارز، سود سرمایه گذاری، نرخ سود بانک ها و نرخ تسهیلات بانک ها دست به دست هم داده و وضعیت فعلی نظام توزیع را به وجود آورده است. از آن طرف، همه وزاری بازرگانی و بعد از ادغام همه وزرای صنعت، معدن و تجارت پس از انتصاب، یک فصل مشعشع پیرامون ضرورت و راهکارهای اصلاح شبکه های توزیع ارائه دادند اما همه اینها در حد برنامه باقی ماند.

اقتصاد کاملاً دولتی بعد از انقلاب

بهرامی ارض اقدس با مرور آنچه در ۴۰ سال گذشته اتفاق افتاده است، گفت: بعد از انقلاب با موج گسترده ای از خروج تجار و تولیدکنندگان از کشور روبه رو شدیم. سرمایه گذاری های داخلی و خارجی متوقف شد و کارخانه های بخش خصوصی به مصادره دولت درآمد. بلافاصله پس از انقلاب نیز کشور درگیر جنگ شد و «اقتصاد جنگی» که همراه تحریم هایی هم بود، شکل و شمایل متفاوتی پیدا کرد.

معاون بازرگانی دولت اصلاحات متذکر شد: در آن زمان برای سامان دادن به اقتصاد، تعاونی های پرشماری کار را به دست گرفتند. اینها ارز دولتی که آن زمان هفت تومان بود را دریافت می کردند و کالاهای مورد نیاز جامعه را طبق اولویت بندی خاص شرایط جنگ وارد می کردند.

برای رساندن این کالاها به جامعه هدف نیز نظام سهمیه بندی ایجاد شد و از طریق همان تعاونی های تولید و توزیع، کالاها به دست مصرف کنندگان می رسید. ما آن زمان شرکت ها و سازمان هایی داشتیم که در کنار تعاونی ها در زمینه تامین کالاها فعال بودند که از جمله می توان به شرکت های دولتی گسترش خدمات بازرگانی، سازمان قند و شکر، سازمان غله کشور، سازمان گوشت، سازمان تعاون شهر و روستا و ... اشاره کرد.

بهرامی ارض اقدس ادامه داد: از همان زمان تا امروز به دلیل تامین ارز واردات کالاها توسط دولت از محل صادرات نفتی، دولت حق خود می دانست که در تنظیم بازار و قیمت ها هم ورود کند. در ابتدای دهه ۶۰ که مسئولیت بازرگانی استان خراسان را به عهده

داشتیم، برای رساندن کالا به دست مردم ناگزیر به استفاده از تعاونی‌های پرشمار و متعدد تهیه و توزیع کالا بودم. این تعاونی‌ها کالاهای با قیمت‌های مصوب دولتی طبق سهمیه‌بندی و با کوپن بین مردم توزیع می‌کردند. در واقع این تعاونی‌ها بر اساس مصوبه شورای انقلاب، جایگزین بخش خصوصی شده بودند و تا چند سال بعد از جنگ هم فعالیت داشتند. او افزود: در کنار این تعاونی‌ها، مراکزی هم به وجود آمد که کالاهایی مانند مصالح ساختمانی، منسوجات، لاستیک و لوازم خانگی را توزیع می‌کردند. این مراکز هم دولتی بودند و عمر آنها هم با پایان یافتن دوره تعاونی‌های تولید و توزیع، به سر رسید.

۲۴ سکان‌سپاری، بدون بسترسازی

دبیر اسبق ستاد تنظیم بازار ایران تاکید کرد: در دوره اصلاحات ساختاری و در اوایل دهه ۷۰ به تدریج مراکز توزیع دولتی جمع‌آوری شد و نظام سهمیه‌بندی و کوپنی هم محو شد. بنابراین اندک اندک نظام توزیع به دست بخش خصوصی سپرده شد. در این برهه از تاریخ اشتباه بزرگ، انجام این انتقال و واگذاری کار در غیاب زیرساخت‌های لازم بود. یعنی دولت بدون آنکه زیرساخت و شبکه توزیعی کارآمد ایجاد کند، مسئولیت این شبکه را به بخش خصوصی سپرد. پیامد این اشتباه نیز خارج شدن حوزه توزیع از دست دولت و تجربه تلخ تورم ۵۰ درصدی بود. وی ادامه داد: برای مهار چالش نوپدید، دولت دوباره به حوزه تولید ورود کرد و نظام کنترلی را از سر گرفت، البته نه به شیوه گذشته. دولت با هدف کنترل تورم، مراکز نظارتی راه‌اندازی کرد. سازمان بازرسی و نظارت بر تولید، توزیع و قیمت یکی از همین مراکز بود. این سازمان، شروع به برنامه‌ریزی و قیمت‌گذاری کالاهای اساسی کرد. او اضافه کرد: در ابتدای دولت اصلاحات هم نظارت‌های تعزیراتی و تشکیل جلسات منظم در ستاد تنظیم بازار برقرار بود. هم‌زمان

با فعالیت سازمان‌های نظارتی، انحلال برخی سازمان‌ها یا ادغام برخی دیگر نیز در دستور کار قرار گرفت. مثلاً سازمان قند و شکر، سازمان غله، شرکت گسترش خدمات بازرگانی در شرکت بازرگانی دولتی، ادغام و سازمان تعاون مصرف شهر و روستا با هزاران شعبه در سراسر کشور منحل شد.

۲۴ رانت کمتر در دوره اصلاحات

بهرامی ارض اقدس افزود: در واقع مداخله‌های دولت برای کنترل قیمت‌ها همچنان ادامه داشت. هرچند در دوره اصلاحات به دلیل تحریم‌های کمتر و واردات و صادرات راحت‌تر، سیستم توزیع چندان درگیر رانت و دلالت‌های خاص نشده بود اما همواره نظارت‌های دولت تا سطح

مداخلات پیش می‌رفت. او با بیان اینکه بعد از دوره اصلاحات واسپاری کارها به بخش خصوصی سرعت بیشتری گرفت، تصریح کرد: اگرچه سپردن فعالیت‌های خرد اقتصادی از جمله شبکه توزیع به بخش خصوصی که یکی از فصل‌های مهم تحول اقتصادی مصوب دولت سابق (نهم و دهم) بود، قابل توجه است، اما یادآوری این نکته ضروری است که بخشی از اصلاحات ساختاری و کوچک‌سازی دستگاه‌های دولتی از دوره زمامداری دولت اصلاحات آغاز شد و جمع‌آوری مراکز تهیه و توزیع دولتی در آن برهه زمانی تصمیم درستی بود.

۲۴ ریشه جذابیت واسطه‌گری در اقتصاد نابسامان

عضو شورای رقابت با تاکید بر اینکه اصولاً شبکه توزیع را نباید به عنوان یک پدیده مستقل ارزیابی کرد، ادامه داد: تورم بالا، بی‌ثباتی سیاست‌های پولی و بانکی، بازار سرمایه، رشد نقدینگی ناشی از کسری بودجه دولت، خروج سرمایه‌های مادی و معنوی، پایین بودن نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، اندازه دولت و بودجه جاری کشور، بیکاری گسترده به‌ویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نرخ دو رقمی آن، موانع تولید و فشار قانون کار، مالیات، تامین اجتماعی بر فعالیت‌های شفاف و قانونی، حمایت غیرهدفمند از تولید داخلی، سهم بالای بنگاه‌های دولتی و خصولتی در اقتصاد، نظام بانکی، قاچاق کالا و فساد اداری، فرار مالیاتی و نبود قوانین بازدارنده مناسب بخشی از دلایل شکل‌گیری اقتصادبیزمینی و جذابیت فعالیت‌های واسطه‌گری است. او عنوان کرد: در چنین شرایطی نظام توزیع، آلوده به واسطه‌گری‌های مخرب می‌شود. هرچند به عقیده من اگر در زمان ازدیاد کالا، محصولات با ارزش و کیفیت صادر شود و در زمان کمبود کالا، نیازسنجی و کمبودها وارد شود؛ خدمات بازرگانی و توزیع را نمی‌توان دلالتی دانست، بلکه بخشی از فعالیت‌های مفید بازرگانی محسوب می‌شود

که باید از آن حمایت کرد. وی با بیان اینکه برای دور شدن نظام توزیع از فساد و رانت‌های احتمالی رد و هله نخست، دولت نقش خود را محدود به نظارت کند و از مداخله در بازارها بپرهیزد، تصریح کرد: علاوه بر این باید ابزارهای مدرن و نوین الگوبرداری‌شده از جوامع پیشرفته در خدمت اقتصاد ایران قرار گیرد. البته اکنون نیز برخی از این ابزارها وارد اقتصاد ایران شده‌اند اما متأسفانه دولت‌ها هنوز اجازه فعالیت بهینه آنها را نمی‌دهند.

بهرامی ارض اقدس اضافه کرد: وجود هاپیبرها برای به حداقل رساندن حلقه‌های واسط و نیز بهره‌مندی از بازارهای شفاف بورس در زمره مهم‌ترین این ابزارهای مدرن هستند.



در دوره اصلاحات ساختاری و در اوایل دهه ۷۰ به تدریج مراکز توزیع دولتی جمع‌آوری شد و نظام سهمیه‌بندی و کوپنی هم محو شد

آتش نفت در خیمه نظام توزیع ایران

ریشه‌یابی تاریخی حسین راغفر

از دلایل ضعف نظام توزیع و میدان‌داری دلان



«نظام توزیع ما منبعث از نظام تولید و نظام تولیدمان مبتنی بر ارز حاصل از صادرات نفت و مواد خام است. ارزش‌های وارداتی الگوی مصرف را به هم ریخت و سفته‌بازی به فعالیت اولویت‌دار در اقتصاد ایران تبدیل شد.» این چکیده‌ای از تحلیل حسین راغفر کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه الزهراست که در گفت‌وگو با ماهنامه پیام اقتصادی بورس کالا عنوان کرد. او معتقد است: راه حل اصلاح این نظام البته وجود دارد اما گویی اراده زیادی برای اصلاح وجود ندارد.

راغفر با تأکید بر اینکه نظام توزیع، جدای از نظام تولید نیست، گفت: این دو ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. البته وجود دلایلی در نظام توزیع ما یک مشکل تاریخی است و از پیش از انقلاب نیز وجود داشته و دلیل آن هم است که اقتصاد ایران مبتنی بر دلالی و سوداگری است.

او به ماجرای تحلیل یک کارشناس آمریکایی اشاره کرد و توضیح داد: ریچارد الیوت بندیک که در سال ۱۳۳۸ همراه یک گروه از دانش‌آموختگان «هاروارد» به ایران آمد و کتاب «تامین مالی صنعتی در ایران» را در سال ۱۳۴۳ نوشت، در کتاب خود می‌گوید: «این اواخر (سال ۱۳۳۸) در ایران با تغییرات الگوی مصرفی، دارایی‌های کلانی از محل واردات و مستغلات انباشته شده و ایرانی‌ها بخشی از سرمایه خود را تبدیل به دارایی‌های تجملی، ساخت ویلاها، خرید و فروش زمین و سفرهای اروپایی می‌کنند. مستغلات که واجد تاریخی مملو از تجربیات موفقیت‌آمیز است بر سرمایه‌گذاری صنعتی برتری دارد.» همچنین اشاره می‌کند که «هر موقع، یک بحران سیاسی پیش آمده این تولیدکنندگان صنعتی بودند که آسیب دیده‌اند، نه افرادی که سفته‌بازی کرده و یا روی مستغلات سرمایه‌گذاری کردند. مستغلات و زمین از بی‌ثباتی سیاسی، کمتر ضربه خورده است و زمین و سفته یا به عبارتی رباخواری اصلی‌ترین زمینه‌های جذب کننده سرمایه هستند.»

راغفر اضافه کرد: نکته قابل توجه این است که این نظام دلالی سال‌هاست در اقتصاد ایران وجود داشته و اقتصاد کشورمان به شدت تحت نفوذ سرمایه‌های تجاری است و به همین علت، همیشه افرادی که فعالان حوزه واردات بوده‌اند، بیشترین سود را کرده‌اند.

به گفته این کارشناس اقتصادی، وقتی نفت بر اقتصاد ایران غالب شد و رشد کرد؛ درآمد بادآورده‌ای به سیستم تزریق شد و ولخرجی‌ها و مصرف‌گرایی‌هایی

راغفر اضافه کرد: نکته قابل توجه این است که این نظام دلالی سال‌هاست در اقتصاد ایران وجود داشته و اقتصاد کشورمان به شدت تحت نفوذ سرمایه‌های تجاری است و به همین علت، همیشه افرادی که فعالان حوزه واردات بوده‌اند، بیشترین سود را کرده‌اند.

به گفته این کارشناس اقتصادی، وقتی نفت بر اقتصاد ایران غالب شد و رشد کرد؛ درآمد بادآورده‌ای به سیستم تزریق شد و ولخرجی‌ها و مصرف‌گرایی‌هایی

توانست با سهمیه بندی، نه فقط قیمت کالاهای اساسی بلکه نرخ ارز را نیز تا حد زیادی کنترل کند. او تاکید کرد: بعد از جنگ، ائتلاف غالبی شکل گرفت و اقتصاد دولتی را مورد هجوم قرار داد. این ائتلاف، دولت را باعث و بانی همه مشکلات اقتصادی کشور معرفی می کرد. طیفی از آنان تاکید داشتند که طبق قوانین اسلام، فقط چهار قلم کالا، شامل گندم، جو، خرما و میز باید مشمول قوانین ضداحتکار و برخورد با محتکران باشد و بقیه کالاها مشمول این قانون نمی شوند. از نظر آنان، دولت مجار به برخورد تعزیراتی با هیچ احتکارکننده ای نبود. این بحثها سبب شد حتی آیتا... موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوه قضائیه برای کالاهایی که مشمول احتکار می شوند از امام (ره) استفسار بخواهند و ایشان در پاسخ اعلام کردند که در این موارد به نظر آیتا... منتظری رجوع شود.

راغفر توضیح داد: ما انقلاب بزرگ سال ۵۷ را تجربه کردیم، سپس با فعالیت گسترده گروه های ضد انقلاب مواجه بودیم، بعد از آن، با هشت سال جنگ تحمیلی و نیز تحریم های فراگیر مواجه شدیم، اما اغلب منتقدان، به هیچ یک از پیامدهای عملی این چالش های بزرگ توجه نمی کردند و در تبلیغات پر شمار خود، فقط دولت را عامل ناکامی های اقتصادی معرفی می کردند. در این میان، راه حل مطلوب آنان چه بود؟ بازار را بهترین راه حل می دانستند و به تدریج این دیدگاه توانست در اقتصاد کشور غالب شود. او با تاکید بر اینکه موارد متعددی برای اثبات ضرورت اصلاح سیستمی که امروز با آن درگیر هستیم وجود دارد اما به نظر می رسد، عزم چندانی برای پذیرش این ضرورت وجود ندارد، متذکر شد: به عنوان نمونه، پیش از انقلاب،

محصولات کشاورزی توسط مافیای توزیع به دست مصرف کننده می رسید و امروز هم همان سیستم توزیع فعال است. این در حالی است که با راه اندازی و تقویت شرکت تعاونی توزیعی برای تولیدکنندگان می توان، واسطه ها و دلالان را به حاشیه راند و از منافع تولیدکننده و مصرف کننده دفاع کرد. شاید وجه مدرن تر این شرکت تعاونی توزیعی، همان محل شفاف عرضه و تقاضا یعنی بورس کالا باشد. راغفر تصریح کرد: در اغلب موارد راه حل وجود دارد اما گویی اراده جدی مفقود است نظام توزیع ما منبعت از نظام تولید است.



شاید وجه مدرن تر این شرکت تعاونی توزیعی همان محل شفاف عرضه و تقاضا یعنی بورس کالا باشد

به دست آورند. اما از آنجا که همه ارز و طلا و نقره ها را یهودی ها خریده بودند، در زمان پایین آمدن قیمت، حاضر به فروش نشدند و «دور» و همراهانش نتوانستند ارز و طلاها را به خزانه بازگردانند و چنین شد که وزیر اقتصاد وقت برای گریز از بازخواست رضاشاه گزینه خودکشی را ترجیح داد.

راغفر افزود: اما این درآمدهای نفتی با آورده در زمان پهلوی دوم که شاه جوان بود و اعتماد به نفس کافی نداشت، الگوهای مصرف را تغییر داد. به تدریج، نفت به منبع تغذیه بخش عمومی و دولت ها تبدیل شد و تکیه بر منابع نفتی عمدتاً از دهه ۴۰ و به خصوص اواخر این دهه شدت بیشتری یافت.

استاد دانشگاه الزهرا ادامه داد: در دوره هایی، البته عده ای تلاش کردند درآمدهای نفتی را وارد چرخه صنعت کنند که تا حدودی موفق هم بودند اما شوک نفتی ۱۳۵۲، تیر خلاصی به صنعت و اقتصاد کشور بود زیرا درآمدهای نفتی، وارد فعالیت های تجاری و مستغلات شد و به موازات این تحول، سفته بازی رشد کرد.

راغفر یادآور شد: ابتدای انقلاب، دخالت دولت در حوزه توزیع، گزینه ای گزیرناپذیر بود. زیرا هنوز خاطرات تلخ تجربه دهه ۲۰ و گسترش قحطی و بیماری های واگیر و قربانی شدن تعداد زیادی ایرانی، پس از خروج رضاشاه از کشور از اذهان پاک نشده بود و بیم تکرار وضعیت مشابهی وجود داشت. بر این اساس، بلافاصله بعد از شروع جنگ تحمیلی، مرحوم عالی نسب که مشاور شهید رجایی بود، پیشنهاد داد تعدادی از کالاها را سهمیه بندی کنند و این پیشنهاد به مرحله اجرا رسید و هرچند در ذات

خود شیوه مطلوبی نبود اما با توجه به شرایط خاص کشور در آن روزگار، از عملکردهای موفق دوران خود به شمار می رود که البته اجرای آن طبق الزامات اقتصاد جنگی کشور ناگزیر بود.

او متذکر شد: همان موقع هم برخی افراد کالاهای سهمیه ای را درست توزیع نمی کردند و احتکار می کردند. به همین دلیل دولت سیاست های تنبیهی علیه آنان و دلالان را در پیش گرفت. این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: این در حالی بود که جریان منتقد دولت به این شیوه سهمیه بندی اعتراض شدید داشتند و اغلب بازاری ها هم در گروه معترضین بودند اما دولت با وجود مخالفت ها،

سود نامعقول تا ۴۰ درصدی توزیع و خرده‌فروشی در ایران

ارزیابی رئیس کمیسیون بازرگانی داخلی

اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران از مشکلات نظام توزیع



رئیس کمیسیون بازرگانی داخلی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران گفت: مشکل امروز نظام توزیع کشور این است که واسطه‌ها و دلالان با سوءاستفاده از سرمایه تولیدکنندگان از مارجین سود بسیار بالایی بهره‌مند می‌شوند و کالاها دست کم ۲۰ درصد بیشتر از قیمت واقعی و منطقی به مصرف‌کننده می‌رسد. کاوه زرگران در گفت‌وگو با ماهنامه بورس کالا با بیان اینکه ساختار عرضه کالاها در کشور ما یک سازوکار صحیح ندارد و می‌توان گفت ناهنجاری‌های زیادی در این حوزه وجود دارد، تاکید کرد: این ناهنجاری‌ها باعث فشار غیرمتعارف بر مصرف‌کننده شده و فشار هزینه‌ای را بر خانوار شهری و روستایی بالا برده است.



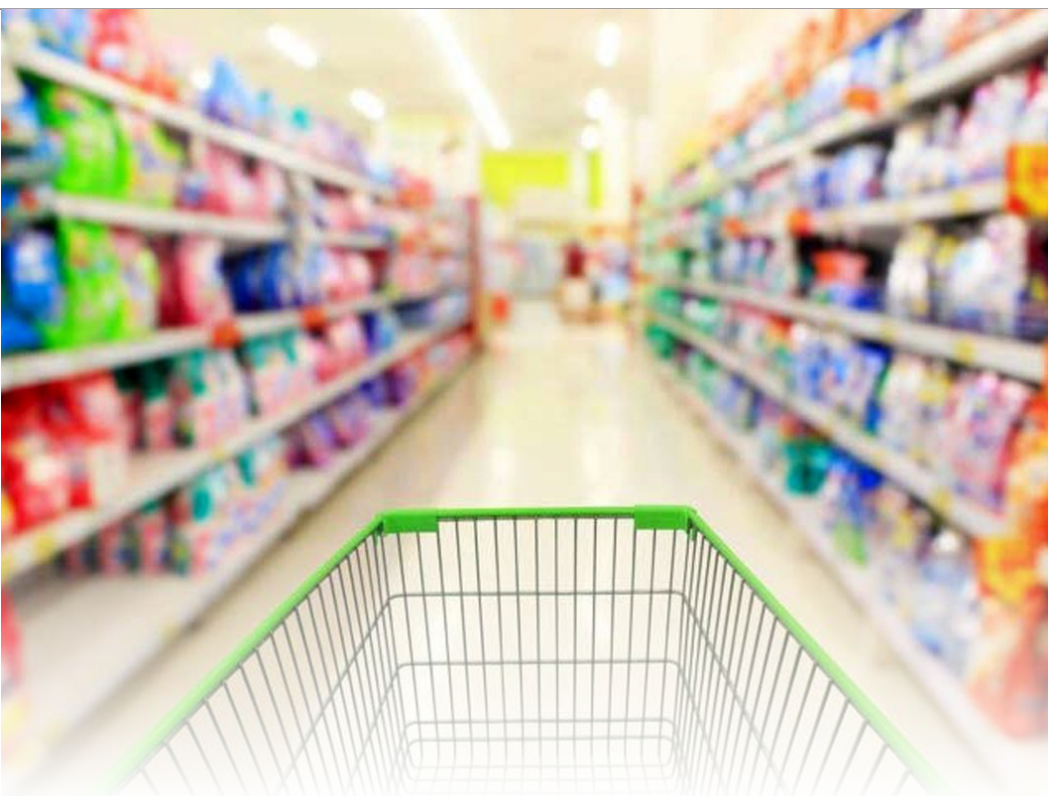
می‌کند رویکرد خدماتی نداشته و با رویکرد تجاری به عرضه محصولات می‌پردازد و عملاً مشاهده می‌کنیم که مارجین سود در این فروشگاه‌ها به سطح مارجینی که در سطح خرده‌فروشی‌ها وجود دارد، می‌رسد. او افزود: در واقع نظارت لازم در این بخش نتوانسته اعمال شود و من تخمین می‌زنم دست کم ۲۰ درصد بیشتر از قیمت واقعی و منطقی، محصولات به مصرف‌کننده می‌رسد.

زرگران توضیح داد: سهم‌بری واسطه‌ها از سود حاصله نسبت به عملکرد و خدماتی که ارائه می‌دهند بسیار بیشتر است. یعنی واسطه‌ها نسبت به آورده‌ای که دارند، بیشتر از حتی تولیدکننده‌ای که آورده بسیار بیشتری دارد، سود می‌برند. به عبارت روشن‌تر در این زنجیره، اقتصاد ما به نحوی سازماندهی شده که بخش‌های مختلف این زنجیره سهم‌بری عادلانه‌ای ندارند.

او متذکر شد: ورود دولت هم به بحث توزیع اشتباه است زیرا دولت سازوکار عرضه در این سطح وسیع را ندارد. به نظر هم نمی‌رسد که توزیع دولتی راهکار مناسب و پذیرفته‌شده‌ای در هیچ اقتصادی باشد.

او اظهار کرد: مارجینی که بابت توزیع و خرده‌فروشی در کشور ما دریافت می‌شود بیش از دو برابر سایر کشورهاست. در قیمت مصرف‌کننده‌ای که در سطح دنیا وجود دارد سهم این مارجین سود، ۱۰ تا ۱۵ درصد است اما در کشور ما ۳۵ تا ۴۰ درصد بابت توزیع و خرده‌فروشی دریافت می‌شود.

رئیس کمیسیون بازرگانی داخلی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران عنوان کرد: این وضعیت در مورد کالاهایی که دارای برند شناخته‌شده‌ای نیستند بدتر است و حدود ۵۰ درصد قیمت مصرف‌کننده این کالاها به زنجیره توزیع تعلق دارد. در سایر کشورها و کشورهای توسعه‌یافته شهرداری‌ها موظف هستند سازوکاری را تعریف کنند که فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ، وظیفه کالارسانی به مشتریان را به عهده بگیرند. به این صورت با کم کردن حلقه‌های واسطه هزینه‌ها و مارجین سود کمتری را به توزیع‌کنندگان پرداخت می‌کنند. وی تاکید کرد: اما در کشور ما این فروشگاه‌ها به‌درستی به وظیفه کالارسانی خود عمل نمی‌کنند. حتی یک نمونه از آن که توسط شهرداری در سطح کشور فعالیت



جهان به کام تاجران کالا

سهم ۸۰ درصدی محصولات در تجارت دنیا

طی ۴۰ سال گذشته تغییری نکرده است

دقیق‌تری در مورد این شرایط نشان دهد. به عنوان مثال وقتی آمریکا یک گوشی هوشمند از چین وارد می‌کند، در فهرست‌های مالی، کل مبلغ واردات به عنوان واردات از چین در نظر گرفته می‌شود ولی واقعیت این است که آمریکا با وارد کردن این کالای خاص در واقع انواع مختلفی از ارزش افزوده را از شرکای تولیدی چین خریداری کرده است. مثلاً بابت فرآیند کاربر مونتاز گوشی‌های هوشمند از چین پولی پرداخت می‌کند در حالی که بخش‌های پیچیده‌تر تولیدی و ریزتراشه‌های مهم استفاده‌شده در گوشی‌ها را از کره جنوبی وارد کرده اما فناوری اصلی، متعلق به آمریکاست و به همین دلیل خدمات

زنجیره ارزش کالاها باعث شده است تا روند تولید کالاها به بخش‌های مختلفی تقسیم شود. به عنوان مثال برای ساختن گوشی هوشمند، تلویزیون یا خودرو ما شاهد این مساله هستیم که هر قطعه در یک کشور یا یک کارخانه تولید می‌شود و در نهایت قطعات وارد کارخانه نهایی عرضه‌کننده محصول می‌شود و بعد از مونتاژ و ارزیابی‌های نهایی به دست مصرف‌کننده می‌رسد. مطالعات نشان می‌دهد دو سوم از تجارت جهانی در داخل زنجیره عرضه کالاها انجام می‌شود و برای تولید هر محصولی که در بازار وجود دارد حداقل یک بخش وارداتی در آن وجود دارد. بررسی آمارهای تجاری می‌تواند تصویر

توزیع باید توسط بخش خصوصی انجام شود اما زیرساخت‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که با حداقل گردش یک کالا در حلقه‌های مختلف به دست مصرف‌کننده برسد. از سوی دیگر نظارت‌ها از سوی دولت فقط در سطح کلان و برخورد با متخلفان صورت گیرد یا به تعبیری نظارت‌ها تبدیل به مداخله دولت نشود.

زرگران اضافه کرد: آنچه اکنون در سطح نظام توزیع می‌بینیم این است که واسطه‌ها عملاً با سرمایه تولیدکننده از مارجین سود بسیار بالایی بهره‌مند می‌شوند. در نهایت بخشی از آن پول سهم تولیدکننده است و بخشی از آن هم هزینه سرباری است که به مصرف‌کنندگان تحمیل می‌شود. او خاطرنشان کرد: در کشورهای دیگر مشوق‌های مختلف و اشانتیون‌هایی به مصرف‌کنندگان داده می‌شود اما در کشور ما همین اشانتیون‌ها و تخفیف‌ها هم به مصرف‌کننده نمی‌رسد و نصیب دلان می‌شود. برخی حلقه‌های واسطه آنقدر گستاخ شده‌اند که این اشانتیون‌ها را حتی حق خود می‌دانند و در نتیجه این تخفیف‌ها و اشانتیون‌های تولیدکنندگان به جای مصرف‌کننده به حلقه واسطه و دلان می‌رسد. او در پایان صحبت‌هایش تأکید کرد: شاید بورس کالا برای معاملات کالایی فضای مناسب‌تری باشد. کما اینکه در برخی محصولات هم این اتفاق افتاده و با ایجاد فضا برای مقابله تولیدکننده و مصرف‌کننده بخشی از حلقه‌های واسطه حذف شده‌اند.

حتی منابع مالی مورد نیاز برای اجرای این پروژه‌ها از کشورهای صنعتی تامین می‌شود. سپس نوبت به تولید بخش‌های پیچیده‌ای می‌رسد که نیاز به دانش بالایی دارد و در کشورهای ژاپن، آمریکا، کره جنوبی و تایوان تولید می‌شوند. ارزش افزوده چین در این روند تولید بیشتر به استفاده از نیروی کار ارزان قیمت برای مونتاژ کردن این محصولات فناورانه ارزشمند محدود می‌شود. در انتهای این زنجیره ارزش برای محصولات های-تک، هم بخش خدمات‌رسانی قرار دارد که باز هم در کشورهای صنعتی ارائه می‌شود. از طرف دیگر بازار مصرف این محصولات های-تک هم در کشورهای صنعتی اروپای غربی، ژاپن و ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

بررسی این آمارها نشان می‌دهد که نقش چین در زنجیره ارزش کالاها به این کشور امکان داده است تا از جمعیت زیاد و نیروی کار ارزان خود بهترین استفاده را ببرد. درآمد ایجادشده در این بخش خود بستر را برای رشد اقتصادی چین و کاهش نرخ فقر در این کشور فراهم کرده است و حال چین را در زمره سریع‌ترین اقتصادهای در حال پیشرفت دنیا قرار داده است. این مثال نشان داد که تفکیک روند تولید به گونه‌ای که بخش زیادی از فعالیت‌های کاربر در دنیا در کشور چین انجام شده است، به این کشور امکان داد تا از ظرفیت نیروی انسانی زیاد خود استفاده کند و با اتکا بر آن با سرعت زیادی رشد کند. در واقع جمعیت زیاد چین به یک مزیت رقابتی مهم برای چین تبدیل شده است.

تجربه ویتنام

ویتنام از دیگر کشورهایی است که می‌توان از آنها به عنوان نمونه موفق در روند زنجیره ارزش جهانی نام برد. این کشور در حال توسعه آسیایی مشارکت زیادی با زنجیره ارزش جهانی دارد. اولین گام ویتنام برای حرکت در این مسیر، اجرای سیاست باز کردن فضای اقتصادی و اجرای طرح‌های اصلاحی بود. بعد از اجرای این طرح بود که حجم زیادی از سرمایه‌های خارجی وارد اقتصاد این کشور شد و ویتنام هم مانند چین به عضوی مهم در فرآیند مونتاژ کالاها و تولید کالاهای کاربر تبدیل شد. در کشور ویتنام بالغ بر پنج میلیون نفر به طور مستقیم در تولید و کشاورزی مشغول به کار هستند. این افراد در حوزه‌هایی کار

اصلی پس از فروش آمریکایی به دیگر کشورهای دنیا صادر می‌شود.

در سال‌های اخیر اقتصادهای صنعتی دنیا اقدام به ارائه جدول‌های سالانه نهاده-کالا کرده‌اند که محصول تولیدی را همراه با تمامی قطعات و بخش‌های مهم آن نشان می‌دهد. در همین سال‌ها مطالعات زیادی هم درباره ارزش افزوده بخش تجارت و ارزش افزوده ایجادشده در بخش‌های مختلف زنجیره عرضه کالاهای تجاری انجام شده است. این مطالعات نشان داده است که کشورهای در حال توسعه دنیا از این زنجیره عرضه بیشترین منفعت را برده‌اند زیرا بخش زیادی از کارخانه‌های تولیدی به این کشورها منتقل شده است.

تجربه چین

زنجیره ارزش جهانی زمینه را برای رونق بیشتر اقتصاد کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است زیرا در اغلب این کشورها، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید محصول نهایی به جای تمرکز روی تولید و صادرات مواد اولیه منافع اقتصادی بیشتری دارد. در گذشته کشورهایی می‌توانستند یک کالای خاص را صادر کنند که بتوانند فناوری و علم لازم برای تولید محصول و ارائه خدمات مرتبط با تولید را نیز داشته باشند. با توسعه دیدگاه زنجیره ارزش کالا و توجه دنیا به مساله ضرورت برون‌سپاری، هر کشوری برای فعالیت در بازارهای صادراتی تنها باید در یک حوزه تخصص داشته باشد و دلیلی ندارد زیرساخت‌های لازم برای کل فرآیند تولید کالا را ایجاد کند. این مزیت برای کشورهای در حال توسعه بسیار مهم بود و بستر ساز رشد اقتصادی این کشورها شد.

تمرکز دنیا روی مساله زنجیره ارزش جهانی به چین این امکان را داد تا اقدام به صادرات کالاهایی بکند که تحت عنوان کالاهای های-تک نام‌گذاری می‌شوند، کالاهایی از قبیل کامپیوتر، گوشی‌های هوشمند و انواع تلویزیون‌ها؛ هرچند چین در فرآیند تولید این کالاها نقش مونتاژکننده را داشته است. بررسی کل زنجیره تولید این کالاها نشان می‌دهد در اولین مرحله طراحی کالاهای های-تک با ارزش بسیار بالا قرار دارد که این فناوری‌ها و طراحی‌ها از کشورهای صنعتی آمده است و



تمرکز دنیا روی مساله زنجیره ارزش جهانی به چین این امکان را داد تا اقدام به صادرات کالاهایی بکند که با عنوان کالاهای های-تک نام‌گذاری می‌شوند، کالاهایی از قبیل کامپیوتر، گوشی‌های هوشمند و انواع تلویزیون‌ها

۲ درس های تجارب جهانی

توسعه زنجیره ارزش جهانی به معنای تغییر اساسی در تئوری های تجاری نیست بلکه به معنای تحول در فضای تجاری دنیا است. تفکیک روند تولید فرصتی مهم را در اختیار کشورهای دنیا قرار می دهد تا با هم تعامل و ارتباط بیشتری داشته باشند. فرصتی که هم برای کشورهای صنعتی مزیت اقتصادی ایجاد می کند و هم برای کشورهای در حال توسعه منافع زیادی به همراه دارد. باید در نظر داشت که شماری از کشورهای در حال توسعه دنیا از قبیل چین و ویتنام و مکزیک قویا در این زنجیره فعال هستند ولی شمار زیادی از کشورها هستند که هنوز وارد این فضا نشده اند و از مزایای اقتصادی حضور در زنجیره ارزش جهانی بهره مند نشده اند.

جهانی سازی را که مادر اصلی دیدگاه های ایجاد زنجیره ارزش جهانی بود، می توان به قطاری سریع السیر تشبیه کرد که برای توقف در ایستگاه دلخواه باید زیرساخت های مورد نیاز آن ساخته شود. این زیرساخت ها شامل وضع قوانین، توسعه زیرساخت های شهری و صنعتی، ارتقای سطح آموزش و ارتقای سطح سلامت است. بی شک آماده کردن این زیرساخت ها هزینه های زیادی برای اقتصاد کشورها دارد ولی در میان مدت، می تواند منافع زیادی را نصیب اقتصاد آنها کند که از جمله آنها می توان به افزایش نرخ رشد اقتصادی و کاهش نرخ فقر قابل اشاره کرد. سازمان تجارت جهانی بر این باور است که تجارت آزاد هم برای کشورهای فقیر و هم برای کشورهای ثروتمند، بهترین سیاست در جهت حمایت از رشد است. ما طی سال های اخیر شاهد جهانی سازی فرآیند تولید بودیم و همین سیاست باعث شد تا تولید در دنیا رونق زیادی بگیرد. بیشترین آزادی تجارت در حوزه کالا وجود داشته است و در بخش خدمات هنوز محدودیت های زیادی وجود دارد.

تجارت سرمایه گذاری در حوزه های خدماتی به خصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار ضعیف است اما اگر این ضعف برطرف شود، سرعت رشد اقتصادی هم بیشتر خواهد شد زیرا در دنیای امروز نقش خدمات در تولید کالاها و در زنجیره ارزش جهانی بسیار بالاست.

درواقع در دنیای کنونی که اقتصاد بسیار پیچیده و در هم تنیده است، پیامد دوری گزیدن از فضای تجارت آزاد، جهانی سازی و خارج شدن از زنجیره ارزش جهانی، فاصله گرفتن از رشد و رونق اقتصادی است و به همین دلیل است که کشورها می کوشند در این مسیر حرکت نکنند.

منبع: موسسه بروکینگز

می کنند که محصولات شان را وارد بازارهای صادراتی می کنند. در نظر گرفتن شمار افرادی که به طور غیرمستقیم در این دو بخش کار می کنند، نشان از تاثیر آن در رشد اقتصادی و حل مشکل بیکاری ویتنام دارد. آمارها نشان می دهد در سال ۲۰۱۹ بالغ بر هفت میلیون نفر به طور غیرمستقیم در بخش تولیدی که محصولات شان وارد بازارهای صادراتی می شد، فعال بودند. سیاست های وضع شده در این کشور از قبیل ایجاد مناطق آزاد تجاری، افزایش امکان دسترسی به مواد اولیه برای صنایع فعال در این کشور و قانون زدایی برای واحدهای فعال در بخش صادرات باعث شد تا این کشور فرصت رشد بالاتری داشته باشد.

۲ سهم ۸۰ درصدی کالاها در تجارت جهانی

مطالعه های سازمان تجارت جهانی نشان می دهد ۸۰ درصد از محصولات تجاری دنیا را کالاها تشکیل می دهند که یا محصولات نهایی هستند یا کالاهای اولیه مورد استفاده در صنایع تولیدی و بازارهای مصرفی از قبیل نفت و مواد معدنی و مواد غذایی. نکته جالب تر اینکه این سهم طی ۴۰ سال اخیر تغییری نکرده است و خدمات شامل توریسم و دانشجویهای خارجی و غیره تنها ۲۰ درصد از سهم تجارت بین المللی را به خود اختصاص داده اند. اما اگر در حوزه ارزش افزوده بخش تجارت کالا و خدمات متمرکز شویم، تصویر جدیدی را شاهد خواهیم بود. بررسی ها نشان داده است سهم خدمات در ارزش افزوده بخش تجارت از ۳۱ درصد در سال ۱۹۸۰ میلادی به بالغ بر ۴۳ درصد در سال ۲۰۰۹ رسیده است. دلیل این مساله هم در افزایش سهم تجارت نرم افزارها و محصولات هوشمند در دنیاست که در زمره تجارت خدمات قرار می گیرد.

سازمان تجارت جهانی در ادامه گزارش خود می نویسد: «سهم ارزش افزوده بخش خدمات در تجارت جهانی بیش از سهم ارزش ناخالص تجارت خدمات به کل تجارت در کشورهای صنعتی و توسعه یافته است. زیرا در کشورهای صنعتی مانند آمریکا، خدمات و «های-تک»، بیشترین سهم از تجارت را تشکیل می دهد در حالی که کشورهای در حال توسعه مانند مکزیک، چین، ویتنام و تایلند در تجارت کالا فعال تر هستند و ۴۰ درصد از ارزش افزوده تجارت در این کشورها از تجارت خدمات حاصل می شود. از طرف دیگر در کشورهای صنعتی در بخش زیادی از زنجیره تولید از خدمات وارداتی استفاده می شود ولی در کشورهای در حال توسعه چنین وضعیتی وجود ندارد.»



شماری از کشورهای در حال توسعه دنیا از قبیل چین و ویتنام و مکزیک قویا در این زنجیره فعال هستند ولی شمار زیادی از کشورها هستند که هنوز وارد این فضا نشده اند



«بازار ثانویه»، نیاز روز بازار سرمایه

میزگرد کارشناسی با هدف بررسی نقاط قوت و ضعف بورس کلای ایران

قیمت‌گذاری دستوری، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در صنایع بزرگ و کوچک ایران است. دخالت‌ها و دستکاری در قیمت کالاها در جای‌جای زنجیره تولید-مصرف، ماهیت بورس را که همان شفافیت است، زیر سوال می‌برد. چندی پیش، انتشار یک پیش‌نویس برای تنظیم بازار فولاد در رسانه‌ها، سر و صدا کرد. در این پیش‌نویس برای عرضه فولاد در بورس کالا، کف و سقف قیمتی در نظر گرفته شده بود و همین دخالت ناروا، کافی بود تا جو منفی علیه این خبر به سهام شرکت‌های فولادی سرایت کند و صنعت فلزات اساسی حتی زمینه ریزش هرچه بیشتر متغیرهای بازار سهام را فراهم کند. عرضه با قیمت دستوری، سال‌هاست که مورد انتقاد اقتصاددانان است زیرا به تایید تجربه‌های متعدد داخلی و جهانی، خروجی چنین دخالت‌هایی، توزیع رانت بین عده‌ای خاص است. چالش‌هایی که امروز بورس کلای ایران با آن مواجه است در میزگردی با حضور سه اقتصاددان و کارشناس بورس بررسی شده است. تقریباً هر سه مدعو میزگرد بر این باورند که راه‌اندازی و تقویت «بازار ثانویه» امری ضروری برای بورس کالا است، هرچند پیرامون میزان نقش و ابعاد این بازار اختلاف نظرهایی دارند. از جمله حسین خواجویی، فعال بورس کالا و کارشناس بازار سرمایه تاکید دارد که بازار بیرون از بورس کالا باید به موازات «بازار ثانویه» همچنان فعال باشد. همچنین قیمت‌گذاری دستوری مورد انتقاد جملگی آنان است. عباسعلی حقانی‌نسب کارشناس بازار سرمایه، در این میزگرد بارها و بارها تاکید کرد اقتصاد ایران، مختصات خاص خود را دارد و باید با شیوه‌هایی متناسب با ویژگی‌های یک اقتصاد کوچک، اداره شود. مینم هاشم‌خانی، اقتصاددان هم بر این باور است که همه باید بتوانند در بورس کالا سرمایه‌گذاری کنند، این راهی است که بورس موفق لندن و شیکاگو آن را طی کرده است. به عقیده این اقتصاددان، مبارزه با فساد و نفی قیمت‌گذاری دستوری موجب می‌شود تا بورس کالا کارکرد واقعی خود را تقویت کند. متن این میزگرد را در ادامه بخوانید.



اولیه مورد نیاز صنایع مختلف بعد از تامین، در بورس کالا عرضه شوند، هدف توسعه تولید و اصلاح قیمت کالاها در دسترس خواهد بود. آیا با چنین دیدگاهی موافقت یا مانند برخی دیگر از کارشناسان، راهکاری را مفیدتر می‌دانید که توصیه می‌کند، ابتدا باید تولید داخلی رونق پیدا کند و سپس عرضه گسترده نهاده‌های اولیه مورد نیاز در بورس کالا اجرایی شود؟

صنایع بزرگ و کوچک در کشور ما، وابستگی غیر قابل انکاری به ارز دارند. حتی صنعتی مانند مرغداری، نساجی و ... که بخش عمده‌ای از فرآیند تولید آنها در داخل انجام می‌شود، به واسطه واردات نهاده‌های اولیه‌شان، روند تولید و قیمت نهایی‌شان، تحت تاثیر چشمگیر نوسان‌های نرخ ارز است. در این میان، برخی کارشناسان تاکید دارند اگر مواد

مختلف در بورس مجاب کنیم اما در نهایت، به دلیل فعال بودن متغیرهای فسادزا در اقتصاد ایران، وقوع انحراف معنادار از قیمت گذاری منصفانه که ماموریت اصلی بورس کلاست، دور از انتظار نبود.

۴ اشاره‌ای به ویژگی کوچک بودن صنایع شد. این کوچک بودن، چه مشکلاتی برای فعالیت صنایع ایجاد می‌کند؟ آیا این ویژگی مانعی جدی در مسیر حضور فعال و گسترده صنایع، تولیدکنندگان، عرضه‌کنندگان و ... در بورس است یا خیر؟

حقایق نسب: برای صنایع و تولیدکننده کوچک خرید و تامین مواد اولیه یا پیدا کردن بازار فروش برای محصولات نهایی چندان ساده نیست زیرا توان ارتباط گرفتن مستقیم با مصرف‌کننده را ندارند و در چنین فضایی، نقش واسطه و دلالان پررنگ می‌شود. در واقع شرکت‌های کوچکی که در ابتدای زنجیره ایستاده‌اند، هم در تامین مواد اولیه، هم در فروش محصولات خود، ناتوان می‌مانند. اقتصاد ما در همه لایه‌هایش دلالانی دارد که مانع از کشف قیمت عادلانه می‌شوند و تخصیص عادلانه منابع مختلف را غیر ممکن می‌کنند. نتیجه این هرج و مرج، رواج سازوکارهای غلط و برهم خوردن توازن عرضه و تقاضاست. رقابت‌های ناسالم و از دست رفتن تعادل در زنجیره تولید تا مصرف، معلول این آفت است. بورس کالا با ایجاد بستر شفاف، می‌تواند لایه‌های واسطه‌گری را حذف یا حداقل کم‌رنگ کند. بگذارید مثالی بزنم. مثلاً در کشور ما در مجموع ۳۰ هزار مرغداری داریم که همه به واردات نهاده‌های دامی وابسته‌اند. این شرایط بستری را ایجاد می‌کند که یک شرکت، با عنوان واردکننده انحصاری وارد میدان شود و انحصار نهاده دامی را به دست گیرد؛ طبعاً این واردکننده، تمایلی به گسترش بورس کالا ندارد زیرا نتیجه عرضه بورس و شفاف شدن معاملات، کشف عادلانه قیمت است که در تعارض کامل با قیمت‌گذاری آمرانه آن واردکننده انحصاری قرار دارد.

خواجویی: ضرورت وجود بورس‌ها، چه کلایمی، اوراق بهادار و ... غیر قابل کتمان است. اقتصاد هر کشوری برای افزایش شفافیت در بدنه خود و دستیابی به قیمت‌های عادلانه، به بورس‌ها نیاز دارد اما من می‌خواهم کمی متفاوت‌تر از آقای حقانی‌نسب به ماجرا نگاه کنم. وقتی

حقانی‌نسب: فلسفه وجودی بورس، کشف قیمت‌های عادلانه است. با ورود صنایع مختلف به بورس و افزایش تعداد عرضه‌کنندگان، طبیعتاً سازوکار «کشف قیمت» منطقی‌تر می‌شود. باری، وظیفه دیگر بورس تسهیل دریافت منابع مورد نیاز صنایع است که مواد اولیه مورد نیاز تولید یکی از این منابع به شمار می‌رود. بی‌شک، با افزایش حضور شرکت‌ها و تولیدکنندگان در بورس کالا، تهیه مواد اولیه برای همه ذی‌نفعان راحت‌تر و با قیمت عادلانه‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، شرکت‌ها می‌توانند در بستری مانند بورس کالا با سهولت بیشتری سرمایه مورد نیاز خود را تامین کنند. البته نباید فراموش کنیم که اقتصاد ما یک اقتصاد کوچک است. مقیاس‌ها در همه صنایع کوچک است، از صنایع وابسته به حوزه کشاورزی گرفته تا خودروسازی و صنایع وابسته به فولاد. در واقع اقتصاد ما، چه صنایع نیازمند به مواد اولیه و چه صنایعی که خود تولیدکننده مواد اولیه دیگر صنایع هستند، اغلب در مختصات کوچک فعالیت می‌کنند.

این مشکل اصلی امروز ما نیست. مشکل از جایی شروع می‌شود که شبکه فساد، مخالف بورسی شدن کالاهاست زیرا شفافیت مبادلات در اتاق شیشه‌ای بورس، منافع آنان را تهدید می‌کند؛ ذات بورس، ضد رانت است اما آقایان نمی‌خواهند تسلیم این واقعیت شوند

خواجویی: ببینید، همه ما می‌دانیم که حضور شرکت‌ها و صنایع بزرگ و کوچک در بورس کالا چه کمک بزرگی می‌تواند به اقتصاد کشور کند، اما چطور می‌توان به مرغدار و کشاورز و ... گفت که کالا و مواد اولیه مورد نیاز خود را از بورس کالا بخر؟! البته این مشکل اصلی امروز ما نیست. مشکل از جایی شروع می‌شود که شبکه فساد، مخالف بورسی شدن کالاهاست زیرا شفافیت مبادلات در اتاق شیشه‌ای بورس، منافع آنان را تهدید می‌کند؛ ذات بورس، ضد رانت است اما آقایان نمی‌خواهند تسلیم این واقعیت شوند. ما سال‌ها پیش یک قدم در این حوزه جلو رفتیم و توانستیم مسئولان را به تسهیل حضور صنایع

خواجویی:

ایجاد شفافیت و کشف قیمت عادلانه الزامی بدیهی است اما وقتی در این زمینه موفق نمی شوند، نوک پیکان انتقادهای را به سوی بورس کال نشانه می گیرند.

**که بستر دخالت دولتی‌ها را فراهم می‌کند؟**

حقانی نسب: متمرکز بودن بورس کالا در ایران باعث می‌شود وقوع هر تنش در بازار به سرعت به گوش مردم و مسئولان برسد. این ویژگی می‌تواند فواید بسیاری داشته باشد اما در کشور ما دیدگاه غلطی وجود دارد؛ مسئولان در چنین مواقعی با هدف کاهش تنش‌ها، واکنش‌های سریع نشان می‌دهند و اغلب به جای ریشه‌یابی مشکلات موجود و شناسایی دقیق علت‌ها و اصلاح اساسی آنها، می‌کوشند با انتقال مبادلات به حوزه‌های غیرشفاف، تنش در بازار را مهار کنند و قیمت‌گذاری دستوری را نیز یکی از دست‌ترین و کارآمدترین ابزار می‌بینند.

خواجویی: علت تمایل به قیمت‌گذاری دستوری را در کارکرد بورس کالا جست‌وجو نکنید. ایجاد شفافیت و کشف قیمت عادلانه الزامی بدیهی است اما وقتی در این زمینه موفق نمی‌شوند، نوک پیکان انتقادهای را به سوی بورس کالا نشانه می‌گیرند. مثلاً، سامانه «بهین‌باب» را حتماً به خاطر دارید، دادگاهی برگزار و مشخص شد افراد بسیاری که تولیدکننده هم نبودند، با اعمال نفوذ توانسته‌اند از این سامانه مجوز معاملات در بورس کالا را بگیرند و با خرید مواد اولیه به قیمت دستوری بورس و فروش آن در بازار آزاد، از رانت هنگفتی استفاده کنند و مبالغ زیادی به جیب بزنند. راه اصولی مقابله با چنین مفاسدی، شناسایی نواقص و کاستی‌های «بهین‌باب» است تا روزه‌های نفوذ با زد و بند دلان مسدود شود و نتوانند مجوز

درباره بورس کالا و ضرورت عرضه مواد اولیه آنها حرف می‌زنیم، ابتدا باید صنایع را بر اساس نوع فعالیت‌شان از هم تفکیک کنیم. در بعضی از صنایع مثل صنعت فولاد، مقیاس تولید در قیاس با کلیت اقتصاد ما اصلاً کوچک نیستند. همین فولاد مبارکه، رقم ۷۰ هزار میلیارد تومان فروش برای یک بازه زمانی مشخص را به ثبت رسانده است. کجای این رقم کوچک یا اندک است؟ اما نکته اینجاست که حتی در صنعتی به بزرگی فولاد هم شاهد قیمت‌گذاری ناعادلانه هستیم. متأسفانه با وجود سهم قابل توجه این صنعت در یک اقتصاد کشور و با وجود حضور طولانی مدت صنعت فولاد در بورس کالا، این صنعت هنوز هم از سازوکار غلط قیمت‌گذاری رنج می‌برد و این در حالی است که بازار صنایع بزرگ، از ظرفیت مناسبی برای کشف قیمت عادلانه برخوردار است. درباره صنایع کوچک حق با آقای حقانی‌نسب است، بزرگ‌ترین آسیبی که صنایع کوچک می‌بینند از انحصارهای چندجانبه‌ای است که خواه در حوزه نهاده‌های اولیه تولید و خواه در قیمت‌گذاری پایانی محصولات، برای آنها قیمت تعیین می‌کنند.

پیامدهای منفی قیمت‌گذاری دستوری، تقریباً آشکار است. سوال اینجاست که با وجود تجربه‌های ناخوشایند متعدد در این زمینه، علت تمایل برخی مسئولان به ادامه قیمت‌گذاری دستوری در بورس کالا چیست؟ ضعف چرخه تولید، توزیع و مصرف کجاست

هاشم‌خانی: فلسفه بورس، کشف قیمت‌ها با اتکا به سازوکار عرضه و تقاضا است و هرچیزی که بهره‌مندی از این سازوکار را محدود کند، ماهیت بورس را مخدوش و مزیت‌های آن را محدود کرده است.



حقانی‌نسب: متمرکز بودن بورس کالا در ایران باعث می‌شود وقوع هر تنشی در بازار به سرعت به گوش مردم و مسئولان برسد. این ویژگی می‌تواند فواید بسیاری داشته باشد



هاشم‌خانی: فلسفه بورس، کشف قیمت‌ها با اتکا به سازوکار عرضه و تقاضا است و هرچیزی که بهره‌مندی از این سازوکار را محدود کند، ماهیت بورس را مخدوش و مزیت‌های آن را محدود کرده است. بنابراین این نکته باید مد نظر همه مسئولان قرار گیرد و آن را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند.

خواجویی: هرچقدر هم که کارکرد بورس استاندارد نباشد، باز هم وجود بورس، اقتصاد کشور را یک گام به شفافیت نزدیک می‌کند. البته قیمت‌گذاری دستوری، همه سیستم‌های تعریف‌شده اقتصادی را به هم می‌زند. دولت سال گذشته تلاش زیادی کرد تا با قیمت‌گذاری شمش فولادی، قیمت محصول نهایی را کنترل کند اما در عمل چه اتفاقی افتاد؟ این شمش نسبت به پارسال افزایش قیمت بیشتری در محصول نهایی را تجربه کرد. شک نکنید در نهایت دستورها و قیمت‌گذاری‌های آمرانه، نمی‌تواند بر ذات بازار غلبه کند بلکه برای رسیدن به اهداف، باید در مسیر توسعه ساختار بورس و اصلاح روند موجود اقدام کرد.

حقانی‌نسب: اگر قرار است قیمت‌های دستوری را به حاشیه برانیم، یگانه ابزاری که در دست داریم همین بورس است. متأسفانه در اقتصاد ایران همه چیز در هم و بر هم است. کمتر کسی مسئولیت می‌پذیرد و به همین خاطر می‌گوییم بورس -چه کالا، چه اوراق بهادار- تنها ابزار ما برای مقابله با قیمت دستوری، رانت و فساد است. اکنون ردپای نرخ‌های دستوری در بسیاری از بازارهای مهم از قبیل ارز، خودرو و حتی برق می‌بینیم.

ورود به بورس کالا را دریافت کنند اما می‌بینیم به جای این کار، بورس کالا مورد بازخواست قرار می‌گیرد که چرا به تولیدکننده‌نماها، محصول فروخته‌اید؟

حقانی‌نسب: همین دخالت‌ها باعث شده، تعداد شرکت‌های بزرگی که به روش‌های مختلف دنبال خروج از بورس کالا یا وارد نشدن به این بورس هستند، افزایش یابد زیرا ذات بورس شفافیت و رقابت است.

هاشم‌خانی: یکی از مشکلات اصلی این است که وقتی می‌گوییم قیمت تعادلی یا منصفانه، برخی فکر می‌کنند، منظور قیمتی است که توسط دولت یا وزرای مربوطه تعیین شود، در حالی که مشخصاً اینطور نیست. بازار همواره منتقد قیمت دستوری و عاملان آن است زیرا قیمت تعادلی باید در جایی مانند بورس کالا و بر اساس میزان عرضه و تقاضا تعیین شود.

با این اوصاف، قیمت‌های کنونی در بورس کالا منصفانه است؟

حقانی‌نسب: مسلماً مثل همه محیط‌های اقتصادی کشور، مانند بازارهای مسکن، خودرو، بورس اوراق بهادار و ... بی‌عیب و نقص نیست اما نباید فراموش کنیم که با همه اما و اگرهای موجود، منصفانه‌ترین قیمت‌ها در بورس‌ها و از جمله بورس کالا تعیین می‌شود.

بخواهیم یا نخواهیم دخالت دولت به بخشی از تار و پود اقتصاد ما تبدیل شده و در اغلب بازارها قیمت‌های دستوری وجود دارند. در چنین فضایی چقدر می‌توان به تحقق ظرفیت و بهره‌بردن از مزایای بورس کالا امید بست؟ صنایع برای حضور در این بورس چه انگیزه‌هایی دارند؟

اقتصاددان فعال در بورس، پیشنهادهایی برای رفع مشکلات موجود برای تولیدکنندگان، مردم و ... و تشویق آنها به حضور در بورس کالا ارائه دهید، چه توصیه‌هایی خواهید کرد؟

هاشم‌خانی: بورس کالا در دنیا بدون «بازار ثانویه» معنا و کارکرد موثری ندارد. یکی از مهم‌ترین مزایایی که امروز ما از آن بهره‌ای نمی‌بریم، همین «بازار ثانویه» در بورس کالا است. در بورس‌های کالای کشورهای مختلف، هر فردی می‌تواند سهمی داشته باشد. به اعتقاد من رویه دریافت یک حواله درون بورس و فروش کالا در بیرون بورس به شدت فسادزاست. هر فردی اگر بیش از یک مبلغ استاندارد مشخصی نقدینگی دارد باید بتواند از بورس کالا خرید کند و نباید امکان خرید صرفاً به عده‌ای خاص داده شود. آیا بورس لندن، نفت را فقط به آنها که مجور تاسیس پتروشیمی دارند، می‌فروشد؟ هرچه بیشتر محدودیت باشد، فساد بیشتری هم اتفاق می‌افتد.

حقانی‌نسب: ۱۰۰ درصد با آقای هاشم‌خانی موافقم. یکی از زمینه‌های ایجاد فساد همین غیبت «بازار ثانویه» فعال است. اشکال اساسی اینجاست که چون دولت در ایران می‌خواهد با دخالت در نظم بازار قیمت نهایی را پایین بیاورد، «بازار ثانویه» محلی از اعراب ندارد و این در حالی است که «بازار ثانویه» به کشف قیمت عادلانه کمک می‌کند. امروز، چه بسیاری از کسانی که به دلیل ضعف بازارها در کشف قیمت عادلانه، سودهای میلیاردی روانه جیب خود می‌کنند. البته من با آقای هاشم‌خانی از جایی مخالف هستم که بورس لندن را با ایران مقایسه می‌کند. واقعیت این است که اقتصاد ما کوچک است و بنابراین نمی‌توانیم بورس کالای ایران را مانند بورس کالای لندن اداره کنیم. شما نتیجه پیشنهاد عرضه مسکن در بورس را دیدید.



بورس کالا در دنیا بدون «بازار ثانویه» معنا و کارکرد موثری ندارد. یکی از مهم‌ترین مزایایی که امروز ما از آن بهره‌ای نمی‌بریم، همین «بازار ثانویه» در بورس کالا است

تولیدکننده برق که نیروگاه است، کیلوواتی ۶۰ تومان می‌خرد، به مصرف‌کننده خانگی کیلوواتی ۴۰۰ تومان، به مراکز تجاری کیلوواتی ۷۰۰ تومان و به رمز ارز کیلوواتی ۱۹۰۰ تومان می‌فروشد و برای هر کیلووات صادرات ۲ هزار تومان قیمت‌گذاری کرده است. برق در بورس کالا حضور دارد اما چرا قیمت منصفانه شکل نمی‌گیرد؟ چرا قیمت تعادلی در این حوزه معنا ندارد؟ حتی در مورد بهره بانکی هم نرخ دستوری داریم. کجای دنیا چنین است؟ در بسیاری از کشورها نرخ بهره بانکی بر اساس بازار عملیات باز یا بازار عملیات بین بانکی تعیین می‌شود.

تاثیر محدودسازی بورس‌ها بر اقتصاد چیست؟

حقانی‌نسب: وقتی دامنه نوسان تعیین می‌کنید و اجازه نمی‌دهید سهم به قیمت تعادلی واقعی خود برسد یعنی قیمت‌گذاری دستوری. البته نباید فراموش کنیم که قیمت دستوری در بازار سهام یا بورس کالا باز هم به مراتب تعادلی‌تر از قیمت‌های دستوری در بازارهای دیگر است.

در شرایط تحریمی کنونی و تشدید نیازهای داخلی به برخی کالاها نیاز بیشتری به عرضه مواد اولیه در بورس کالا حس می‌شود. جای چه محصولاتی را در بورس کالا خالی می‌بینید؟

حقانی‌نسب: معتقدم تمام کالاهایی که وارد می‌شوند، تمام صنایع واردکننده و تمام صنایعی که محصول نهایی آنها متقاضی بالایی دارد، باید وارد بورس کالا شوند. ببینید، همیشه دو مولفه وجود دارد؛ یکی عرضه و دیگری تقاضا. وقتی این دو رشد متوازی نداشته باشند، تنها راه کشف قیمت تعادلی در آنها پیوستن به بورس است.

اگر از شما دعوت کنند که به عنوان کارشناس و

هاشم‌خانی: به نظرم ماجرای ورود مسکن به بورس چندان به این موضوع ارتباط پیدا نمی‌کند. بورس‌های مهم کالایی با سال‌ها سابقه، به نسخه‌ای رسیدند که بتوانند شفافیت حداکثری را برای اقتصاد کشورشان به ارمغان بیاورند و این، همان تئوری است که من روی آن تاکید دارم؛ هر فردی با یک سری شروط مشخص و ساده، مثلا خوش‌حسابی هستند، باید بتواند در بورس کالا خرید و فروش کند. نکته مثبت بورس‌های کالایی معتبر در دنیا سهولت در خرید است.

خواجویی: قیمت‌گذاری در بورس کالا بر اساس دلار نیمایی انجام می‌شود اما خود کالا دوباره پس از خروج از بازار با قیمت دلار آزاد قیمت‌گذاری می‌شود و به فروش می‌رسد.

راهکار افزایش حضور تولیدکنندگان در بورس کالا چیست؟ آیا باید الزام‌هایی برای صنایع کوچک و بزرگ تعریف کرد یا بهتر این است که روش‌های تشویقی در سازوکاری تازه به کار گرفته شود؟ به‌خصوص که فعالان بعضی حوزه‌ها توانایی حضور در بورس کالا را ندارند. مثلا چگونه می‌توان از یک کشاورز انتظار داشت که کود مورد نیاز خود را بورس تهیه کند؟

خواجویی: قرار نیست همه صنایع در بورس کالا حضور داشته باشند. چه لزومی دارد؟ ضمن اینکه کالای

عرضه‌شده در بورس باید همگن باشد. آیا همه زردآلوه‌ها به یک شکل است که انتظار داشته باشیم کشاورز حتی اگر از پیچیدگی‌ها سر در بیاورد- محصول خود را با هر کیفیتی به یک قیمت عرضه کند؟ صحبت‌م این است که نشدنی است. اساسا برای بعضی محصولات و بخش‌ها باید با کارکرد نظارتی درست، سراغ همان واسطه‌گری برویم که در ضعف نظارت نیرومند، تبدیل به تهدید می‌شود و در شرایط درست، تبدیل به فرصت. اما

درباره سایر صنایع که ممکن است حضور آنها اتفاق مثبتی باشد، تلفیقی از سیاست‌های تشویقی و تنبیهی می‌تواند ما را به هدف افزایش حضور تولیدکنندگان در بورس کالا نزدیک کند.

با فرض تحقق هدف افزایش حضور تولیدکنندگان در بورس کالا، این رخداد چه پیامدهایی در اقتصاد کشور خواهد داشت؟

خواجویی: هر قدر حضور صنایع مختلف ما در بورس کالا بیشتر و پرنرنگ‌تر باشد، به هدف کشف «قیمت عادلانه» و «شفافیت» در اقتصاد نزدیک‌تر می‌شویم. با حضور گسترده صنایع در بورس کالا، اصلاحات تدریجی صورت می‌گیرد، حاشیه سود بنگاه‌های اقتصادی بیشتر می‌شود و بهره‌وری، سیر صعودی می‌پیماید. صنعت خودرو شاید مثال قابل درکی در این خصوص باشد؛ تصور کنید اگر قیمت‌گذاری واقعی در این بخش انجام شود، چقدر شرایط برای همه، از خودروساز گرفته تا مصرف‌کننده بهتر می‌شود. نتیجه وضعیت فعلی این است که سایپا گزارش می‌دهد، یک دستگاه پراید را ۲۷ میلیون تومان می‌فروشد و زیان‌ده است! از سوی دیگر، مردم برای خرید یک پراید، ۱۳۰ میلیون تومان پول می‌دهند. این تفاوت قیمت فاحش به جیب چه کسانی می‌رود؟ البته دلم می‌خواهد به نکته‌ای هم اشاره کنم؛ من منکر این واقعیت نیستم که هر قدر تعداد متقاضی بیشتر باشد، زمینه کشف قیمت می‌تواند عادلانه‌تر باشد اما وارد کردن خریداران خرد به بورس کالا سخت است، حداقل در شرایط کنونی اقتصادی، چالش‌های بسیاری برای کارگزار به وجود خواهد آمد.

هاشم‌خانی: در «بازار ثانویه» این دغدغه‌ها حل می‌شود.

حقانی‌نسب: ۱۰۰ درصد با آقای هاشم‌خانی موافقم.

خواجویی: ما فعلا نیاز به رصد دقیق مالیاتی واسطه‌ها داریم. اصل فساد در همین نقطه رخ می‌دهد.



بورس کالا

خواجویی: هر قدر حضور صنایع مختلف ما در بورس کالا بیشتر و پرنرنگ‌تر باشد، به هدف کشف «قیمت عادلانه» و «شفافیت» در اقتصاد نزدیک‌تر می‌شویم.



اساس جذابیت و شفافیت در بورس، «بازار ثانویه» است. هر کالایی در بورس مبادله شود، قیمت عادلانه را تجربه خواهد کرد. وقتی چنین «واقعیت» مهمی دچار مشکل است، یعنی با پدیده تولد ناقص مواجه هستیم. بازار مبادله‌ای که بازار ثانویه نداشته باشد، قیمت دستوری و رانت و صف خرید و فروش به بار می‌آورد ...

خواجویی: آقای حقانی‌نسب، اجازه دهید یک پرنانتر باز کنم. کسی ذات بورس را کتمان نمی‌کند؛ چند سال پیش، معاون وزیر اقتصاد پیشین، آقای طیب‌نیا، یک بار به معضل اصلی اقتصاد کشور اشاره کرد و آن این بود که نصف تولید ناخالص داخلی ایران مالیات نمی‌دهد. یکی از مبادی که می‌توان طرف تقاضا را کنترل کرد، همین بورس کالا است. کسی که بداند در تور مالیاتی گرفتار می‌شود، خودش وارد بورس کالا نخواهد شد. من دوباره تاکید می‌کنم که با «بازار ثانویه» مخالف نیستم اما نباید دنبال حذف واسطه‌گر باشیم. واسطه‌گر در همه اقتصادهای کوچک و بزرگ جهان وجود دارد و ما باید دنبال دریافت مالیات از این افراد باشیم. یکی از چالش‌های بزرگ ما همین است که اداره مالیات بعد از خروج محصول از بورس کالا نظارت خود را قطع می‌کند.

حقانی‌نسب: من فکر می‌کنم با رصد مالیاتی هم مشکل حل نمی‌شود.

هاشم‌خانی: بگذارید نگرانی شما را در چند جمله حل کنم. پشت پرده قیمت جهانی نفت که در اردیبهشت امسال منفی شد؛ افرادی که به عنوان خریداران خرید، نفت خریده بودند اما در روز موعود نتوانستند نفت خود را تحویل بگیرند. البته از یک هفته قبل از روز تحویل، ناتوانی خریداران مشخص شد زیرا نفتکش آزادی وجود نداشت. بنابراین خریداران حاضر شدند نفت خود را با قیمت‌های پایین و سپس ناچیز بفروشند و در ادامه حتی به فروش منفی یعنی زیر صفر هم تن دادند، چون اگر نفتشان را تحویل نمی‌گرفتند، برگه خرید آنها می‌سوخت. حالا اگر «بازار ثانویه» بود، خریداران خردتر مجبور به فروش به تولیدکنندگان بزرگ بودند.

حقانی‌نسب: من موافق آقای هاشم‌خانی هستم. بورس کالای ما ناقص متولد شده است.

آقای خواجویی، شما با ماهیت «بازار ثانویه» مشکلی دارید؟ تفاوت دیدگاه شما با آقای هاشم‌خانی و حقانی‌نسب در چیست؟

خواجویی: من مشکلی با ماهیت بازار ثانویه ندارم اما یکی از چالش‌های بزرگ بر سر راه افزایش متقاضی در بورس کالا، خود کارخانه‌های عرضه‌کننده هستند. آنها با سهولت در خرید و فروش و همگانی کردن این روند موافق نخواهند بود.

حقانی‌نسب: اینطور نیست. خود کارخانه‌دار قطعا با کشف قیمت عادلانه موافق است. کشف قیمت هم فقط از این راه ممکن است.

خواجویی: آقای حقانی‌نسب! مدیران اغلب کارخانه‌های بزرگ خودشان یک طرف رانت هستند. آنها اجازه توسعه این بازار را نمی‌دهند.

اجازه دهید به بحث اصلی بازگردیم. آقای حقانی‌نسب، در صحبت‌های‌تان گفتید که بورس کالای ما ناقص متولد شده است. کمی در این باره توضیح می‌دهید؟

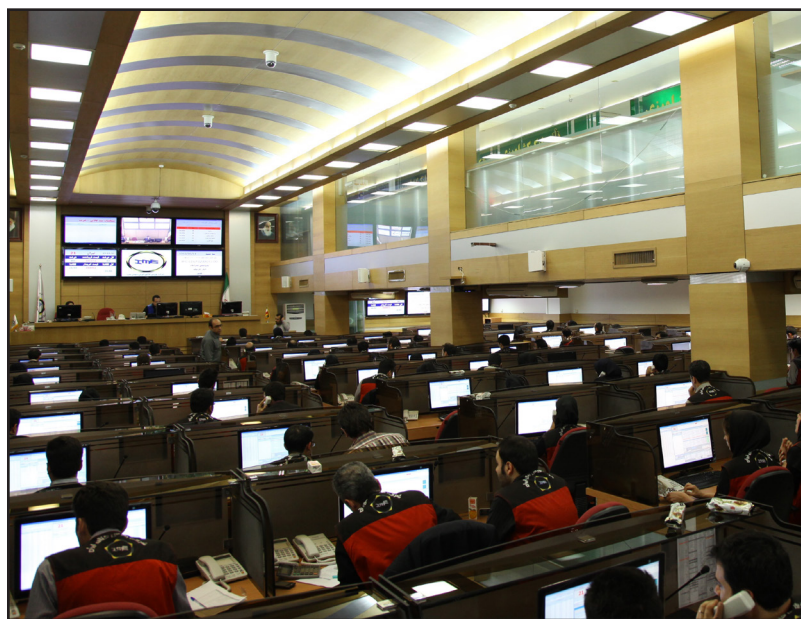
حقانی‌نسب: این ادامه همان نکته‌ای است که آقای هاشم‌خانی به آن اشاره کردند. من می‌گویم

۱۲ مدتی است بحث ورود خودرو و مسکن به بورس کالا مطرح شده که موافقان و مخالفانی دارد. برخی نتیجه پیوستن این دو کالای ضروری به بورس را کشف عادلانه قیمت‌ها در این حوزه می‌دانند. مثلاً به نظر می‌رسد که با ورود خودرو به بورس اختلاف قیمت کارخانه با بازار که این روزها محل فساد و ایجاد تقاضای کاذب زیادی شده است، از بین می‌رود. اما از سوی دیگر، به نظر می‌رسد حوزه مسکن تعیین قیمت برای صاحب ملک ممکن نیست. ارزیابی شما از ورود احتمالی این دو کالا به بورس چیست؟

حقانی نسب: اگر خریدار حواله خودرو و مسکن بتواند تا زمان تحویل کالا حواله خود را در «بازار ثانویه» بفروشد، ورود این دو کالا اتفاقی مثبت و موفق خواهد بود. البته تاکید من روی فراهم شدن بازار ثانویه در خود بورس کالا است. در غیر این صورت، دیگر این تحلیل کارکردی نخواهد داشت. منظورم از موفقیت این است که قیمت عادلانه با حجم قابل قبولی از معامله کشف خواهد شد و به تدریج دست سوداگران و دلالان را کوتاه خواهد کرد. قیمت منصفانه اما لزوماً کاهشی نیست، می‌تواند با توجه به شرایط بازار افزایشی هم باشد. اکنون حجم معاملات خودرو و مسکن کاهش یافته اما هم‌زمان، قیمت‌ها در هر دو بازار با درصد غیرمعقولی بالا می‌رود و معامله می‌شود.

خواجویی: عرضه خودرو در بورس کالا بدون شک اتفاق بزرگ و بسیار خوبی خواهد بود. به‌ویژه اگر «بازار ثانویه» هم راه‌اندازی و فعال شود تا حواله‌ها در آن خرید و فروش شوند و در کنار این بازار و بعد از بورس کالا، بازار دیگری هم مجزا از بورس برای ارتقای کل سیستم باید وجود داشته باشند. در چنین بستری، شک نکنید به نتایج خوبی دست خواهیم یافت اما در مورد مسکن تردید دارم. بر این باورم که تعداد عرضه‌کنندگان مسکن بسیار زیاد است و چسبندگی قیمت در بازار مسکن، آن‌قدر بالاست که اجازه نمی‌دهد انتظار بورسی ما در این حوزه برآورده شود. یعنی اگر شما در سوال به دنبال این پاسخ بودید که کشف عادلانه قیمت در خودرو و مسکن انجام خواهد شد یا نه، من فکر می‌کنم در خودرو، بله ولی در مسکن، خیر. در مسکن شما می‌توانید نهادهای دولتی یا شبه دولتی را کنترل کنید اما صاحبان خانه‌های خرد را چطور؟ ببینید همه بازارها از نوسان‌های ارزی تاثیر می‌پذیرند اما برای مثال اگر دلار ۳۰ هزار تومانی سقوط آزاد قیمت را تجربه کند هرگز قیمت مسکن نصف نخواهد شد. از سوی دیگر تکثر صاحبخانه در سراسر کشور داریم. حدود یک سوم جمعیت کشور، صاحبخانه هستند. تکلیف این افراد چه می‌شود؟ موضوع دیگر که نباید فراموش شود، همگن نبودن واحدهای مسکونی است. یک آپارتمان ۶۰ متری بسته به محله، نوع مصالح استفاده‌شده در آن، پارکینگ، انباری، عرض کوچه و ... قیمت‌گذاری می‌شود و طبیعی است که در بازار آپارتمان‌های ۶۰ متری، شاهد تفاوت و اختلاف قیمت زیادی باشیم. عرضه بورسی مسکن شاید اندکی شفافیت در این بازار را افزایش دهد اما در نهایت کارکرد مورد توقع در زمینه قیمت‌گذاری منصفانه نسبی را محقق نخواهد کرد.

هاشم‌خانی: یکنواختی و همگنی کالایی که قرار است در بورس عرضه شود، بسیار مهم است. مثلاً در سراسر دنیا شمش طلا، شمش پلاست یا ورقه مس یعنی ورقه مس! اما مسکن هرگز در چنین تعاریف و ساختارهایی جایی ندارد و بنابراین ورود مسکن به بورس، امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه قرار باشد همانند نظام‌های کمونیستی تصمیم بگیریم همه مسکن‌ها را در سراسر کشور با



«بازار ثانویه» برای «خریدهای آتی» مهم است. اگر موعد تحویل کالای کسی در آینده نزدیک بود، خریدار در صورت تمایل باید این امکان را داشته باشد که کالای خود را زودتر از موعد تحویل بفروشد. موضوع بعدی هم این است که تعیین قیمت پایه، مطلقا در بورس بی‌معناست. این را هم بگویم که من با ابطال معامله به هر شکلی مخالفم. چطور ممکن است دو طرف با هم قرار بگذارند که با یک قیمتی و در یک شرایطی یک معامله را انجام دهند اما ناگهان با یک امضای طلایی آن معامله را باطل کنند؟

خواجه‌ویی: عذر می‌خواهم یعنی معامله خارج از بورس نداشته باشیم؟

هاشم‌خانی: خیر، همه چیز باید در قالب حواله باشد.

خواجه‌ویی: چنین چیزی ممکن نیست. مثلا اگر کسی می‌خواهد دو تا نشی بخرد، بیاید وارد بورس کالا شود؟! هاشم‌خانی: خیر، این‌طور نگاه کردن درست نیست. میزان درخواست متقاضی نباید زیر «لات» حداقلی باشد.

حقانی‌نسب: برگه حواله باید مبادله شود، نه تیرآهن!

خواجه‌ویی: نمی‌شود که با «لات» حداقلی در بازار انبوهی از تقاضا ایجاد شود. من بر این باورم که اساسا نمی‌شود بازار بیرون از بورس را از بین برد.

حقانی‌نسب: حرف ما این نیست که بازار بیرون از بورس را از بین برد اما باید مبادله در این بازار را به حداقل رساند. امروز حاشیه بزرگ‌تر از متن شده و تاثیر منفی این روند هم مشهود است. ضمن اینکه من هم با حذف قیمت پایه موافقم.

خواجه‌ویی: نمی‌توان همه را ملزم کرد تمام مبادلات خود را به بورس کالا محدود کنند. اگر کسی جنس مورد نیاز خود را قبل از روز تحویل نیاز داشته باشد، باید چه کند؟ شبکه توزیع و خرده‌فروشی نباید از بین برود چون اصلا امکانش نیست؛ ذوب آهن اصفهان که هر هفته تیرآهن ۱۴ عرضه نمی‌کند. من ۱۰۰ درصد با شکل‌گیری بازار ثانویه در بورس کالای ایران موافقم اما چطور ممکن است همه معاملات را به «بازار ثانویه» گره زد.

شکل، مترای، استاندارد خاص و مصالح مشابه بسازیم که چنین احتمالی، جدی و قابل اعتنا نیست. بنابراین در نهایت با این پیچیدگی مواجه خواهیم شد که مسکن یا خانه مورد معامله در کدام نقطه شهر و حتی کشور قرار دارد؟ من هم مثل دوستان دیگر اما ورود خودرو به بورس را ممکن و محتمل می‌دانم چرا که برای مثال پژو ۴۰۵ یک محصول مشخص است اما تردید دارم که این اتفاق مطلوب باشد. ورود خودرو به بورس به شکلی که مد نظر تصمیم‌گیرندگان است در هیچ کجای دیگر دنیا تجربه نشده است زیرا فرآیند تحویل گرفتن کالایی که به شکل «سلف» فروخته می‌شود، معمولا اندکی پیچیده است. اتومبیل باید به سرعت تحویل خریدار شود و ورود آن به بورس کالا ممکن است به پیچیدگی‌های تحویل دامن بزند.

خواجه‌ویی: البته هیچ جای دنیا هم هیچ تولیدکننده‌ای محصول خود را زیر قیمت واقعی و با زیان نمی‌فروشد جز مدیران ایران خودرو و سایپا.

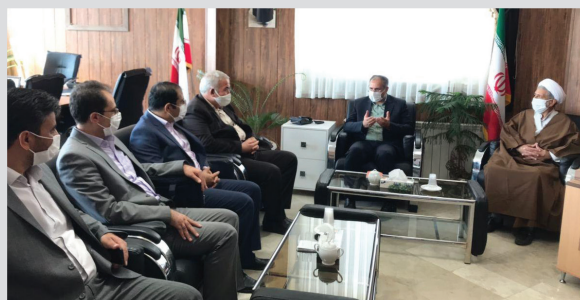
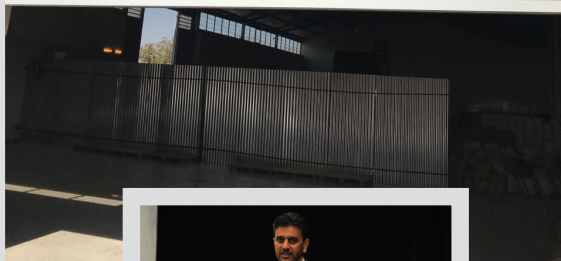
هاشم‌خانی: بله، واقعا همین‌طور است اما در مورد بخش دیگر سوال شما که پرسیدید آیا دوقیمتی بودن خودرو با ورود آن به بورس کالا حل می‌شود یا خیر؟ ممکن است حل شود اما فراموش نکنید بعد از ورود خودرو به بورس کالا هم ممکن است اتفاقات ناخوشایندی مانند ابطال معاملات تکرار شود. موضوع دیگر اینکه، یکی از مشکلاتی که موجب پیش‌فروش خودرو به مردم شده، مساله تامین مالی است. این مشکل، هرگز و مطلقا نباید در قالب پیش‌فروش حل شود و اصلا هم امکان ندارد با چنین شیوه‌ای حل شود. اوراق مشارکت شرکتی می‌تواند این مشکل را تا حدی حل کند همان‌طور که در سراسر دنیا حل کرده است. در مجموع می‌خواهم نتیجه بگیرم که من تردید دارم عرضه بورسی خودرو بتواند مشکلات این صنعت کشورمان را حل کند.

بورس کالای ایده‌آل چه ویژگی‌هایی دارد؟

هاشم‌خانی: بورس کالایی خوب، بورسی است که حتما «بازار ثانویه» داشته باشد و فعالان بازار آن زیاد باشند.

بورس کالای خوب، بورسی است که حتما «بازار ثانویه» داشته باشد و فعالان بازار آن زیاد باشند. «بازار ثانویه» برای «خریدهای آتی» مهم است

گزارش تصویری؛ آغاز معاملات گواهی سپرده کالایی کشمش در بورس کالای ایران



بورژوا

تاریخ شفاهی



نبرد نفس گیر بارانت خواران از آغازین روزها

هاشمیان نخستین مدیرعامل بورس کالای ایران: سیاست «قیمت گذاری» محکوم به شکست است

محسن نعمتی | علی اکبر هاشمیان دومین دبیرکل بورس فلزات تهران و نخستین مدیرعامل بورس کالای ایران با کوله‌باری از تجربه مدیریت در سطوح مختلف دولتی و خصوصی، سه ماهی است که به دلیل شرایط شیوع ویروس کرونا و البته ناخوشی عارض شده چند سال قبل، موجب شده تا کناره‌گیری از تمامی فعالیت‌های اجرایی در شرکتها را ترجیح دهد و به این ترتیب پس از ۴۰ سال مدیریت در سطوح بالای مدیریت کشور به نوعی بازنشسته شده است. او از سال ۶۲ تا ۶۳ قائم مقام بنیاد مستضعفان، ۱۳ سال معاون بازرگانی و مالی و عضو هیات‌مدیره شرکت ملی فولاد، از سال ۷۶ تا ۷۹ قائم مقام معاونت صنایع غیرفلزی وزارت صنایع، از سال ۷۹ تا ۸۰ نزدیک به دو سال مدیرعامل شستا و از سال ۸۰ تا ۸۲ معاون شرکت های دولتی و بانک و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده است. هاشمیان در این روزهای سخت کرونایی پای گفت‌وگو با پیام اقتصادی بورس کالا می‌نشیند تا خاطرات ارزشمند او از دوران راه‌اندازی بورس فلزات تهران و چالش‌های زمان مدیریت او را مرور کنیم. در ادامه این گفت‌وگو را می‌خوانید.



گوشه و ... تحت نظر صنف مربوطه، قانون‌گذاری و اداره میشود. ولی بورس‌های کالایی کشوری که با پشتیبانی قانون و نظارت دولتها در بسیاری از کشورها، روی معاملات «کالاهای پایه» متمرکز هستند و نه ۲۵۰ هزار قلم کالا. به عنوان مثال، در هیچ بورسی، گردنبند طلا یا نان معامله نمیشود بلکه مواد پایه آنها یعنی

برای ورود به بحث لطفا درباره چرایی پیدایش بورس‌های کالایی در دنیا توضیح دهید. دو نوع بورس در حوزه کالاها در دنیا فعال هستند، یکی بورس‌های صنفی هستند که به تعداد ۲۵۰ هزار قلم کالاها موجود در بازارها، بورس صنفی داریم. کالاهایی مانند آهن، زعفران، طلا، قند، کفش، مرغ،

توسعه اقتصادی طی دو دهه گذشته برای رشد صنایع مادر کشور غیرقابل انکار بوده است.

با راه‌اندازی بورس فلزات، فعالان بازار فولاد کشور تا ساعت ۱۱ ظهر که معامله بورس نهایی نمیشد، قیمت نمی‌دادند و تابلوی بورس کالا به مرجع اصلی قیمت فولاد کشور مبدل شد که همین موضوع رانت و فساد را از بازار فولاد حذف کرد.

در آن زمان ۶۳ فولادی فعال بودند که شامل ۲۰ واحد بهره‌برداری و ۴۳ واحد عمرانی بود. عمده این واحدها، به دلیل فروش محصول خود با قیمت ناچیز ۱۳۶ ریال، در تامین حقوق ماهانه کارمندان خود مانده بودند و این در حالی بود که همان زمان، یک عده با حواله‌های وزارت بازرگانی، میلیونر (با ارقام آن زمان) می‌شدند. به محض راه‌اندازی بورس فلزات و کنار رفتن قیمت‌گذاری دولتی، سود فروش محصولات در بورس کالا به کارخانه‌ها رسید. به جرات می‌توانم بگویم بورس فلزات، صنعت فولاد کشور را نجات داد و از همان زمان بود که توسعه صنعت فولاد برنامه‌ریزی شد. طرح جامع فولاد در آن زمان رسیدن به تولید ۱۴ میلیون تن فولاد در سال بود که واسطه کنار رفتن سایه معاملات دولتی و رشد سرمایه‌گذاریها، امروز هدف تولید فولاد در افق ۱۴۰۴ به ۵۵ میلیون تن رسیده که امروز تولید ۳۵ میلیون تن آن عملیاتی شده است. به این ترتیب، واحدهای تولیدی که در اثر اشتباه بزرگ در سیاست قیمت‌گذاری کالاها، پول حقوق کارکنان خود را نداشتند با یک اصلاح در روند قیمت‌ها و به واسطه شفافیت بورس کالا به سرعت در مسیر رشد قرار گرفتند.

همان‌طور که اشاره کردید، نان عده‌ای با راه‌اندازی بورس فلزات آجر شد، واکنش آنان به راه‌اندازی و تقویت بورس کالا چه بود؟ نظاره‌گر منفعل بودند یا در روند فعالیت این بورس اخلال ایجاد کردند؟

انصافاً برای پا گرفتن معاملات بورس فلزات تهران تلاش‌های زیادی شد و افراد زیادی در به سرانجام رسیدن این پروژه ملی شریک بودند. شاید جالب باشد که بدانید طی چهار سال مدیرعاملی بورس کالا، تقریباً مدت دو سال از فعالیت‌های ما صرف پاسخگویی

شمش طلا و آرد معامله می‌شود. در واقع کالاهای پایه‌ای که در بورس‌های کالایی مبادله می‌شود هر یک، خوشه‌های از محصولات را با خود به همراه دارند و به عنوان نمونه وقتی کالاهای پایه پتروشیمی در بورس مورد معامله قرار می‌گیرد، هزاران قلم کالا از این مواد پایه مشتق می‌شود.

براساس بررسی‌ها، حدود یکصد قلم کالای پایه، منشأ ۲۵۰ هزار قلم کالای موجود در بازارهاست و دولتها عموماً بر این باورند که با هدایت و نظارت درست و اقتصادی بر معامله این یکصد قلم کالای پایه می‌توان به تنظیم بازار ۲۵۰ هزار قلم کالای بازار نیز کمک کرد. اما خود بورس‌های کالایی نیز به دو نوع معاملات واقعی و فیزیکی و معاملات کاغذی و اوراق تقسیم می‌شوند که البته اغلب بورس‌های کالایی هر دو مدل معاملات را هم زمان انجام نمی‌دهند اما بورس‌هایی مانند بورس شیکاگو، روزانه معاملات عظیم ذرت، گندم و گوشت را به شکل واقعی معامله می‌کند اما همین محصولات را هم به شکل کاغذی و براساس ابزارهای مالی نیز دادوستد می‌کند. بورس کالای ایران نیز امکان هر دو مدل معاملاتی فیزیکی و مالی را فراهم کرده و در هر دو مدل فعال است.

ایده راه‌اندازی بورس کالای ایران چگونه شکل گرفت؟

خوب به خاطر دارم سال ۷۶ که در شرکت ملی فولاد بودم، قیمت یک کیلو آهن ۱۳۶ ریال بود اما همان محصول در بازار ۵۶۰ ریال معامله می‌شد، رانتی چهار برابری و فساد گسترده در این بازار و خیلی از بازارهای دیگر حاکم بود که هزینه دفتر و زندگی برخی افراد از این ناحیه تامین می‌شد؛ افرادی که اغلب، هیچ سنخیت و صلاحیتی حتی برای قرار گرفتن در پایین‌ترین سطح مدیریتی را هم نداشتند. این اوضاع دردناک، ایده راه‌اندازی بازاری متشکل یعنی بورس فلزات تهران و در ادامه بورس کالا را به وجود آورد که با ورود محصولات پایه دیگر تا حدود بسیار زیادی رانتهای قیمتی به حداقل رسید و اگر اشتباهات عجیب یکی دو سال اخیر در تصمیم‌های حوزه تنظیم بازار کالاها را فاکتور بگیریم، نقش بورس کالا در رشد و

به مراجع نظارتی می‌شد. ردپای رانت‌خواران همه‌جا بود و آنها به همه نهادها از مجلس گرفته تا دفتر رئیس‌جمهوری شکایت می‌کردند و ما باید مدام درخصوص کارکرد بورس کالا و دلیل چرایی کشف فلان قیمت که به نفع تولیدکننده و زیان دلالتان بود توضیح می‌دادیم. این نشست‌ها آنقدر طول می‌کشید تا چهره واقعی برخی رانت‌خواران مشخص می‌شد؛ آنها علناً می‌گفتند که با راه‌اندازی بورس کالا، سود ما از بین رفته و در مقابل ما به مسئولان اعلام می‌کردیم که اینها سود نمی‌کردند بلکه رانت می‌گرفتند و حالا با آمدن بورس کالا رانت‌شان حذف شده است.

اوج مشکلات ما در اواسط دولت دهم و اواخر مدیریت بنده در بورس کالا بود، زمانی که دولت قصد داشت بورس کالا را علاوه بر دخالت در قیمت‌ها به کلی دستوری کند که بنده در جلسه‌ای با این موضوع مخالفت کردم و فردای آن روز استعفای خودم را نوشتم. حتی رئیس‌جمهوری وقت قصد برکناری سریع من را به دلیل اجرا نکردن تصمیمات دولت داشتند که وزیر اقتصاد آن زمان با این استدلال که فقط یک ماه از مدیریت من باقی مانده، مانع از برکناری شدند و استعفای مرا هم نپذیرفتند.

در کل باید تاکید کنم که مصیبت‌ها کشیدیم تا بورس کالا برای مسئولان شناخته شود و به اوضاع امروز برسد البته اطلاع دارم هنوز همان ماجراهای قبلی و قیمت‌گذاری‌ها در جریان است و متأسفانه بخش زیادی از انرژی مدیران بورس کالا و بازار سرمایه باید صرف همان نشست‌های تکراری در خصوص دخالت در قیمت‌ها شود.

ریشه مانایی مشکلاتی مانند قیمت‌گذاری دستوری کالاهایی مانند فولاد از زمان راه‌اندازی بورس فلزات تا کنون را در چه نکاتی می‌دانید؟

برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا به این موضوع توجه کنیم که بورسها ابزار اقتصاد آزاد هستند و در اقتصادهای رانتی و یارانه‌ای و دستوری از کارایی آنها کاسته میشود. پس پاسخ روشن است، هنوز اقتصاد کشور هنوز رانتی و یارانه‌ای است و متأسفانه فسادهای بزرگ در آن

وجود دارد. بر اساس آمارها سالی دو میلیون پرونده به پرونده‌های وزارت دادگستری اضافه می‌شود و منشأ این پرونده‌ها، رانت توزیع‌شده از سوی دولت‌هاست.

دوستی دارم که داور پرونده‌های فساد است و او همواره در این سال‌ها تکرار می‌کند که عموم سرمایه‌داران و ثروتمندان طی این ۲۰، ۳۰ سال از طریق حواله و یارانه‌های دولتی و کشوری به جایگاه‌های فعلی‌شان رسیده‌اند و ریشه جامعه دوقطبی فعلی (اکثریت فقیر و اقلیت ثروتمند) همین رانت‌های دولتی است. با این تفاسیر تا زمانی که رانت و یارانه‌های دولتی در اقتصادمان وجود داشته باشد، شاهد وجود این چالش‌ها در بورس کالا خواهیم بود.

متأسفانه شرایط ۲۰ سال پیش و توزیع رانت با حواله‌های سابق وزارت بازرگانی امروز به شکلی الکترونیکی و از طریق تخصیص سهمیه در سامانه وزارت صمت نیز تا حدی در جریان است و در واقع تاریخ تلخ اقتصاد ایران به دلیل دخالت دولت‌ها در قیمت کالاها در حال تکرار است.

زمان من نیز سامانه «بهین‌یاب» وجود داشت و بسیاری از اطلاعات این سامانه از همان زمان اشتباه بود. به یاد دارم در دوره مدیریت من نیز نامه‌هایی از وزارت «صمت» برای تخصیص سهمیه مواد اولیه به شرکت‌ها از طریق سامانه «بهین‌یاب» می‌آمد که در مواردی کارشناسان حتی رقم تخصیص آهن را کنترل نمی‌کردند، در یک مورد در اشتباهی تایپی نوشته شده بود یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن فولاد به یک شرکت داده شود! این نامه تا مدت‌ها سر زبان‌ها افتاده بود.

به عبارت دیگر، وجود رانت در اقتصاد و تخصیص یارانه‌های اشتباه که به دست مردم و مصرف‌کننده نمی‌رسد، نمی‌گذارد از اشتباه‌های گذشته درس بگیریم و این نظام دستوری و یارانه‌ای، از دولتی به دولتی دیگر و از مدیری به مدیر بعدی منتقل شده است. باید این واقعیت را هم یادآور شویم که امروز هیچ مدیری نمی‌تواند ادعا کند که از نتیجه قیمت‌گذاری دولتی و دستوری کالاها اطلاع

اوراق بهادار فروختیم.

پس از استقرار سامانه معاملاتی، متخصصانی از بورس‌های شیکاگو، لندن، ترکیه، پاکستان، هند، ژاپن و چین به ایران آمدند و دوره‌های آموزشی را برای بورس کالای ایران برگزار کردند و همین شد که معاملات آتی شکل گرفت. باید تاکید کنم که یکی از قوی‌ترین نرم‌افزار نوپسان کشور در مجموعه بورس کالای ایران حضور دارند و این موضوع از طراحی ابزارهای مالی همچون قراردادهای آتی، آپشن و سلف موازی استاندارد قابل ادعاست.

پس از مهیا شدن ساختارهای معاملاتی بازار آتی، مجوز شورای عالی بورس اخذ شد و به سراغ گرفتن مجوزهای فقهی در این زمینه رفتیم. در آن زمان، مرحوم حاج آقای موسویان مسئول کمیته بانکداری اسلامی در بانک مرکزی بودند که زحمت زیادی برای راه‌اندازی معاملات آتی و آپشن کشیدند. برای قراردادهای آتی حوزه کالا از ۱۵ تن از مراجع تقلید استعلام گرفته شد که ۱۲ مرجع، این معاملات را تایید کردند و سه تن از مراجع نیز ایراداتی بیان کردند. سرانجام این معاملات پس از تایید مراجع تقلید در شورای فقهی سازمان بورس نیز مورد بررسی قرار گرفت و با در نظر گرفتن کلیه مسائل فقهی و شرعی و بدون هیچ شبهه‌ای آغاز و فعال شد. قراردادهای آتی روی اونس طلا و مفتول مس و بعد سکه طلا راه‌اندازی شد و خیلی سریع در میان سرمایه‌گذاران جا باز کرد.

آینده بورس کالا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بنده معتقدم جدای از توسعه بورس کالا در سال‌های آتی و ورود محصولات جدید به بازار قراردادهای آتی، معاملات قبض انبار یا همان گواهی سپرده کالایی، برگ برنده بورس کالا در اقتصاد ایران است.

در حال حاضر، بورس فلزات لندن بیش از ۶۰۰ انبار در سطح دنیا دارد و هر شرکتی که عضو این بورس بوده و بخواهد محصولش را در این بورس عرضه کند، به یکی از نزدیک‌ترین

ندارد، زیرا حداقل ۳۰ سال تجربه قیمت دستوری با هدف‌گذاری ثابت کنترل بازار و کاهش قیمت‌ها در کارنامه اقتصادی مسئولان سیاست‌گذار وجود دارد که جز توزیع رانت و تشدید تورم نتیجه‌ای نداشته است.

از بازار فولاد و قیمت‌گذاری دستوری کمی فاصله بگیریم. وقتی در شهریور سال ۹۷ خبر توقف معاملات آتی سکه پس از ۱۰ سال فعالیت را شنیدید، چه حسی داشتید؟

این خبر را شنیدم و به شدت متاسف شدم. البته قطعاً ملاحظات حکومتی و شرایط اقتصاد کشور در اتخاذ این تصمیم تاثیرگذار بوده است. اما مهم آن است معاملات آتی بورس کالا روی محصولات دیگر و حتی معاملات سکه در قرارداد اختیار برقرار است. باید توجه کرد که کارکرد اصلی قراردادهای آتی در دنیا، بیمه معامله‌گران در برابر نوسان قیمت‌هاست زیرا افراد با اخذ موقعیت‌های خرید و فروش، ریسک‌های قیمتی در آینده را خنثی می‌کنند و این روال باید در اقتصاد ایران نیز با توسعه معاملات آتی در بورس کالای ایران شکل بگیرد.

هنگام راه‌اندازی معاملات آتی، بحث خرید نرم‌افزار این معاملات از خارجی‌ها خبرساز شده بود، در نهایت این نرم‌افزار چگونه مهیا شد؟

بله، خرید نرم‌افزار و راه‌اندازی معاملات آتی در دوره فعالیت بنده در بورس کالا انجام شد. خاطر هست که چینی‌ها برای فروش سیستم معاملاتی ۱۶ میلیون دلار و برای نسخه سریع و مختصر معاملات آتی که ۶ ماهه عملیاتی میشد، ۶ میلیون دلار پیشنهاد دادند. هندوها هم رقم ۶ میلیون دلار را اعلام کردند و بورس کالا برای خرید سیستم معاملاتی با ۸ بورس دنیا مراد و مشورت کرد تا اینکه سرانجام در اقدامی ملی و ارزشمند، کارمندان «آی‌تی» بورس کالا با هزینه حدود ۸۵ میلیون تومان معاملات آتی و آپشن را طراحی و راه‌اندازی کردند. آن زمان، حتی یک نسخه از این نرم‌افزار را برای معاملات آتی سهام به بورس



پس از استقرار سامانه معاملاتی، متخصصانی از بورس‌های شیکاگو، لندن، ترکیه، پاکستان، هند، ژاپن و چین به ایران آمدند و دوره‌های آموزشی را برای بورس کالای ایران برگزار کردند و همین شد که معاملات آتی شکل گرفت

می‌تواند از برخی انبارهای خود شرکت‌ها که شرایط استاندارد شدن را دارند، استفاده کند تا یکی از دغدغه‌های شرکت‌ها در انجام معاملات در بورس یعنی ارائه تضامین سنگین نیز به وسیله همین انبارها مرتفع شود. بر این اساس سرعت گردش پول و انجام معاملات افزایش می‌یابد و این همان مسیر موفقیت بورس کالا در سال‌های آینده است. خلاصه اینکه باید تاکید کنم که با وجود همه محدودیت‌های اقتصادی از جمله تفکرات دستوری که به تولید رانت و فساد در اقتصادمان منجر می‌شود اما ابزارهای مالی می‌تواند راه نجات تولید و اقتصاد ایران باشد و بورس‌ها باید روی این بخش مانور دهند.

■ به عنوان سوال آخر، بزرگ‌ترین دغدغه شما

به عنوان مدیرعامل بورس کالا چه موضوعی بود؟

مصون نگه داشتن بورس کالا از نگاه و دخالت‌های دستوری نهادها که متأسفانه امروز پس از ۱۸ سال، کماکان سایه این نگاه بر معاملات بورس کالا وجود دارد، همواره دغدغه من بوده و هست.

انبارهای تحت کلید بورس لندن مراجعه کرده و پس از پذیرش کالا بر اساس مقررات موجود، قبض انبار صادر می‌شود. جالب اینجاست که این قبض انبار بسیار ارزشمند است و عرضه‌کننده قبل از فروش محصول خود، امکان دریافت تسهیلات و نقد کردن آن را از سوی بانک‌های طرف قرارداد بورس لندن را دارد. به عبارتی، یک بورس آنقدر می‌تواند معتبر شود که قبض انبار آن بورس سندی بسیار ارزشمند نزد بانک‌ها باشد و همین رویه در بورس کالای ایران نیز در حال پیگیری و انجام است. در حال حاضر معاملات گواهی سپرده چند محصول انجام می‌شود و بنده توصیه‌ای که به مسئولان وزارت صمت دارم این است که مقدمات پشتیبانی قانونی بانک‌ها از قبض انبار بورسی و توسعه این معاملات در بورس کالا را فراهم کنند چراکه این‌گونه ابزارها به‌خوبی گره‌های کور اقتصاد ایران و کارخانه‌ها را باز می‌کند. بورس کالا نیز برای افزایش سرعت در این حوزه



بورس کالا

تالار نقره ای



افزایش ۹۷ درصدی ارزش معاملات بورس کالای ایران

یک میلیون و ۷۳۱ هزار میلیارد ریال در ۷ ماه ارزش معاملات بود

امید امانی | ارزش کل معاملات بورس کالای ایران در ۷ ماهه امسال در دو بخش بازار فیزیکی و مالی با افزایش ۹۷ درصدی روبه‌رو شد و به بیش از یک میلیون و ۷۳۱ هزار میلیارد ریال رسید.

به گزارش کالا خبر، آمار معاملات بازار فیزیکی بورس کالای ایران در ۷ ماهه سال ۹۹ حاکی از آن است که در این بازار و در مجموع بیش از ۱۹ میلیون و ۶۹۲ هزار تن محصول به ارزشی بیش از یک میلیون و ۴۷۷ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه پارسال، افزایش ۵۰/۶ درصدی حجم و افزایش ۱۰۹ درصدی ارزش را تجربه کرده است.



مورد دادوستد قرار گرفت که این تالار افزایش حجم ۶۰/۸ و رشد ۱۷۵ درصدی ارزش معاملات نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرد.

در این تالار ۷ میلیون و ۱۱ هزار و ۳۴۳ تن فولاد، ۱۴۰ هزار و ۹۵۰ تن مس، سه هزار و ۷۵۰ تن کنسانتره مولیبدن معامله شد. همچنین ۴۷۴ تن طلا به ارزش بیش از ۴ هزار میلیارد و ۸۲۴ میلیون ریال در این تالار مورد معامله قرار گرفت.

بازار فرعی

حجم معاملات بازار فرعی طی ۷ ماهه ۷۱ هزار و ۸۲۹ تن محصول به ارزش بیش از سه هزار میلیارد و ۵۷۳ میلیون ریال مورد دادوستد قرار گرفت که این تالار افزایش ۹۲ درصدی حجم و افزایش ۴۰/۴ درصدی ارزش معاملات نسبت به مدت مشابه سال گذشته را تجربه کرد.

بازار مشتقه

همچنین آمار معاملات قراردادهای مشتقه بورس کالای ایران بیانگر آن است که در مجموع در این بازار ۹ میلیون و ۶۷۹ هزار و ۴۳۱ قرارداد به ارزش بیش از ۱۲۸ هزار میلیارد ریال منعقد شد که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۸ درصدی حجم و کاهش ۴/۹ درصدی ارزش معاملات را نشان می‌دهد.

به این ترتیب از ابتدای امسال تا پایان مهر ۹۹ بیش از ۹ میلیون و ۶۵۹ هزار قرارداد آتی به ارزش بیش از ۱۲۷ هزار میلیارد ریال منعقد شد که نسبت به مدت مشابه سال گذشته با رشد ۱۹ درصدی حجم و کاهش ۷ درصدی ارزش روبه‌رو شده است. در این مدت همچنین ۱۹ هزار و ۵۶۳ قرارداد اختیار معامله منعقد شد.

بازار مالی

همچنین در ۷ ماهه امسال و در بازار مالی که شامل اوراق سلف موازی استاندارد، گواهی سپرده کالایی و صندوق سرمایه‌گذاری است، بیش از ۹۱۴ میلیون و ۴ هزار قرارداد به ارزش بیش از ۱۲۴ هزار میلیارد ریال منعقد شد.

تالار کشاورزی

بر این اساس در ۷ ماهه سال ۹۹ و در تالار محصولات کشاورزی ۱۲ تن محصول به ارزشی بیش از ۹۴۱ هزار میلیون ریال دادوستد شد که حجم و ارزش معاملات این تالار در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته با کاهش حجم ۱۰۰ و افزایش ۹۰۶ درصدی مواجه شده است. همچنین در این مدت بالغ بر ۱۲ تن زعفران در این تالار به فروش رسید.

تالار فرآورده‌های نفتی

طبق آمار ۷ ماهه سال ۹۹، بیش از ۸ میلیون و ۸۱۵ هزار و ۲۲۷ تن محصول به ارزش بیش از ۲۵۹ هزار میلیارد ریال در تالار فرآورده‌های نفتی به فروش رفت که حجم و ارزش محصولات معامله‌شده در این تالار به نسبت مدت مشابه سال گذشته به ترتیب افزایش ۵۱ و رشد ۴۵ درصدی را تجربه کرد. در این تالار بیش از سه میلیون و ۹۵۲ هزار تن وکیوم باتوم، ۳ میلیون و ۱۶۲ هزار و ۹۷۸ تن قی، یک میلیون و ۲۲ هزار و ۴۹۰ تن لوب‌کات، ۵۵۰ هزار و ۶۶۸ تن گوگرد، ۶۲ هزار و ۵۵۵ تن روغن، ۲۸ هزار و ۵۰۰ تن سلاپس واکس و ۳۵ هزار و ۶۶۶ تن عایق رطوبتی معامله شد.

در تالار محصولات پتروشیمی بورس کالا نیز تا پایان مهر امسال، بیش از سه میلیون و ۱۸۴ هزار تن محصول به ارزش بیش از ۳۹۶ هزار میلیارد ریال دادوستد شد که حجم و ارزش معاملات این بازار نیز افزایش ۳۱ و ۷۴ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته تجربه کرده است. به این ترتیب در این تالار دو میلیون و ۱۳۸ هزار و ۲۹ تن مواد پلیمری، یک میلیون و ۴۴ هزار و ۴۶۹ تن مواد شیمیایی و یک هزار و ۸۸۰ تن گازها و خوراکی‌ها به فروش رسید.

تالار صنعتی و معدنی

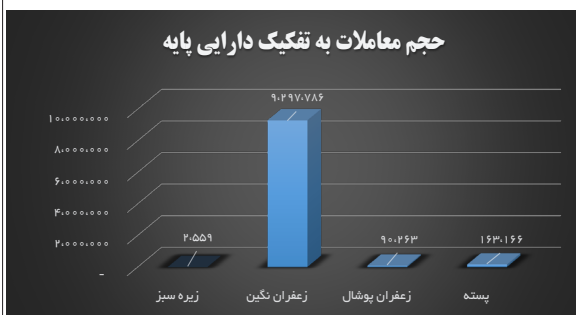
آمار معاملات تالار محصولات صنعتی و معدنی نیز نشان می‌دهد که طی ۷ ماهه امسال، ۷ میلیون و ۶۲۰ هزار و ۶۱۴ تن محصول به ارزش بیش از ۸۱۶ هزار میلیارد ریال

۹/۵ میلیون قرارداد آتی در بورس کالا طی هفت ماه

۳۸۴ هزار معامله گر ۱۲۶ هزار میلیارد ریال کالا برای تحویل در آینده خریدند

ارزش کل معاملات بورس کالای ایران در ۷ ماهه امسال در دو بخش بازار فیزیکی و مالی با افزایش ۹۷ درصدی روبه‌رو شد و به بیش از یک میلیون و ۷۳۱ هزار میلیارد ریال رسید.

به گزارش کالا خبر، آمار معاملات بازار فیزیکی بورس کالای ایران در ۷ ماهه سال ۹۹ حاکی از آن است که در این بازار و در مجموع بیش از ۱۹ میلیون و ۶۹۲ هزار تن محصول به ارزشی بیش از یک میلیون و ۴۷۷ هزار میلیارد ریال داد و ستد شد که نسبت به مدت مشابه پارسال، افزایش ۵۰/۶ درصدی حجم و افزایش ۱۰۹ درصدی ارزش را تجربه کرده است.

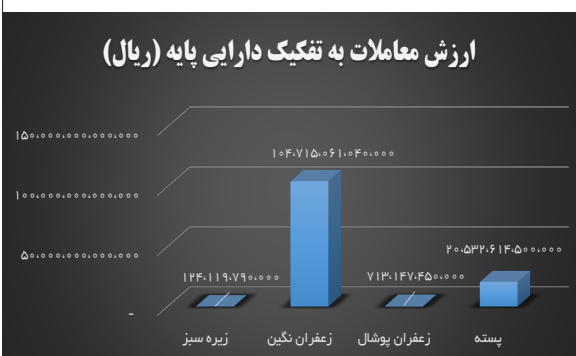


قرارداد تعلق داشت. طی سال جاری در پنج سررسید فعال در این دارایی پایه، تعداد ۹ میلیون و ۲۹۷ هزار و ۷۸۶ قرارداد آتی زعفران نگین منعقد شد تا ارزش ۱۰۴ هزار و ۷۱۵ میلیارد و ۶ میلیون ریالی برای آن به ثبت برسد.

بازار مشتقه بورس کالای ایران در حالی همچنان در فراغ سکه طلا به سر می‌برد که معامله‌گران در مدت هفت ماهه امسال بیش از ۹/۵ میلیون قرارداد آتی را در این بازار منعقد کردند و ارزشی بالغ بر ۱۲۶ هزار و ۸۴ میلیارد و ۹۴۲ میلیون ریالی را به ثبت رساندند.

به گزارش پیام اقتصادی بورس کالا، از ابتدای سال ۹۹ تا پایان مهر ماه تعداد ۳۸۴ هزار و ۴۲۱ مشتری فعال در بازار مشتقه بورس کالای ایران در ۲۰ سررسید معاملاتی تعداد ۹ میلیون و ۵۵۳ هزار و ۷۷۴ قرارداد را برای تحویل در سررسیدهای آینده منعقد کردند.

در میان دارایی‌های پایه زعفران نگین مدال طلای حجم و ارزش معاملات بازار آتی را به گردن آویخت، به طوری که به ترتیب ۹۷ و ۸۳ درصد از حجم و ارزش کل معاملات قراردادهای آتی به سررسیدهای فعال این



۹۰ هزار و ۲۶۳ قرارداد نیز در پنج سررسید معاملاتی زعفران پوشال معمولی درجه یک منعقد شد که ارزش ۷۱۳ میلیارد و ۱۴۷ میلیون ریالی برای آن رقم خورد.

معامله‌گران تعداد ۶۳ هزار و ۱۶۶ قرارداد آتی پسته فندقی را نیز به ارزشی بیش از ۲۰ هزار و ۵۳۲ میلیارد و ۶۱۴ میلیون ریال منعقد کردند که این آمارها به ترتیب، سهم ۲ و ۱۶ درصدی در حجم و ارزش کل معاملات آتی را به خود اختصاص داد.

معامله‌گران همچنین در جریان معاملات هفت ماهه نخست امسال تعداد ۲۵۵۹ قرارداد آتی زیره سبز را به ارزشی بیش از ۱۲۴ میلیارد و ۱۱۹ میلیون ریال منعقد کردند.

کارنامه هفت دارایی پایه بازار گواهی سپرده کالایی در هفت ماه

معامله‌گران، بیش از ۶۸ میلیون ورقه بهادار
مبتنی بر کالا خرید و فروش کردند

سودابه کیوانفر | بازار ابزارهای مالی بورس کالای ایران در سال جاری شاهد حضور دو تازه‌وارد به جمع دارایی‌های پایه معاملات گواهی سپرده کالایی بود تا تعداد دارایی‌های پایه در این حوزه به عدد هفت برسد. به این ترتیب علاوه بر دارایی‌های سکه طلا، زعفران نگیں و پوشال، پسته فندقی ۳۲-۳۰ و زبره سبز که در سال‌های گذشته در این بازار پذیرفته شده بودند، طی سال جاری دو دارایی پایه پسته بادامی ۳۰-۲۸ و کشمش سبز قلمی نیز به فهرست محصولات قبلی اضافه شدند.

به گزارش پیام اقتصادی بورس کالا، نگاهی به آمارهای ثبت‌شده در معاملات هفت ماهه امسال حاکی از آن است که معامله‌گران از ابتدای سال جاری تا پایان مهر ماه ۶۸ میلیون و ۱۸۱ هزار و ۳۴۴ ورقه بهادار مبتنی بر کالا را به ارزشی بیش از ۴۹ هزار و ۸۴۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال دادوستد کردند.

میلیارد و ۱۵۷ میلیون ریال مورد معامله قرار دادند تا به این ترتیب، سهم زعفران نگیں از ارزش معاملات گواهی سپرده کالایی به هشت درصد نزدیک شود. حجم معاملات گواهی سپرده زعفران پوشال نیز به سه میلیون و ۱۶۸ هزار و ۴۱ گواهی رسید و ارزشی بالغ بر ۲۲۶ میلیارد و ۳۶۷ میلیون ریالی را در پی داشت. حجم و ارزش معاملات در نمادهای معاملاتی این دارایی پایه نیز به ترتیب کمتر از پنج و یک درصد از حجم و ارزش کل معاملات گواهی سپرده کالایی به ثبت رسید. در جریان معاملات هفت ماهه در این بازار، معامله‌گران تعداد ۶۰۴ هزار و ۸۰۵ گواهی سپرده پسته فندقی ۳۲-۳۰ را نیز خرید و فروش کردند تا ارزشی نزدیک به ۶۳۶ میلیارد و ۲۸۵ میلیون ریالی برای آن رقم بخورد. در تک نماد پسته بادامی ۳۰-۲۸ نیز که معاملات خود را برای اولین بار از ۱۵ مهر ماه آغاز کرده بود، ۳۶۹۰ گواهی به ارزش ۵/۷ میلیارد ریالی مورد معامله قرار گرفت.

بررسی آمارهای ثبت شده در این مدت نشان می‌دهد که گواهی سپرده سکه طلا با ثبت ارزش بیش از ۴۴ هزار و ۹۱۰ میلیارد و ۳۰۹ میلیون ریالی و حجم ۲۱ میلیون و ۲۹۵ هزار و ۷۷۰ ورقه بهادار مبتنی بر کالا بیشترین سهم را در ارزش کل معاملات این بخش رقم زده است. به طوری که سکه طلا در نماد معاملاتی چهار انبار بانک‌های سامان، ملت، رفاه و صادرات به تنهایی ۹۰ درصد ارزش کل معاملات گواهی سپرده کالایی را ثبت کرده است. سهم این دارایی پایه از حجم کل معاملات نیز به بیش از ۳۱ درصد در طول این هفت ماه رسیده است. زعفران نگیں نیز توانست از نظر حجم معاملاتی در صدر بازار قرار گیرد. به طوری که این دارایی پایه نزدیک به ۶۳ درصد از حجم کل معاملات این حوزه را به خود اختصاص داد. در نمادهای معاملاتی این دارایی پایه، معامله‌گران تا پایان مهر امسال تعداد ۴۲ میلیون و ۸۸۱ هزار و ۳۷۴ گواهی سپرده کالایی را به ارزش تقریبی ۳۹۷۱

یا وثیقه‌گیر، شرکت سپرده‌گذاری مرکزی پس از انجام فرآیند تسویه، وجوه مربوطه را به حساب کارگزار ناظر منظور می‌کند. کارگزار ناظر هم مکلف است وجه فروش را به حساب وثیقه‌گیر واریز کند. در بیان کارکردهای توثیق گواهی سپرده کلایی می‌توان از امکان اخذ تسهیلات بانکی به پشتوانه گواهی توثیق‌شده در شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه نام برد.

گواهی سپرده کلایی که به پشتوانه قبض «انبار پذیرفته شده» امکان معامله در بورس کالا را دارد، معرف میزان مشخصی از کالای سپرده شده در انبار است؛ تاکنون با پذیرش انبارهای تخصصی، گواهی سپرده انواع محصولات کشاورزی از قبیل زیره، زعفران، پسته و کشمش قابلیت معامله داشته‌اند. علاوه بر این با پذیرش خزانه چهار بانک رفاه، سامان، صادرات و ملت، امکان سپرده‌گذاری سکه بهار آزادی نیز فراهم شده و دادوستد آن در قالب گواهی سپرده کلایی در بین فعالان بازار سکه طلا تسهیل شده است.

اگر هدف از توثیق، اخذ تسهیلات بانکی باشد، توثیق گواهی سپرده کلای کشاورزی به دلیل تاریخ محدود معاملاتی آنها برای اخذ تسهیلات کوتاه‌مدت همچون سرمایه در گردش کاربرد دارد. این درحالی است که اعطای تسهیلات بلندمدت‌تر برای دارایی‌های پایه ماندگارتر مانند سکه طلا امکان‌پذیر است.

این گزارش می‌افزاید، اصلاحات انجام شده در دستورالعمل معاملاتی گواهی سپرده کلایی، «امکان» توثیق گواهی سپرده را در بازار سرمایه میسر کرده و اعطای هرگونه تسهیلات بانکی و مدیریت ریسک ناشی از آن با رعایت مقررات نظام بانکی و مطابق سیاست‌گذاری ناظر بازار پول خواهد بود.

حجم معاملات گواهی سپرده کلایی زیره سبز نیز در هفت ماهه امسال به ۲۲۴ هزار و ۴۷۵ ورقه بهادار مبتنی بر کالا رسید و ارزش نزدیک به ۹۴ میلیارد ریالی را در پی داشت. در تنها نماد فعال گواهی سپرده کشمش سبز قلمی انبار خلیل آباد شهرستان خلیل‌آباد که معاملاتش از ۵ مهر امسال در این بازار کلید خورد، ۳۱۸۹ گواهی سپرده به ارزش یک میلیارد و ۲۰۱ میلیون ریال ثبت شد.

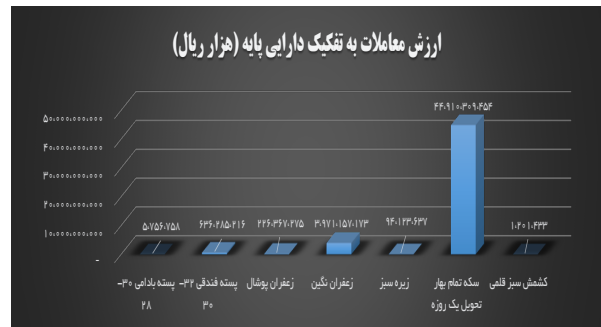
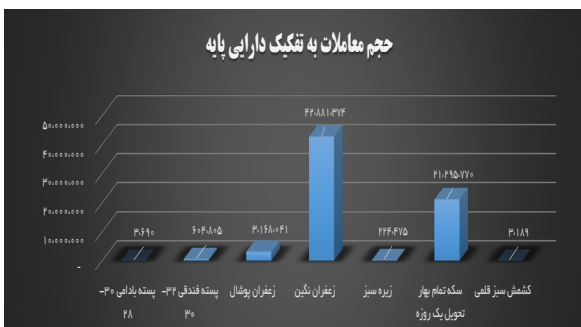
این گزارش می‌افزاید، ابزار گواهی سپرده کلایی در حالی این روزها در کنار سکه طلا، بیشتر در حوزه محصولات کشاورزی به کار گرفته شده و از سوی کشاورزان و باغداران مورد استقبال واقع شده است که فرایند توثیق گواهی سپرده کلایی نیز با اصلاح مواردی از دستورالعمل پذیرش انبار و صدور، معامله و تسویه گواهی سپرده کلایی در هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار عملیاتی شد.

طبق مفاد دستورالعمل پذیرش انبار و صدور، معامله و تسویه گواهی سپرده کلایی، وثیقه‌گذار به منظور توثیق گواهی سپرده کلایی پس از تکمیل فرم‌های مربوطه و وفق فرمت شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه نسبت به ارسال آن به شرکت مذکور اقدام می‌کند. وثیقه‌گیر می‌تواند با داشتن وکالتنامه رسمی متضمن اعطای اختیار توثیق گواهی سپرده کلایی مربوطه به نمایندگی از وثیقه‌گذار نسبت به تکمیل فرم‌های مذکور و ارسال آن به شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه اقدام کند.

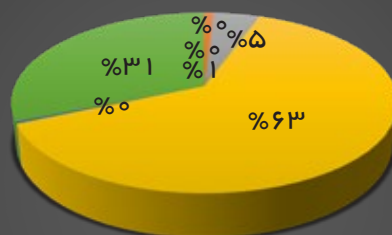
از تغییرات اعمال شده در دستورالعمل می‌توان به نقش‌دهی به کارگزار ناظر و امکان فروش گواهی توثیق شده علاوه بر وثیقه‌گیر، توسط وثیقه‌گذار نیز اشاره کرد، به نحوی که در صورت فروش گواهی سپرده کلایی توثیق‌شده توسط وثیقه‌گذار



در تنها نماد فعال گواهی سپرده کشمش سبز قلمی انبار خلیل آباد شهرستان خلیل‌آباد که معاملاتش از ۵ مهر امسال در این بازار کلید خورد، ۳۱۸۹ گواهی سپرده به ارزش یک میلیارد و ۲۰۱ میلیون ریال ثبت شد



سهم هر دارایی پایه از حجم کل معاملات



- پسته بادامی ۲۸-۳۰
- پسته فندقی ۳۰-۳۲
- زعفران پوشال
- زعفران نگین
- زیره سبز
- سکه تمام بهار تحویل یک روزه
- کشمش سبز قلمی

کاربردهای گواهی سپرده کالایی

مزایای گواهی سپرده کالایی

با استقرار نظام انبارداری و صدور گواهی سپرده کالایی: امکان نقدینه کردن کالاهای راکد به وجود می‌آید. هزینه‌های انبارداری و جابه‌جایی بین انبارها کاهش می‌یابد. فاصله زمانی بین تولید و مصرف کالا توسط تولیدکننده مدیریت می‌شود. به ثبات قیمت‌ها کمک می‌کند. تامین مالی تولیدکنندگان در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه انجام می‌شود. به استانداردسازی کالاها منجر می‌شود.

گواهی سپرده کالایی ورقه بهاداری است با قابلیت کاربرد به عنوان: پشتوانه دریافت تسهیلات از نظام بانکی تضمین به منظور انجام معامله در بورس کالا ابزار تحویل در قراردادهای آتی نشانگر وضعیت موجودی کالاها در انبارها برای سیاست‌گذاران

نگاهی به تجربه جهانی

اقدام قابل توجهی در این زمینه انجام نداده‌اند. همچنین براساس تجربیات جهانی، کاربرد قبوض انبار در تامین مالی، برای تمامی بخش‌های اقتصادی با اهمیت، اما برای بخش کشاورزی حیاتی است و از ابزارهای بسیار مهم تامین مالی کشاورزان به حساب می‌آید.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده توسط نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF)، فائو (FAO) و ... قبوض انبار از ابزارهای متداول تامین مالی در کشورهای توسعه‌یافته و حتی برخی کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آیند. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران،

بورگالا

نمای بازار



پیچک امید در عرضه بورسی کشمش

نگاهی از درون به «خلیل آباد»، قطب تولید انگور در شرق کشور

سیاوش ضرابی: باغداران شهرستان خلیل آباد در خراسان رضوی با تولید سالانه ۳۰ هزار تن کشمش سبز، حالا با ورود به بورس کالا، چشم‌انتظار روزهای خوب هستند. روزی که دیگر نگران پاس شدن چک تاجران و دلالت نباشند. روزی که با خیال راحت در خانه بنشینند و بعد از یک سال تلاش شبانه‌روزی برای به ثمر رسیدن انگورهای سبز، بدون نگرانی پول‌شان در حساب‌های بانکی‌شان باشد.

یکی از باغداران با خنده تعریف می‌کند: «آن قدر که برای سلامتی تاجران دعا می‌کردیم برای باغ و محصول دعا نکردیم. دعا برای اینکه سرما نخورند و تصادف نکنند و زنده بمانند تا چک‌های پرداختی به ما را پاس کنند.» با همه این دعاها اما در بهترین حالت باز هم «اغلب چک‌ها یک ماه بادخور دارد»، آنها خسته شده‌اند و بورس برای باغداران زحمتکش این شهرستان مانند نسیم خنکی است که از روی باغ‌های انگور می‌گذرد و بوی شیرین و تازه‌ای به همراه دارد.

شهرستان خلیل آباد در جنوب غربی استان خراسان رضوی، در حد فاصل شهرستان‌های کاشمر و بردسکن واقع شده است. شهرستانی کویری با بیش از ۵۰ هزار نفر جمعیت که بیشتر آنها باغدار و کشاورز هستند و شهرت این شهرستان به باغ‌های انگوری است که سالانه ۳۰ هزار تن کشمش روانه بازارهای ایران و کشورهای دیگر می‌کند. اقتصاد خلیل آباد بر باغبانی استوار است و در ۵۴۲۰ هکتار آن انگور پیکامی و عسگری کشت می‌شود. البته تنها محصول این شهرستان انگور نیست و پسته، انار و زعفران هم محصولات دیگر این خطه سرسبز اما کویری است.

در راه رسیدن به خلیل آباد، در دو طرف جاده تا چشم کار می‌کند دیوارهای گلی است که پشت آنها منظره سبز تاک‌ها و آبی آسمان مانند کارت‌پستالی دلربا چشم‌نوازی می‌کنند. قرمزی انارهای رسیده هم زیبایی را دوچندان کرده است. خورشید در ستیغ آسمان می‌درخشد و باد خنک پاییز بوی گس انگور را در شهر پخش می‌کند. در کوچه‌باغ‌های خلیل آباد، نکته‌ای که بیشتر از همه جلب توجه می‌کند، نیسان‌هایی پر از جعبه‌های کشمش است که با شتاب از سویی به سوی دیگر می‌روند.





در «مزرده» هرطرف سر بچرخانی پر از باغ است و خانه‌باغ‌هایی برای خشک کردن انگورها. باغداران اطراف انبار پرسه می‌زنند. یکی منتظر رسیدن بار و وزن‌کشی است و چند نفری هم مشغول خالی کردن بار از پشت وانت‌بارهایی که گوش‌تاگوش پر از جعبه‌های سه‌کیلویی کشمش هستند

در خلیل‌آباد راه‌اندازی کنیم تا کار کشاورز ما تسهیل و پذیرش محصول در انبار بورس زودتر انجام شود».

انبار ۱۰۰ تنی «مزرده»

به سمت انبار بورس در روستای «مزرده» می‌رویم. مکانی که با گنجایش اولیه ۱۰۰ تن، قرار است انباری برای پذیرش کشمش‌های سبزی باشد که در این شهرستان و به‌خصوص در روستای «مزرده» تولید می‌شود. در «مزرده» هرطرف سر بچرخانی پر از باغ است و خانه‌باغ‌هایی برای خشک کردن انگورها. باغداران اطراف انبار پرسه می‌زنند. یکی منتظر رسیدن بار و وزن‌کشی است و چند نفری هم مشغول خالی کردن بار از پشت وانت‌بارهایی که گوش‌تاگوش پر از جعبه‌های سه‌کیلویی کشمش هستند. یکی از آنها که محصولش در حال «سورت» شدن است، از مشکلات کار کردن با تاجرها می‌گوید. مردی است سالخورده با کلاهی کاموایی و لباسی که هنوز چند شاخه انگور به آن چسبیده: «کار کردن با تاجر، شانس است. بعضی‌ها خوب هستند و پول را به‌موقع می‌دهند و بعضی‌ها هم کلاهبردار از آب درمی‌آیند. همه در روستا به پست کلاهبردارها خورده‌اند.» او که هنوز آشنایی چندانی با بورس کالا و سازوکارهای آن ندارد، می‌گوید: «هنوز اطلاعات زیادی نداریم، اما شنیدیم چند تا از دوستان وارد شدند؛ حالا باید ببینیم چطور با آنها کار می‌کنند تا اگر تجربه موفق

نقطه عطفی برای خلیل‌آباد

با مدیر جهاد کشاورزی شهرستان خلیل‌آباد، در اتاق کارش ملاقات می‌کنم. او با لذت و اشتیاق از رتبه نخست شهرستانش در تولید انگور می‌گوید: «خلیل‌آباد به عنوان قطب تولید انگور شرق کشور مشهور است و در کشور هم جزو رتبه‌های بالای تولید و عملکرد هستیم.» محمود شبان، از تولید دو نوع کشمش سبز قلمی و طلائی در شهرستان تعریف می‌کند و از صادرات به کشورهای همسایه ایران مانند پاکستان، افغانستان، امارات و روسیه می‌گوید. موضوع اصلی صحبت اما حضور محصولات این شهرستان در بورس کالای ایران با محصولی که اولین بار است در بورس از آن رونمایی می‌شود: «کشمش خلیل‌آباد» که از پنجم مهر امسال بازارهای بزرگ‌تری را تجربه کرده است و خریداران را از سراسر کشور به شهد شیرین خود مهمان می‌کند.

شبان معتقد است با وجود ۱۲ هزار بهره‌بردار در حوزه تولید کشمش، ورود به بورس کالا می‌تواند نقطه عطفی در این شهرستان باشد. او می‌گوید: «پیش از این فروش کشمش به شکل سنتی انجام می‌شد و دلال یا واسطه از شهرهای مختلف وارد می‌شدند و پول کشمش را به صورت چکی و با تاریخ ۳ تا ۵ ماه بعد پرداخت می‌کردند و بعد از آن کشاورز نگران بود که آیا این مبلغ در حساب می‌آید یا نه.» مدیر جهاد کشاورزی از جلسات و رایزنی‌ها با بورس کالا و مسئولان مربوطه برای ورود به بورس کالا حکایت‌ها دارد؛ از بارها رفت‌وآمد از خلیل‌آباد تا تهران و حضور مسئولان در شهرستان برای برآوردهای مالی و آماده‌سازی مقدمات اداری لازم: «جلسات یک سال طول کشید، تا پنج مهر امسال که معاملات شروع شد و خوشبختانه در همان گام‌های اولیه هم خروجی خوبی داشته است.»

دست‌اندازه‌های کشمش بوری

البته این تازه شروع راه است و شبان از ملزومات و دشواری‌های مسیر هم می‌گوید؛ از آموزش باغداران برای آشنایی بیشتر با این بستر خرید و فروش و تسهیلاتی برای پذیرش پرسرعت‌تر کشمش در بورس: «اولین بار است این اتفاق افتاده و طبیعی است که هنوز بخشی از باغداران و کشاورزان آمادگی و شناخت لازم برای پذیرش عرضه بوری را نداشته باشند. البته راهکار آن مشخص است؛ اینکه ما دوره‌های آموزشی را با کمک دوستان بورس کالا و خود مدیریت انبار بورس کشمش برگزار کنیم که قاعدتاً این روند اندکی زمان‌بر خواهد بود.» نکته دیگری که او به آن اشاره می‌کند نبود آزمایشگاه همکار شهرستان برای سرعت بخشیدن به روند کنترل کیفیت کشمش است: «نمونه‌ها باید به مرکز استان ارسال شوند و این یعنی زمان‌بر شدن عرضه بوری. ما در حال پیگیری هستیم و امیدواریم مسئولان نیز همکاری کنند تا مجوز یک آزمایشگاه همکار را

بود ما هم بورسی شویم.» او هم مانند اکثر ساکنان این روستا، آبا و اجدادی در کار باغ انگور و کشمش است.

۲ بورس قیمت را واقعی می کند

همین طور که مشغول حرف زدن هستیم، وانتبار دیگری از راه می رسد و مرد جوانی با ماسک روی صورت از آن پیاده می شود؛ او یکی از کسانی است که می خواهد برای اولین بار محصول خود را وارد بورس کند. وی به واسطه یکی از هم محلی هایش که برای او از مزایای حضور در بورس گفته، پذیرفته که وارد معاملات بورس شود. او می گوید: «راستش وقتی دیدم قیمت کشمش نسبت به تورم عقب افتاده، به فکر افتادم راه تازه ای انتخاب کنم.» او با حوصله درباره تورم هم توضیح می دهد: «پارسال کرایه همین نیشان از باغ تا اینجا ۵۰ هزار تومان بود اما الان شده ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار تومان. این کارتن ها را می بینی؟ قیمتش قبلا ۵۰۰ تومان بود و الان شده ۱۴۰۰ تومان. از سم و کود هم دیگر نگویم؛ از آن طرف، سم تقبل می وارد بازار شده و از طرف دیگر، قیمت سم را هر روز بالا می برند. پارسال یک لیتر سم را می خریدیم به ۴۷ هزار تومان، الان شده ۱۵۰ هزار تومان.» او معتقد است کار آنها پردردسر اما کم بازده است اما امید دارد کشمش در بورس به قیمت واقعی خود فروخته شود تا بخشی از زحمات زیادشان جبران شود.

البته فهرست مشکلات تولید کشمش به اینجا ختم نمی شود و برداشت سریع محصول قبل از خراب شدن هم شرط است که آن هم با بالا رفتن دستمزد کارگران فصلی که از شهرپور تا مهر راهی خلیل آباد می شوند، کار راحتی نیست. مرد جوان ادامه می دهد: «اینجا چون باغ زیاد است و کار هم فراوان، باید کارگر را سریع به باغ برسانیم.» او امیدوار است با ۵ تن کشمش که قرار است در انبار پذیرش شود، دیگر تجربه تلخ سال ۹۲ تکرار نشود؛ همان سالی که محصول کشمش خود را ۸ میلیون تومان به تاجری فروخت اما هنوز هم نتوانسته پولش را کامل از او بگیرد: «آن ۸ میلیون را امسال اگر کامل بگیرم با این تورم به چه کارم می آید؟ ولی اگر از بورس جواب بگیرم، خاندان و دوستانم را می آورم تا از این طریق فروش مطمئنی داشته باشیم.»

۲ ۱۰۰ هزار تومان «مزده»، ۳۶۰ هزار تومان اوکراین

بوی گس انگور در انبار پیچیده است. کارتن ها تا چند متر روی هم چیده شده و دستگاه «سورتینگ» بزرگی که عرض انبار را پر کرده، مشغول کار و تمیز کردن کشمش هاست. کشاورزان هم در داخل محوطه گشت می زنند و درباره

کیفیت محصول شان صحبت می کنند. لابد محصول خود را با دیگران مقایسه می کنند. یکی از آنها که بادقت تر از بقیه بالای بارها می رود، از گرفتاری های کار با تاجران می گوید: «درد مشترک همه در اینجا برگشت پول است. یکی هم که پول نقد می دهد، توی سر مال می زند. فکر می کنند چون نقد است می توانند جعبه سه کیلویی را ۸۵ هزار تومان هم بخرند. آن یکی هم که چکی کار می کند معلوم نیست جای چک را پر می کند یا نه. شاید حضور در بورس باعث می شود بین تاجران و بورس رقابت ایجاد شود و نفع این رقابت نصیب کشاورز شود.» او که به واسطه یکی از دوستانش مطلع شده کشمش خلیل آباد را در اوکراین کیلویی ۱۲۰ هزار تومان می فروشند، حسابی شاکه است از اینکه اینجا سه کیلو کشمش اش را ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تومان از او می خرند: «همه گرفتاری و شب خوابی در باغ از ترس دزد مال ماست و سودش به جیب دیگران می رود.»

۲ واسطه ها حذف شدند

بخشی از انبار را که به بورس تعلق دارد بسته اند. پرهیزکار، رئیس انبار بورس، استارت کار را خوب توصیف می کند، اما مشکل عمده را توجیه نبودن باغداران می داند. علی رضا نعمتی هم که انباردار و مسئول پذیرش است، از استقبال باغداران می گوید و البته نیاز به آموزش آنان درباره معاملات بورس را نیز یادآور می شود. او یکی از مسائلی را که مربوط به کمبود آموزش است، اشتباه گرفتن بورس کالا با بورس اوراق بهادار از طرف کشاورزان می داند. نعمتی مهم ترین دستاورد وارد شدن کشمش سبز خلیل آباد به بورس کالا را حذف واسطه ها و دلالان و روبه رو شدن کشاورزان با خریداران واقعی می داند: «اگر تا سال پیش با چند تاجر و دلال روبه رو بودند، حالا یک بازار ۸۰ میلیونی دارند که در آن دیگر دغدغه برگشت پول وجود ندارد و مبلغ در عرض ۲۴ ساعت به حساب آنان می آید. می توانند به قیمت دلخواه بفروشند و از مزایای دیگر این است که به جای سه کیلویی فروختن، کشمش در بورس به صورت کیلویی قیمت گذاری می شود.»

نعمتی یکی از کسانی است که برای ایجاد زیرساخت بورس در خلیل آباد فعال و هم زمان تاجر نیز هست و با توجه به بومی بودن، باغداران حساب ویژه ای روی او باز می کنند. او از جلسات متعدد با مسئولان بورس کالا می گوید که از سال پیش شروع شد و امسال به نتیجه رسید: «از ۵ مهر امسال کار کلید خورد و ورودی اول ۲ یا ۳ نفر بودند، اما آخرین باری که دیدم، تقریباً ۴۲ نفر در بورس محصول داشتند که در این مدت کوتاه، اتفاق و رقم خوبی است.»

که حضور در بورس باعث می‌شود خود او که باغدار است هم سود بیشتری نصیبش شود و فروختن کشمش با قیمت واقعی باعث خواهد شد که دیگر نیازی به این سود اندک واسطه‌گری نداشته باشد. سری تکان می‌دهد و چیزی نمی‌گوید، درست مثل چند نفری که اطراف‌مان ایستاده‌اند و البته مشخص است که به فکر فرو رفته‌اند. یکی از آنان پس از دقایقی می‌گوید: «ما اینجا ۲۰ هزار تن تولید داریم و شاید به این زودی همه این ۲۰ هزار تن وارد بورس نشود و بتوانیم کار کنیم.» آنها بورس را رقیب خود می‌بینند اما کورسوی امیدی دارند که بورس فعلا نتواند کل بازار را جذب خود کند و نان این واسطه‌ها هنوز «آجر» نمی‌شود.

کم‌کم چند نفری جمع می‌شوند. یکی از آنها که چند مغازه بالاتر دارد و تقریباً ۲۰ سال یکی از کارهایش واسطه‌گری است، به نظر اطلاعات بیشتری دارد و می‌گوید: «ما اینجا خرده‌پا هستیم و اگر کشمش با قیمت واقعی در بورس به فروش برسد، برای ما که باغدار هم هستیم، اتفاق خوبی است و با سود بورس شاید بشود ضرر این کار را جبران کنیم؛ کیلویی ۵۰۰ تومان که پولی نیست».

هنوز هم می‌شود در کوچه‌باغ‌های باصفای «مزده» خانه‌باغ‌ها یا بارگاه‌های بهداشتی خشک کردن انگور را دید که پر از کشمش‌های آویزان از سیم است. خانه‌باغ‌ها با معماری خاص و مشبک خود باد را به داخل این سوله‌های بزرگ به تن انگور می‌رسانند تا زودتر خشک و راهی بازار شود. بازاری ۸۰ میلیونی که قرار است بیش از پیش کشمش سبز این خطه را بشناسد و طعم و عطر بی‌نظیر آن را در سفره‌ها یا کنار فنجان چای خود حس کند؛ آرزویی که یکی از باغداران از آن صحبت می‌کند: «دلما می‌خواهد همه کشور به جای قند از کشمش سبز استفاده کنند».

«ما اینجا ۲۰ هزار تن تولید داریم و شاید به این زودی همه این ۲۰ هزار تن وارد بورس نشود و بتوانیم کار کنیم.» آنها بورس را رقیب خود می‌بینند اما کورسوی امیدی دارند که بورس فعلا نتواند کل بازار را جذب خود کند و نان این واسطه‌ها هنوز «آجر» نمی‌شود

محصولی که استاندارد می‌شود

نعمتی معتقد است پتانسیل شهرستان در سال‌های گذشته نادیده گرفته شده و ورود به بورس کالا می‌تواند اتفاقات خوبی را رقم بزند: «یکی از مهم‌ترین اتفاقات، ایجاد استاندارد برای کالا است. الان باغداران ما برای ورود به بورس نمونه محصول‌شان به مرکز کنترل کیفیت می‌فرستند و از آنجا تاییدیه می‌گیرند. برای باغداران خوب است که محصول استاندارد داشته باشند. اتفاق خوب دیگر از بین رفتن دغدغه برگشت پول است و پایان نگرانی برای آنهایی که چشم‌انتظار پر شدن چک صادر شده تاجران بودند. مزیت بعدی اینکه کشاورز دیگر مجبور نیست خستگی و خطر سفر به استان‌های دیگر برای فروش را تحمل کند، در محل خود می‌ماند و «آنلاین» پول می‌گیرد و به این ترتیب سرمایه در استان باقی می‌ماند. این ماندن سرمایه تبعات خوبی دارد و باعث می‌شود باغدار به فکر بالا بردن کیفیت کار خود بیفتد.» نعمتی معتقد است حتی برای خریداران محصول یعنی تاجرهای و مصرف‌کنندگان هم حضور در بورس اتفاق خوبی است زیرا با بالا رفتن استاندارد و شناسنامه‌دار شدن کالا، کشمش خلیل‌آباد مرجعی مناسب برای خرید کالای باکیفیت خواهد شد.

تلاش شایعه‌سازان

یکی از نکاتی که ذهن باغداران را مشغول کرده حرف‌ها و شایعه‌هایی است که در شهر می‌پیچد و باعث تشویش و اضطراب برای ورود به بورس می‌شود. البته این موضوع غیرعادی نیست و مقاومت بخشی از اهالی در قبال این شیوه تازه معامله دور از انتظار نیست. بخشی از رواج‌دهندگان شایعه‌های ضدبورسی برخی واسطه‌هایی هستند که انگور را از باغدار می‌خرند و به تاجران می‌فروشند و البته روی هر کیلو کشمش، حدود ۵۰۰ تومان سود می‌گیرند. خیابانی که روستای «مزده» را به خلیل‌آباد متصل می‌کند پر از این مغازه‌های کوچک و بزرگ است که روی آنها نوشته «انگور و گله خریداریم». گله، همان ضایعات انگور است که مصارف صنعتی و خوراک دام دارد. به اولین مغازه که می‌رسم، مرد صاحب‌انبار مثل همه اهالی این اطراف خودش را باغدار معرفی می‌کند. او که ۲ هکتار زمین دارد، واسطه فروش نیز هست: «تاجرانی که از بیرون با ما کار می‌کنند در واقع ما را می‌شناسند، باغدار هم ما را می‌شناسد و این باعث اطمینان دو طرف می‌شود.»

دلان نگران شده‌اند

او که ۱۸ سال است در کنار باغداری واسطه‌گری هم می‌کند، برنسدازی و بورس را به ضرر خود می‌داند، اما نمی‌خواهد زیاد درباره موضوع صحبت کند. برای او توضیح می‌دهم





قانون ۵۸ ساله انبارداری چشم به راه غبارزدایی مروری بر کاستی‌های نظام انبارداری در ایران و تجربه‌های موفق جهان

شناخت فضای نظام انبارداری در جهان، ضرورت و پیش‌نیاز تدوین هر پیش‌نویس جامع و یکپارچه‌ای در زمینه انبارداری است زیرا چنین شناختی، امکان طراحی و توسعه نظام کارآمد و بهینه انبارداری در کشور را فراهم می‌آورد. همچنین تجربه‌ها و ظرفیت‌های بورس کالای ایران در زمینه انبارداری و سیستم قبض انبار نیز به نوبه خود، فرصتی برای ایجاد نظام یکپارچه انبارداری و به‌روزرسانی قانون انبار به شمار می‌رود.



در بازار با توجه به بهبود استانداردهای کالا می‌شود. همچنین این سیستم می‌تواند کیفیت محصولات را از طریق تعیین استانداردهای کیفیت، بهبود ذخیره‌سازی و حمل‌ونقل و نظارت بر انطباق مشخصات قبض انبار با کالای موجود در انبار بهبود بخشد.

برای دستیابی به این مزایا، سیستم انبارداری و قبض انبار باید در چارچوب قانونی طراحی شده باشد. قانون می‌تواند باعث تقویت و هماهنگی سیستم شود و یکپارچگی و شفافیت سیستم را به همراه آورد. همچنین وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای ایجاد محیطی سیاستی قابل پیش‌بینی در بازار، ضروری است. به طور کلی قانون به منظور رسیدن به یک یا چند هدف سیاستی عمل می‌کند. برای تقویت یکپارچگی بخش انبارداری، کشور می‌تواند بر کسانی که خدمات انبار ارائه می‌دهند و قبض انبار صادر می‌کنند، نظارت کند که این امر از طریق ایجاد یک روند صدور مجوز اجباری برای انبارها و ارائه نظارت و بازرسی بر آنها به دست می‌آید. برای اطمینان بیشتر به یکپارچگی سیستم قبض انبار، تعیین مجازات برای نقض مقررات قبض انبار مهم است. تدوین واضح و روشن جرائم و مجازات که تنها می‌تواند در قانون تعیین شود، مانع از نقض حقوق و منافع شرکت‌کنندگان در سیستم قبض انبار است. اثر بازدارندگی جریمه‌ها زمانی افزایش می‌یابد که نه تنها قانون جزا بلکه قانون حاکم بر سیستم قبض انبار نیز این مجازات‌ها را تدوین کرده باشند. قوانین و روش‌های رسیدگی و اولویت‌بندی

تجارب کشورها در حوزه قانون انبارداری و سیستم قبض انبار

با توجه به مطالعات انجام‌شده در زمینه سیستم انبارداری و قبض انبار کشورهای پیشرو در این حوزه می‌توان گفت قبض انبار از ابزارهای متداول تامین مالی در کشورهای مورد بررسی بوده است؛ با توجه به تجربه موفق کشورهای بررسی شده در گزارش فائو که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد، بحث قبض انبار در اکثر کشورهای دنیا به صورت قانون ملی تصویب شده و نهاد نظارتی و اجرایی در این زمینه وزارت کشاورزی یا وزارت صنعت بوده است. علاوه بر این، قانون تمام الزامات صدور مجوز انبار، قبض انبار، بررسی انطباق انبارها با الزامات تعیین‌شده، وظایف گردانندگان انبار و دارندگان قبض انبار، نحوه معاملات قبض انبار و تعیین مجازات تخطی از وظایف انبار را به تفصیل بیان کرده است.

سیستم انبارداری جامع و یکپارچه می‌تواند مزایای زیادی برای همه طرف‌های ذی‌نفع از جمله تولیدکنندگان، تجار، تسهیلات‌دهندگان و به طور کلی انبارها به همراه داشته باشد. مزایا ممکن است از کشوری به کشور دیگر، بسته به شرایط متفاوت باشد اما یکی از مزایای مهم، تسهیل دسترسی به اعتبارات است. تولیدکننده می‌تواند قبض انبار را به عنوان وثیقه اعتبارات کوتاه‌مدت برای تامین مالی سرمایه‌گذاری خود به کار گیرد. سیستم انبارداری جامع و یکپارچه موجب کاهش هزینه‌های معاملاتی

اهمیت محصول یا بخش، محدودیت زیرساخت‌های انبار، هزینه‌های اداری و سازمانی و بازرسی تعیین شود اما آنچه به طور کلی در رویکرد قبض انبار در نظر گرفته می‌شود این است که زمانی می‌توان کالاها را در تمام بخش‌های اقتصادی تحت این قانون قرار داد که در کشور چارچوب قانونی بلندمدت برای این مساله در نظر داشته باشیم.

نکته مهم دیگری که در ایجاد یک نظام هماهنگ انبارداری در کشور باید در نظر گرفت، بحث مدیریت است. به این معنا که برای اجرای موثر این قانون، باید ساختار نهادی تعیین شود. بنابراین، برای پیاده‌سازی این کار، باید حکم اجرا و نظارت به مقامات دارای قدرت کافی از جمله وزارتخانه‌ها داده شود. همان‌طور که در بخش قبل (تجربه کشورهای جهان) اشاره شد در صورتی که نهادهای دولتی منابع لازم را ندارند، می‌توان نهادهای بخش خصوصی مثل اتحادیه‌های صنفی را برای انجام وظیفه نظارت بر انبارها یا کارهای دیگر تحت نظارت مرجع ناظر در نظر گرفت.

انبارها علاوه بر تعهدات انبار در رابطه با صدور مجوز، ملزم به رعایت الزامات نظارتی و اجرایی هستند که در قانون انبار این موارد نیز باید مشخص شوند. از جمله این موارد می‌توان به نگهداری اسناد، سوابق و گزارش‌ها به صورت کاغذی و الکترونیکی به‌منظور به حداقل رساندن جعل سند اشاره کرد. این اسناد باید شامل تاریخ، مقدار، جزئیات کالا، شماره سریال، کمیت و کیفیت محصول و ... باشد.

از دیگر الزامات نظارتی و اجرایی این است که در قانون به صراحت مشخص شود که انباردار مجاز به خرید یا فروش از نوع محصولات موجود در انبار است یا خیر؟ همچنین در صورت مجاز بودن عملیات خرید و فروش محصولات از نوع

انبار، امکان تقلب و ریسک قادر نبودن انباردار به ارائه محصول در تاریخ سررسید و ترخیص کالا وجود دارد. بر همین اساس، این مورد در قانون باید با ظرافت خاصی بررسی و با توجه به شرایط موجود در کشور تعیین شود. باید توجه داشت بررسی انطباق تعهدات انبار با صدور مجوز و الزامات اجرایی پس از آن نیازمند نهادی برای بازرسی است. بازرسی انبار باعث تقویت اعتماد امانت‌گذار،

دعاوی حقوقی تنها در قانون تعیین می‌شود. کشوری نیز ممکن است به دنبال افزایش مبادله‌پذیری و عمق بازار قبض انبار باشد که این امر وابسته به شفافیت فرآیندهای صدور و تجارت قبض انبارهاست. برای تقویت این سطوح، قانون فرآیند اجباری ثبت قبض انبار را معرفی می‌کند. علاوه بر این، وضعیت حقوقی روشن، الزامات اجباری فرم و محتوا و قوانین مبادله و انتقال قبض انبار را برای عرضه آن در بازار مشخص می‌کند. قانون می‌تواند شرایط را به گونه‌ای فراهم کند که قبض انبار الکترونیکی معادل قبض کاغذی به رسمیت شناخته شود که به نوبه خود می‌تواند تجارت را تسهیل کند و هزینه‌های انتقال را کاهش دهد. یکی دیگر از اهداف سیاستی، تسهیل تجارت منطقه‌ای است. این امر از طریق هماهنگ کردن سیستم قبض انبار در میان کشورها انجام می‌شود. به عنوان مثال، با

استانداردهای هماهنگ‌شده کالا، کالاها را می‌توان بر اساس مشخصات‌شان معامله کرد. کشورها ممکن است به‌منظور مرتفع کردن برخی ضعف‌ها و کاستی‌ها به تجدیدنظر قوانین ملی مربوط به تامین مالی قبض انبار بپردازند. به عنوان مثال در صورتی که عملکرد انبار به اندازه کافی قابل اعتماد نباشد ممکن است وام‌دهندگان از اعطای اعتبارات در برابر قبض انبار خودداری کنند. اصلاحات قانونی می‌تواند شامل تضمین عملکرد قوی‌تر، مانند معرفی یک صندوق ضمانت اجباری باشد.

مورد آخر اینکه ممکن است در قوانین بالادستی کشور مواردی باشد که بر تامین مالی از طریق سیستم قبض انبار تاثیرگذار باشد. به عنوان مثال قوانین مرتبط با اسناد تعهدآور، وثیقه‌ها، حقوق مالکیت و رویه‌های لازم‌الاجرا و... که ممکن است موجب ایجاد تناقض یا نبود قطعیت

درباره قوانین موثر بر قبض انبار شود و کاربران بالقوه و به‌ویژه سرمایه‌گذاران را از پذیرش قبض انبار دلسرد کند. قانون خاص حاکم بر سیستم قبض انبار می‌تواند این مقررات را هماهنگ و با ایجاد اطمینان از نبود قطعیت‌ها اجتناب کند.

اولین بخش در طراحی قانون قبض انبار، دامنه کاربرد این قانون است. دامنه محصولات ممکن است بر اساس



آنچه به طور کلی در رویکرد قبض انبار در نظر گرفته می‌شود این است که زمانی می‌توان کالاها را در تمام بخش‌های اقتصادی تحت این قانون قرار داد که در کشور چارچوب قانونی بلندمدت برای این مساله در نظر داشته باشیم

تسهیلات‌دهندگان و خریداران می‌شود و این امر افزایش رقابت بین انبارها را در ارائه خدمات در پی خواهد داشت که البته این امر نیز مستلزم قانون‌گذاری است.

یکی دیگر از الزامات صدور مجوز انبار، تضامین عملکرد شامل بیمه، وثیقه، اعتبارنامه یا حتی عضویت در صندوق ضمانت است. در قانون باید به صراحت مشخص شود که چه میزان بیمه یا وثیقه برای تامین شرایط کسب مجوز لازم است. قطعاً این از مواردی است که باید با دقت خاصی تعیین شود تا ریسک ناشی از نکول انباردار را بتوان از این طریق جبران کرد. با آغاز فعالیت انبار، حقوق و تعهداتی برای گردانندگان انبار و امانت‌گذاران محصول در انبار تعیین می‌شود. این تعهدها شامل تعهدات اولیه، جانبی و تخصیص ریسک عملکرد است. تعهد اولیه انبار، نگهداری کالا و تعهد اولیه امانت‌گذار، پرداخت هزینه‌های ذخیره‌سازی به انبار است.

از تعهدات جانبی انباردار در پذیرش کالای امانت‌گذار این است که باید قانون عدم تبعیض را رعایت کند و از هر امانت‌گذار کالا دریافت کند؛ مگر اینکه کالا در فهرست پذیرش انبار نباشد، پذیرش آن به سایر کالاهای انبار آسیب برساند یا اینکه ظرفیت کافی در انبار موجود نباشد. در ضمن انباردار باید حداکثر سطح مراقبت از محصولات انبار را انجام دهد و هرگونه مسئولیت خسارت ناشی از رعایت نکردن وظایف مراقبت، سرقت و اختلاس با وی خواهد بود. در رابطه با ترکیب کالاها، قانون باید مقررات

ذخیره‌سازی را به طور کامل شرح دهد. در این امر باید رضایت‌دارندگان محصول و قوانین خاص آمیختن کالاها در نظر گرفته شود.

در رابطه با تخصیص ریسک، تعیین طرفی که مسئولیت خسارت واردشده به محصول را ناشی از عوامل طبیعی و غیرقابل پیش‌بینی به عهده می‌گیرد، مهم است. در اکثر کشورهای دنیا این خسارت بر عهده دارنده محصول و انباردار از مسئولیت ناشی از موارد غیرمترقبه معاف است. در خصوص قبوض قابل مبادله و غیرقابل مبادله نیز هنگامی که یک قبض انبار برای تحویل‌دهنده کالا صادر می‌شود، وی ممکن است تمایل داشته باشد با فروش قبض، حقوق خود نسبت به کالای ذخیره‌شده را واگذار کند یا برای به دست آوردن وام، قبض را وثیقه قرار دهد. به طور کلی، تنها در صورتی که عنوان قابل مبادله برای قبض ذکر شده باشد، قبض انبار قابل معامله است و پشت‌نویسی قبض غیر قابل مبادله، هیچگونه حقی برای دارنده ایجاد نمی‌کند. اما با توجه به نظام حقوقی یک کشور، به طور معمول هر دو قبض انبار (قابل مبادله و غیر قابل مبادله) می‌تواند به عنوان وثیقه استفاده شود. سازوکار مبادله و انتقال قبض در بازار ثانویه باید در قانون مشخص شده باشد، چه در قانون خاص قبض انبار و چه در چارچوب قانون کلی مبادله و پشت‌نویسی اسناد مالکیت.

یک تمایز مهم میان چگونگی انتقال قبض تک‌قسمتی و دو قسمتی در سیستم وجود دارد. در سیستم قبض انبار دو

جدول ۳. تجارب کشورها در حوزه قانون انبارداری و سیستم قبض انبار

ردیف	کشور	قوانین کلیدی	دامنه شمول	متولی	تضامین	قبض انبار	جزایم و مجازات
۱	آرژانتین	قانون گواهی سپرده کالایی (قانون ۹۶۴۳ قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۴)	میوه‌ها، محصولات کشاورزی، دامی، جنگلداری و معدنی، تولیدات داخلی سپرده در انبار	وزارت کشاورزی، دام و شیلات که از سال ۱۹۹۵ به اجرا و نظارت می‌پردازد.	تضمین اجباری، که حداکثر ۱۰ درصد از سرمایه انبار به عنوان وثیقه به وزارت کشاورزی سپرده شود.	استفاده از برگه قبض انبار دو قسمتی شامل: قبض انبار که بیانگر مالکیت محصولات سپرده شده است و گواهی سپرده کالا که بیانگر حق توثیق آن محصولات است.	لغو مجوز، جریمه و حبس
۲	برزیل	قانون انبارداری ۹۹۷۳ از ۲۹ می ۲۰۰۰؛ قانون ۱۱۰۷۶ انبارداری از ۳۰ دسامبر ۲۰۰۴	محصولات کشاورزی، مشتقات و محصولات زیربخش‌ها	وزارت ملی کشاورزی، دام و تامین مواد و بانک مرکزی	گردانندگان انبار ملزم به بیمه کردن محصولات ذخیره شده در انبار هستند.	استفاده از قبض دو قسمتی شامل: قبض انبار که بیانگر مالکیت محصولات سپرده شده و گواهی سپرده کشاورزی که بیانگر حق رهن بر روی محصولات نامبرده است، می‌باشد.	ابطال مجوز، جریمه و حبس
۳	فرانسه	مقررات مربوط به قانون تجارت و قانون روستا و شیلات	مواد اولیه، مواد غذایی یا محصولات تولید شده	بخشدار محلی و بازرس کل صنعت و تجارت	گردانندگان انبار ملزم به ارائه تضمین به شکل پول، پرداخت سالیانه، اوراق بهادار در بازارهای تحت نظارت یا وام در مقداری که دو برابر مبلغ ضمانت ارزش داشته باشد هستند که این امر نیز می‌تواند از طریق موسسات اعتباری مجاز یا موسسات مالی فراهم شود.	استفاده از قبض دو قسمتی شامل: قبض انبار که عنوان مالک و حامل را در بردارد و گواهی سپرده کشاورزی که بیانگر حق رهن بر روی کالا برای دارنده آن است.	ابطال مجوز، جریمه و حبس

نام‌برده تحویل می‌دهد» تعریف شده است. قبض غیر قابل مبادله نیز یک قبض انبار صادر شده به نام حامل یا به نام فرد مشخص است که عبارت غیر قابل مبادله بر روی آن ثبت شده.

کشورها با شرایط گوناگون، دسترسی به اعتبارات کشاورزی را از طریق معرفی قوانین برای سیستم قبض انبار تسهیل کرده‌اند. ایجاد مقررات موثر برای استفاده گسترده از قبض انبار امری ضروری به شمار می‌رود و تلاش‌های قانونی در سراسر دنیا در این زمینه به ایجاد یا اصلاح قانون سیستم‌های قبض انبار منجر شده است.

این پژوهش به ۱۰ عنصر اصلی و کلیدی قانون قبض انبار پرداخته است. در حالی که رویکرد تنظیم هر یک از این اجزا در میان کشورها متفاوت است، هدف اساسی، حمایت از حقوق همه طرف‌های ذی‌نفع در سیستم قبض انبار و تسهیل استفاده گسترده از سیستم و تحقق منافع بالقوه مرتبط از جمله افزایش دسترسی به اعتبارات است.

اما فراتر از هدف مشترک تسهیل دسترسی به اعتبارات، اهداف متنوع دیگری نیز در راستای بررسی، اصلاح یا معرفی سیستم قبض انبار وجود دارد. اغلب قوانین قبض انبار به منظور آزادسازی بازار در راستای تحریک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشاورزی معرفی شدند. بسته به سنت حقوقی یک کشور، شکل قانون قبض انبار و میزان جزئیات آن متفاوت است. به عنوان مثال، قانون می‌تواند به شکلی خاص و بسیار دقیق یا به

قسمتی، امکان معامله جداگانه دو قسمت قبض انبار (از طریق پشت‌نویسی) فراهم است (مانند سیستم قبض انبار فرانسه). با توجه به قانون تجارت فرانسه، پشت‌نویسی گواهی توثیق جدا شده از قبض انبار به منزله وثیقه کلایی است. پشت‌نویسی قسمت اول قبض انبار حقوق مالکیت مرتبط با کالاهای سپرده‌شده را منتقل می‌کند. اگر قبض انبار، بدون گواهی توثیق انتقال یابد، دریافت‌کننده مسئول پرداخت بدهی تضمین‌شده توسط گواهی توثیق است یا باید اجازه دهد بدهی از درآمد حاصل از فروش کالا تسویه شود. هنگامی که دو بخش به طور جداگانه می‌توانند به گردش درآیند، وضع قوانین معمولاً مستلزم آن است که حداقلی از اطلاعات در هر دو بخش قبض ثبت یا در صورت وجود، ثبت الکترونیکی شود. این الزامات اطلاعاتی برای اطلاع سرمایه‌گذاران بالقوه و دیگر تحویل‌گیرندگان از حقوق و تعهدهای در حال انتقال طراحی شده است. در سیستم‌های قبض تکی، یک تمایز اساسی بین قبض قابل مبادله و غیر قابل مبادله وجود دارد. اکثر سیستم‌های قبض تکی برای هر دو نوع قبض (قابل مبادله و غیر قابل مبادله) قابل استفاده است؛ مانند سیستم‌های موجود در کشورهای ترکیه، اوگاندا، هند، تانزانیا، فیلیپین و ایالات متحده آمریکا. به عنوان مثال قانون مختص قبض انبار در اوگاندا، هر دو قبض قابل مبادله و غیر قابل مبادله را در نظر گرفته است. قبض قابل مبادله به عنوان «قبض انباری که در آن اظهار شده است که کالا را به حامل یا شخص

ردیف	کشور	قوانین کلیدی	دامنه شمول	متولی	تضمین	قبض انبار	جرایم و مجازات
۴	قزاقستان	قانون غلات ژانویه ۲۰۰۱ و مفاد بالادستی در قانون اساسی	دانه ها شامل غلات، حبوبات، دانه های روغنی برای مواد غذایی، بذر، خوراک و اهداف صنعتی	وزارت کشاورزی	ضروری است که انبارها به عضویت صندوق ضمانت درآیند یا اینکه بیمه خصوصی برای تضمین تعهداتشان ارائه دهند.	استفاده از قبض انبار دو قسمتی متشکل از: رسید انبار و گواهی سپرده کالا	ابطال مجوز، جریمه و حبس
۵	هند	قانون انبارداری (توسعه و مقررات) شماره ۳۷ سال ۲۰۰۷	تمام محصولات ملموس قابل حمل، قابل مبادله و غیرقابل مبادله که تمرکز اصلی بر روی محصولات کشاورزی است.	موسسه توسعه مقررات انبارداری که بر قبض انبارها و انبارها نظارت می کند.	در قانون هیچ تمهیدی برای تضمین اجرایی قرار داده نشده است.	قبض انبار قابل مبادله و غیرقابل مبادله به فرم کاغذی و الکترونیکی برای محصولات	جریمه و حبس
۶	اندونزی	قانون شماره ۹ سال ۲۰۰۶ در زمینه قبض انبار (اصلاح شده در سال ۲۰۱۱)	هر نوع کلای قابل حمل که می تواند به مدت سه سال یا بیشتر ذخیره و معامله شود.	نهادی تحت نظارت وزارت بازرگانی هیات نظارت برای هدایت، تنظیم و نظارت بر فعالیت های سیستم قبض انبار ایجاد شد.	مدیران انبار باید به عضویت موسسه بیمه درآیند و حق عضویت پرداخت کنند. موسسه بیمه به عنوان ضامن قبض انبار است و حقوق دارنده قبض انبار را در صورت نکول مدیر انبار پرداخت می کند.	قبض انبار و مشتقات آن در اندونزی می تواند به دو فرم الکترونیکی و کاغذی و به صورت تک برگ صادر گردد. مشتقات قبض انبار به عنوان یک ابزار مالی شناخته می شوند.	لغو مجوز، جریمه و حبس
۷	فیلیپین	قانون قبض انبار ۱۹۱۲، قانون تضمین انبار ۱۹۳۲، قانون سازمان ملی غذا ۱۹۷۲	محدود به محصولات کشاورزی	چندین بازیگر متفاوت متمرکز بر بخش های مختلف هستند.	طرح تضمین کواپدن با استفاده از تضمین اضافی شخص ثالث، اعتبارنامه انبار و بازرسی و گواهینامه انبار	قبض انبار ممکن است قابل مبادله یا غیرقابل مبادله باشد. اما فقط انبارهای دارای حق امتیاز می توانند قبض انبار قابل معامله صادر کنند.	در قانون سازمان ملی غذا به تشریح سه ردیف از جرائم سنگین، متوسط و سبک پرداخته شده است.

ردیف	کشور	قوانین کلیدی	دامنه شمول	متولی	تضمین	قبض انبار	جزایم و مجازات
۸	تانزانیا	قانون قبض انبار سال ۲۰۰۶	تمام محصولات کشاورزی	انجمن صدور مجوز انبار که وظایف آن عبارتند از: صدور مجوز برای انبار، انبارداران و بازرسان انبار و تصویب قبض انبار قابل مبادله	انبارداران برای تضمین اجرای عملکرد خویش نیازمند ارایه وثیقه به هیات صدور مجوز هستند، علاوه بر این باید گواهینامه بیمه محصولات بیمه محصولات را نیز به این هیات تسلیم کند.	استفاده از سیستم قبض انبار دو قسمتی	قوانین جریمه یا زندانی
۹	ترکیه	قانون قبض انبار ترکیه سال ۲۰۰۵	محصولات کشاورزی عبارتند از: غلات، حبوبات، پنبه، تنباکو، خشکبار، دانه های روغنی، روغن های گیاهی و سایر محصولات اساسی صنایع تبدیلی مانند قند	وزارت علوم، صنایع و فناوری	انبارها باید در طرح بیمه محصولات ذخیره شده در انبارها و همچنین در طرح صندوق ضمانت شرکت کنند.	گواهی محصولات اسناد مالکیت تحت قانون تجارت ترکیه هستند و می توانند به عنوان وثیقه یا تضمین استفاده شوند.	جرایم خاص متناسب با مجازات مربوطه
۱۰	اوگاندا	قانون سیستم قبض انبار اوگاندا سال ۲۰۰۶	محصولات کشاورزی که قابل حمل برای استفاده در یک قرارداد ذخیره سازی با سپرده گذاری باشد.	بورس کالا	ارایه وثیقه توسط دارندگان انبار به جهت تضمین عملکرد و دریافت مجوز انبار	استفاده از قبض انبار تک برگ قابل مبادله و غیرقابل مبادله که به عنوان اسناد مالکیت شناخته می شوند.	لغو مجوز، جریمه و زندان
۱۱	اوکراین	قانون غلات ۲۰۰۲ و قانون گواهی سپرده قبض انبار سال ۲۰۰۴	غلات، تعریف شده به عنوان دانه، میوه، دامنه غلات و حبوبات و نباتات روغنی مورد استفاده در مواد غذایی، بذر، علوفه و مقاصد صنعتی	سازمان بازرسی کشاورزی تحت نظارت وزارت کشاورزی و مواد غذایی	عضویت در صندوق ضمانت	استفاده از قبض تکمی یا دو قسمتی کاغذی	لغو مجوز، جریمه و زندان
۱۲	امریکا	قانون انبار ایالات متحده سال ۱۹۱۶، قانون تجارت یکسان و قوانین ایالتی (سطح محلی)	محصولات کشاورزی	سازمان معاونت مدیریت عملیات کالا	الزام در ارایه وثایق معتبر	استفاده از قبض کاغذی و الکترونیکی قابل مبادله و غیرقابل مبادله	بسته به نوع محصولات دو دسته مجازات اعمال می شود.

الزامات وثیقه‌ای است. در حالی که فرمت قانونی قبض انبار با توجه به سنت حقوقی کشورها متفاوت است، حداقل جزئیات مورد نیاز قبض انبار تا حد زیادی شبیه هم هستند.

دیگر روش‌های نظارتی، تنها در تعداد کمتری از کشورها مشترک است. در برخی از کشورها ایجاد یک صندوق ضمانت بر اساس کمک‌های داوطلبانه یا اجباری از انبارها مرسوم است و به عنوان تضمین عملکرد اضافی انبار استفاده می‌شود. یکی دیگر از روندهای نسبتاً جدید در سراسر جهان معرفی قبض انبار الکترونیکی است. در نهایت، در برخی از کشورها چارچوب قانونی کلی اجازه ارائه روش خارج از دادگاه را برای اجرای قانون داده است که به موجب آن در صورت نکول بدهکار، تسهیلات‌دهنده می‌تواند به سرعت با استفاده از قبض انبار، مطالبات خود را دریافت کند.

با این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت در حالی که سیستم‌های قبض انبار و قوانین مربوط به آن برای قرن‌ها وجود داشته است، روندهای جدیدی برای توسعه سیستم قبض انبار و تطبیق آن با تغییر شرایط

شکل مقررات عمومی موجود در قانون تجارت بر سیستم قبض انبار حاکم باشد. با این حال بررسی کشورهای این مطالعه تایید کرد که اجزای کلیدی قوانین قبض انبار معمولاً توسط قانون‌گذاران به رسمیت شناخته شده است. هر چند این اجزا مشترک هستند، اما روش‌های نظارتی متنوعی برای رسیدگی به هر یک از این اجزای کلیدی وجود دارد. به دلیل پیش‌زمینه‌ها و اهداف سیاستی متفاوت، روش‌های مختلفی در هر کشور به کار گرفته شده است و مقررات مرتبط با برخی اجزای کلیدی در میان کشورهای تحت مطالعه به طور مشابه تعیین شده‌اند.

رویکرد سنتی به مدیریت سیستم، ایجاد یک نهاد ناظر بالادستی دولتی است که صدور مجوز انبار و نظارت بر قانون را به عهده دارد. تجربه نشان داده است که تضمین عملکرد به طور مستقیم اعتماد به سیستم و در نتیجه استفاده از قبض انبار را توسط اعتباردهندگان و دیگر ذی‌نفعان افزایش می‌دهد. بر این اساس، قانون‌گذاران در بسیاری از کشورها به ارائه تضمین عملکرد توجه کرده‌اند و رویکرد نظارتی رایج، ارائه بیمه اجباری و

کاهش هزینه های معاملاتی در بازار با توجه به بهبود استانداردهای کالا می شود. سیستم قبض انبار می تواند معاملات بازار را برای ذی نفعان مختلف تجارت تسهیل کند، به ویژه اگر انبارها به یک بورس کالا مرتبط شده باشند. در واقع این سیستم تسهیل تجارت در بورس های کالایی را به همراه دارد و قبض ها می توانند به عنوان ابزار تحویل در بورس استفاده شوند.

■ تشخیص جریان کالاهای فاقد مجوز و قاچاق به کمک قبض انبار

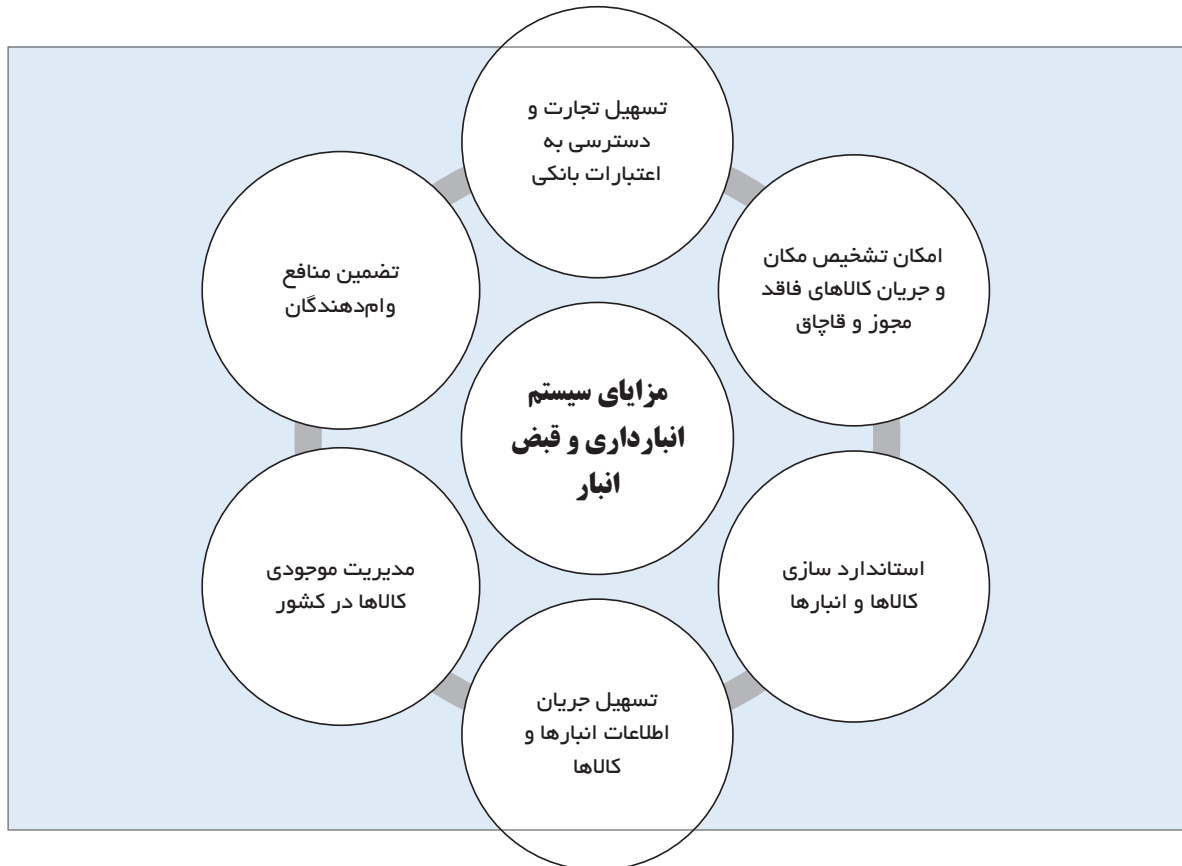
از دیگر مزایای ایجاد سیستم انبارداری و قبض انبار یکپارچه در کشور این است که امکان تشخیص مکان و جریان کالاهای فاقد مجوز و قاچاق و نیز اطلاعات انبارداری و مدیریت موجودی برای توزیع کنندگان و فروشندگان و سایر فعالان زنجیره تامین، فراهم می شود. برای تسهیل و تسریع فرایندهای تجاری و همچنین نظارت و مدیریت کارآمد ورودی و خروجی زنجیره تجاری باید ابزاری برای شناسایی مکان نگهداری هر کالا و میزان خروج و ورود کالاها به هر

یک کشور وجود دارد که این روندها می تواند معرفی قبض الکترونیکی یا ایجاد یک صندوق تضمین عملکرد باشد. در نهایت باید تاکید شود که تحقیقات بیشتری به منظور تقویت این مطالعه و چگونگی پیشرفت قانون برای تسهیل دسترسی کشاورزان به اعتبارات بخش کشاورزی قبل از برداشت محصول مورد نیاز است.

■ جمع بندی و پیشنهادها برای بهبود نظام انبارداری کشور

سیستم انبارداری و قبض انبار، مزایای زیادی برای همه طرف های ذینفع از جمله تولیدکنندگان، تجار، وام دهندگان، انبارها و مصرف کنندگان به همراه دارد که این مزایا از کشوری به کشور دیگر، بسته به شرایط متفاوت است. از مزایای مهم برای تولیدکنندگان، کاهش هزینه نگهداری، کمک به حفظ محصولات با کیفیت بالا، ایجاد امنیت روانی و تسهیل دسترسی به اعتبارات است. تولیدکننده می تواند قبض انبار را به عنوان وثیقه اعتبارات کوتاه مدت برای تامین مالی به کار گیرد. این سیستم همچنین موجب

نمودار. مزایای سیستم انبارداری و قبض انبار



کرده است و قدرت نظارتی و عملیاتی در حوزه انبارداری کشور ندارد. تجربه پیشین شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران و همچنین تجربیات اخیر شرکت بورس کالای ایران در زمینه انبارها فضا را برای ایجاد یک نظام یکپارچه انبارداری و به روزرسانی قانون انبار در کشور فراهم کرده است. با توجه به آسیب‌های موجود و مطالعات فائو در حوزه قوانین انبارداری، ضروری است چارچوب قانونی جدید و مستقلى در حوزه انبارداری و قبض انبار تدوین شود.

■ امکان ثبت الکترونیکی قبض انبار

براساس تجربه کشورهای پیشگام در این زمینه، قبض انبار به سمت الکترونیکی شدن پیش رفته است و از این طریق، امکان جعل و تقلب به حداقل می‌رسد. بنابراین باید در قانون تمام شرایط مذکور با توجه به شرایط کشور تعیین شود. در وضعیت فعلی و با توجه به امکانات موجود، پیشنهاد می‌شود ثبت الکترونیکی به عنوان مبنای عمل قرار گیرد و یک سامانه ثبت الکترونیکی به کار گرفته شود. با توجه به اینکه در قبض انبار کاغذی، امکان خطر جعل یا تقلب وجود دارد، باید از شماره سریال در قبوض انبار استفاده یا اینکه قبض بر روی کاغذهای توزیع شده با ویژگی خاص امنیتی صادر شود. شاید تا کنون بی‌توجهی به تصویب‌نامه سال ۱۳۴۰، کشور را از مزایای سیستم انبار و قبض انبار دور کرده باشد اما اکنون زمان آن رسیده که برای توسعه سیستم قبض انبار و تطبیق آن با تغییر شرایط کشور گام موثری برداشته شود تا با به‌روزرسانی و تدوین قانون قبض انبار، عملیاتی شود. همچنین با تعیین نهاد نظارتی قوی، ایجاد سامانه انبارداری و قبض انبار جامع و یکپارچه کشور و اطلاع‌رسانی در زمینه مزایای سیستم قبض انبار برای متولیان این فعالیت، مسیر بهره‌برداری از مزایای سیستم قبض انبار هموار شود.

انبار در هر لحظه وجود داشته باشد. البته در این راستا باید سیاست‌های موجود کشور، ساختار بازار و چارچوب قانونی به‌دقت برای تعیین مناسب بودن سیستم انبارداری و قبض انبار برای کشور مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین ضروری است به منظور پیر کردن خلأ قانون انبارداری و قبض انبار در ایران، قانون انبار به شیوه مناسب طراحی و در مجلس شورای اسلامی تصویب شود تا بتوان با نظارت دقیق و قانونی در زمره کشورهای موفق جهان در زمینه سیستم انبارداری و قبض انبار قرار گرفت. البته در تدوین و تصویب این قانون باید به این نکته توجه کرد که سایر قوانین بالادستی در حوزه توثیق، حقوق مالکیت، ورشکستگی و اولویت تعهدات ممکن است شامل مقرراتی باشد که منافع قانون قبض انبار را محدود کند.

البته پیشینه قانون انبار در ایران به تصویب‌نامه‌ای در سال ۱۳۴۰ برمی‌گردد که با هدف تاسیس شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ارائه شد اما متأسفانه با گذشت ۵۸ سال از تصویب آن، پیشرفتی در زمینه انبارداری عمومی در داخل کشور نداشته‌ایم و تنها شرکت انبارهای عمومی که در گمرکات کشور مستقر است، طبق این تصویب‌نامه فعالیت می‌کند. با توجه به اینکه هیچ نهاد نظارتی تخصصی در این حوزه شکل نگرفته و سیستم قبض انبار مرکزی نیز ایجاد نشده است، این امر نشان می‌دهد که نا آگاهی نهادهای مسئول از مزایای سیستم قبض انبار، باعث شده است هیچ انباری به دنبال ثبت شرکت انبارداری و برخورداری از مزایای این سیستم نباشد.

در حال حاضر در کشور، نهادهای درگیر انبارداری به صورت مستقل و طبق دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی خود در زمینه انبار عمل می‌کنند. اتحادیه انبارداران به عنوان نهاد خصوصی این بخش، فقط در نقش صنفی برای ارائه نرخ‌نامه‌های انبارداری عمل



تجربه پیشین شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی ایران و همچنین تجربیات اخیر شرکت بورس کالای ایران در زمینه انبارها فضا را برای ایجاد یک نظام یکپارچه انبارداری و به‌روزرسانی قانون انبار در کشور فراهم کرده است

بررسی عرضه محصول زرشک در بورس کالای ایران

محمد پیرحیاتی* | بورس‌های کالایی از مهم‌ترین تشکلهایی هستند که با هدف شفافیت قیمت‌ها، ثبات و تعادل بازار و توسعه بازار تولیدکنندگان ایجاد شده‌اند. این بورس‌ها ضمن فراهم کردن بستر مناسبی برای معاملات، نقش مهمی در کاهش ریسک طرفین معامله دارند. بورس کالای ایران نیز در سال‌های اخیر با ورود کالاهای متنوع و توسعه ابزارهای مالی، زمینه تعمیق بازارهای موجود، رشد شمار فعالان بازار و افزایش شفافیت قیمتی را فراهم کرده که این عوامل، آینده روشنی را برای تولید و عرضه محصولات و همچنین بورس کالا رقم می‌زند.



کشت این درختچه به شمار می‌رود. با توجه به شرایط مساعد آب و هوایی برای تولید زرشک در کشور، ضمن حفظ میزان تولید فعلی این محصول، پتانسیل مناسبی هم برای افزایش تولید آن وجود دارد که افزایش درآمد زرشک‌کاران و فرآوری‌کنندگان آن را در پی خواهد داشت. در ایران، زرشک بی‌دانه با نام علمی (*Berberis vulgaris L. var. asperma*) کشت می‌شود که بیشترین سطح زیر کشت این محصول در شهرستان‌های زیرکوه و قائنات در استان خراسان جنوبی است، به طوری که بیش از ۹۸ درصد تولید این محصول در کشور و بیش از ۹۵ درصد تولید این محصول در دنیا از این منطقه برداشت می‌شود. با این حال زرشک در سایر مناطق کشور نیز کشت می‌شود که در جدول (۱) میزان تولید رسمی این محصول به تفکیک استان‌های تولیدکننده عمده آن بر اساس آمارنامه کشاورزی منتشرشده در سال ۱۳۹۷ توسط وزارت جهاد کشاورزی آورده شده است.

همچنین محصول زرشک از جمله محصولات کشاورزی صادراتی کشور است که در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ این محصول به ترتیب به ۴۰ و ۳۱ کشور از قاره‌های مختلف صادر شده است که کشورهای آلمان، ایالات متحده آمریکا، کویت، قزاقستان و ترکیه از مهم‌ترین واردکنندگان زرشک ایران هستند. برابر آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران، ارزش صادرات این محصول در سال ۹۶

سال‌هاست کشاورزان از نبود شفافیت قیمت محصولات کالای در بورس کالا حضور ندارند، لطمه می‌بینند و به ناچار محصول با ارزش خود را ارزان به واسطه‌ها می‌فروشند، در حالی که عرضه محصولات در بورس کالا می‌تواند شرایطی را برای فروش با قیمت واقعی را فراهم کند، تاثیرگذاری مخرب واسطه‌ها را از بین ببرد و فاصله میان قیمت دریافتی کشاورز و قیمت پرداختی مصرف‌کننده را کاهش دهد که این اتفاقات در نهایت استقبال کشاورزان را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر با توجه به اینکه برابر مقررات بورس کالا، هیچ محصول غیراستانداردی امکان پذیرش و ورود به معاملات را ندارد، کشاورزان نیز که مشتاق فروش محصول‌شان با قیمت واقعی هستند، به تولید محصول با کیفیت ترغیب می‌شوند.

تیره زرشک (*Barberry*) حدود ۶۶۰ گونه و ۱۵ جنس دارد و بومی آسیا، اروپا، آفریقای شمالی و آمریکاست و در ایران نیز فقط نوع بی‌دانه آن محصول باغی محسوب شده و با اهداف تجاری کشت می‌شود. این محصول بیشتر به صورت افزودنی، خشک و همچنین فرآورده‌هایی نظیر آبمیوه، شربت و مربا به مصرف می‌رسد و علاوه بر دارا بودن خواص آنتی‌اکسیدانی، ضد باکتریایی و ضد تومور، حاوی ویتامین‌ها و اسیدهای آلی نیز هست که موجب شده در درمان بیماری‌های مختلف نیز استفاده شود.

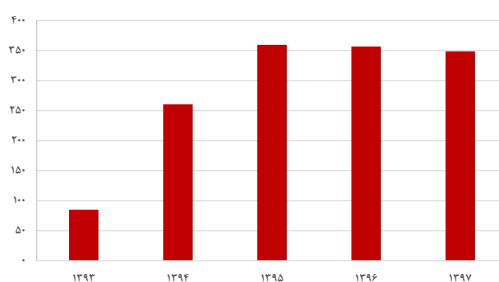
جدول ۱: میزان تولید رسمی محصول زرشک در سال ۱۳۹۷ به تفکیک استان‌های تولیدکننده عمده (تن)

استان	آذربایجان شرقی	اصفهان	البرز	تهران	خراسان جنوبی	خراسان رضوی	خراسان شمالی	سمنان
میزان تولید	۳۶	۱۱	۱۵	۰/۲۵	۱۸۸۳۰	۱۲۵	۹/۲	۳۱
استان	سیستان و بلوچستان	فارس	کردستان	کرمان	گیلان	لرستان	مرکزی	یزد
میزان تولید	۲/۴۴	۳	۵	۲۴	۱۸	۹	۱	۱/۶۳

درباره شرایط کشت درختچه زرشک می‌توان گفت که در خاک‌های آهکی سبک به خوبی رشد می‌کند و تا حدودی نسبت به شوری آب و خاک سازگار است. همچنین نیاز خالص آبیاری زرشک حدود ۹۹۰۰ متر مکعب در هکتار طی سال است و در عین حال مقاومت آن نسبت به کم‌آبی در تابستان و سرمای زمستان از خصوصیات دیگر

بیش از یک میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار گزارش شده و در نمودار (۱) میزان کل صادرات محصول زرشک از ایران به کشورهای مختلف نشان داده شده است. همان طور که ملاحظه می شود میزان صادرات رسمی این محصول بسیار بیشتر از میزان تولید رسمی گزارش شده این محصول در سال ۹۷ است که این مورد حکایت از میزان فراوان کشت غیررسمی آن دارد.

۱) نمودار (۱): میزان کل صادرات محصول زرشک ایران (تن)



با ورود زرشک به بورس کالا و رونق معاملات آن، نیاز به فروش همه محصول به قیمت پایین در زمان برداشت کاهش می یابد و زرشک کاران می توانند به صورت مستقیم به بازار ملی و حتی بین المللی دسترسی داشته باشند و محصول خود را با کمترین هزینه ممکن به فروش رسانند. همچنین با قراردادهای آتی و اختیار معامله، امکان تثبیت قیمت فروش محصول قبل از برداشت، با پرداخت وجه تضمین توسط طرفین یا طرف متعهد وجود دارد. همین طور با فروش محصول در قالب قرارداد سلف، کل مبلغ در زمان انجام معامله توسط خریدار پرداخت و فروشنده متعهد به تحویل محصول در تاریخ معین به خریدار می شود.

۲) چهار سناریو برای ورود زرشک به بورس کالا

برای ورود زرشک کاران به بورس کالا، چهار سناریو پیش بینی می شود:

۱) فروش مستقیم محصول توسط باغداران در قالب گواهی سپرده کالایی: در این روش زرشک کار محصولش را به انبار مورد تایید بورس کالا تحویل می دهد و قبض آن را می فروشد که خریدار می تواند با آن قبض محصول را تحویل بگیرد. استانداردهای محصول نیز توسط بورس کالا اعلام می شود و انبارها موظف به تحویل گرفتن زرشک با استانداردهای تعیین شده هستند. از مزایای فروش زرشک از طریق گواهی سپرده کالایی می توان به نبود نیاز به تحویل فیزیکی، جابه جایی، تحمل هزینه و افت مربوط در هر بار خرید، امکان خرید و فروش

مستمر و متعدد بدون جابه جایی و اطمینان خریدار و فروشنده از کیفیت کالای خریداری شده اشاره کرد.

۲) تحویل محصول به صورت امانی به مباشری خوشنام و مورد تایید نهادهای متولی: در این روش مباشر محصول را به نمایندگی از زرشک کاران در بورس به صورت نقدی یا اعتباری عرضه و پس از فروش با زرشک کاران تسویه می کند.

۳) خرید محصول توسط مباشر از زرشک کار با قیمت قطعی: در این روش مباشر زرشک را با قیمت قطعی از باغدار می خرد و بخشی یا کل وجه را به وی پرداخت می کند و محصول خریداری شده را در بورس می فروشد. در صورتی که مباشر بخشی از پول را در مرحله اول به زرشک کار داده باشد، بقیه وجه پس از فروش محصول در بورس به وی پرداخت می شود.

۴) تشکیل صندوق کالایی زرشک: در این روش با مشارکت زرشک کاران یا بدون آنان و با حضور سرمایه گذاران و از محل وجوه جمع شده، صندوق کالایی زرشک تشکیل می شود. زرشک کاران محصول خود را در قالب گواهی سپرده کالایی عرضه می کنند و صندوق می تواند محصول را بخرد و در زمان مقتضی آن را به فروش رساند.

مزایای بورس کالا برای عرضه زرشک

- ۱) واریز وجه حاصل از معاملات به حساب زرشک کاران در کوتاه ترین زمان ممکن و با اطمینان کامل
- ۲) منتفع شدن زرشک کاران و مصرف کنندگان نهایی با دسترسی مستقیم زرشک کاران به بازار و حذف واسطه ها
- ۳) امکان مدیریت ریسک ناشی از نوسانات قیمت محصولات کشاورزی با استفاده از ابزارهای مشتقه
- ۴) امکان تامین مالی مستقیم زرشک کاران و یا تشکلهای با فروش در قالب قرارداد سلف
- ۵) امکان بازرسانی مستقیم توسط بهره برداران با در نظر گرفتن مزایای ذکر شده و سهولت انجام معاملات به صورت برخط بر بستر اینترنت، امکان حضور مستقیم زرشک کاران یا تشکلهای و همچنین خریداران داخلی و بین المللی به خوبی فراهم می شود و با حذف فعالیت های واسطه گرایانه، شرایط مناسبی برای فروش این محصول از طریق بورس کالا به وجود می آید که نتیجه آن ارتقای کیفی محصول، افزایش سطح زیر کشت زرشک و توسعه کشاورزی و اشتغال خواهد بود.

*دانش آموخته MBA دانشگاه تهران و عضو انجمن بین المللی مشاوران مدیریت سرمایه گذاری (IMCA)



خوش یمنی تاریخ معروف برای بورس کالا

فروش نخستین ملک یک وزارتخانه در ۹۹،۹،۹

۹۹،۹،۹ تاریخ معروف امسال که برای بورس کالا هم خوش یمن بود؛ در این تاریخ نخستین ملک وزارت دفاع به ارزش ۱۳ میلیارد تومان به فروش رفت تا معاملات املاک در بورس رنگ و بوی تازه ای به خود بگیرد. به گزارش «پیام اقتصادی بورس کالا»، راس ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح روز نهم آذرماه، ملک وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح واقع در شهرستان دماوند-دشت مشاء به مساحت ۳۶۲۳ مترمربع و با قیمت پیشنهادی ۱۳ میلیارد ریال روی تابلوی بورس کالای ایران رفت که این ملک با قیمت پایه به فروش رسید.



واریز کند. براساس شرایط مندرج در اطلاعیه عرضه این ملک در خصوص مهلت و نحوه تقسیط و وثایق مورد نیاز توسط خریدار، در مرحله دوم نیز برنده حراج باید معادل ۴۰ درصد از ثمن معامله را ظرف مدت حداکثر ۹۰ روز پس از تنظیم مبیعه نامه و همزمان با تحویل ملک به خریدار واریز نماید. در مرحله سوم نیز معادل ۲۰ درصد از ثمن معامله ظرف مدت حداکثر ۱۸۰ روز پس از تنظیم مبیعه نامه و همزمان با انتقال سند مالکیت به نام خریدار باید از سوی برنده حراج به فروشنده پرداخت شود. سررسید تحویل نیز ۹۰ روز پس از تنظیم

براساس اطلاعیه بورس کالای ایران، قیمت پایه پیشنهادی این زمین در حالی ۱۳۰ میلیارد ریال اعلام شد که تضمین متقاضیان خرید برای شرکت در حراج مبلغ ۳،۹ میلیارد ریال معادل سیصد و نود میلیون تومان (۳ درصد قیمت پیشنهادی فروشنده) به صورت واریز وجه نقد یا تودیع ضمانت نامه بانکی در نظر گرفته شده بود. نوع تسویه این عرضه به صورت نقدی و اعتباری بوده و خریدار به عنوان برنده حراج، ظرف ۱۰ روز کاری بعد از تاریخ انجام معامله فرصت دارد ۴۰ درصد بخش نقدی را به حساب عملیاتی بورس کالا

مبايعه نامه و ارايه سند تسويه خارج از پايپاي اعلام شده است.

آمادگی بورس کالا برای عرضه های بعدی

رضا محتشمی پور قائم مقام بورس کالای ایران با بیان آنکه پیشگامی وزارت دفاع در جهت عرضه املاک و اراضی خود در بورس کالا آغاز حرکتی ارزشمند و مثبت برای آشنایی و ترغیب سایر دستگاه های دولتی به شمار می رود، گفت: همراهی و همکاری وزارت دفاع، شرایط را برای عرضه نخستین ملک این وزارتخانه بر تابلوی بورس کالا هموار کرد که با انجام نخستین معامله، امیدواریم این عرضه ها توسعه یابد و خط راهنمایی برای بهره گیری سایر دستگاه ها از این ظرفیت ایجاد شده در بورس کالا باشد.

قائم مقام بورس کالای ایران با بیان اینکه برای عرضه املاک در بورس کالا دو فاز عملیاتی وجود دارد، اظهار داشت: نخستین فاز، تدوین مقررات تا پذیرش کالا است که در این مسیر امکان بروز ابهام هایی وجود دارد که بورس کالا با همراهی عرضه کننده ملک، این بخش را پیش می برد. فاز دوم نیز به اقدامات پس از پذیرش ملک برمی گردد که در این حوزه، موضوع بازاریابی با همکاری عرضه کننده اهمیت دارد. در واقع اگر شرایطی مهیا شود تا با همراهی عرضه کنندگان، تابلوی املاک و مستغلات بورس کالا به فعالان بازار زمین و مسکن معرفی شود، توسعه معاملات املاک در بورس کالا با سرعت به مراتب بیشتری رقم می خورد. محتشمی پور در پایان تصریح کرد: در آغاز راه اندازی هر معاملاتی، موانع و کندی هایی بروز می کند که امری طبیعی است اما به مرور و با توجه به اینکه ظرفیت ایجاد شده در بورس کالا، بار تمهیدات اجرایی فروش املاک و اراضی را از روی دوش نهادهای دولتی برمی دارد و یک روند آسان، کوتاه و شفاف را جایگزین مزایده های طولانی و هزینه بر می کند، در آینده شاهد اقبال به این کانال و بستر جدید معاملاتی املاک خواهیم بود.

ارزش ۲۰۰۰ میلیارد تومانی املاک وزارت دفاع

در همین زمینه ایمان عسکری زاده دبیر هیات اجرای فروش املاک وزارت دفاع نیز ضمن قدردانی از مجموعه

بورس کالا به دلیل همکاری و تلاش های صورت گرفته، گفت: وزارت دفاع سالانه بالغ بر ۲ هزار میلیارد تومان فروش املاک و اراضی دارد که برای تسریع و بهبود فرآیند فروش، نیاز به اتاقی شیشه ای و شفاف بورس کالا احساس می شود.



وی با بیان اینکه روند مزایده های فعلی فروش املاک نیز در سلامت کامل انجام می شود، اما برای تحقق این سلامت معاملاتی، مسیری چند مرحله ای و طولانی طی می شود، گفت: معامله امروز زمین وزارت دفاع در بورس کالا به عنوان پایلوت صورت گرفت و قصد داریم طی هماهنگی با مسوولان و کمیته مربوطه در وزارت دفاع، میزان عرضه های املاک و اراضی وزارتخانه در بورس کالا را افزایش دهیم.

دبیر هیات اجرای فروش املاک وزارت دفاع ادامه داد: با توجه به وجود نظم و مقررات دقیق در حوزه ارائه مدارک و پذیرش املاک در بورس کالا، نیازمند مهیا کردن یکسری شرایط هستیم که البته زمانبر نیست و طی تعامل با بورس کالا به زودی اجرایی می شود. همچنین امیر عالمی کارشناس بورس و تامین مالی وزارت دفاع نیز در ادامه این مراسم گفت: با توجه به آنکه امروز نخستین فروش ملک وزارت دفاع در بورس کالا تجربه شد و وزارت دفاع با فرآیند عرضه املاک در بورس یعنی ارائه مدارک، پذیرش و معامله، آشنا شد به زودی شاهد عرضه های بعدی وزارتخانه در بورس کالا خواهیم بود.

به گفته عالمی امکان دارد که با اعلام مزایای ورود املاک و اراضی وزارت دفاع به بورس کالای ایران از جمله شفافیت بالا و برتری های زیاد به نسبت مزایده های سنتی، وزیر محترم دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دستور عرضه کل املاک و اراضی این وزارتخانه در بورس کالا را صادر کند.

بورکالا

چشم انداز



موفقیت تولید در گرو کار آمدی زنجیره عرضه کالا

شرکت‌ها باید زنجیره عرضه‌ای سازگار با راهبرد کاری خود برگزینند



مواد خام



تامین کننده



تولید کننده



مصرف کننده



خرده فروش



توزیع کننده

زنجیره عرضه کالا شامل گام‌هایی است که از زمان تهیه مواد اولیه تا رسیدن کالاهای نهایی به دست مصرف‌کننده، برداشته می‌شود. در ابتدای این فرآیند کسب‌وکارهای فعال در تولید مواد اولیه حضور دارند و سپس تولیدکنندگانی که از این مواد اولیه استفاده می‌کنند، جای می‌گیرند و در نهایت کالای نهایی وارد بازار مصرف می‌شود و به دست مصرف‌کننده می‌رسد. روند تبدیل مواد اولیه به محصول نهایی که آماده عرضه به بازار مصرف است را زنجیره عرضه نام‌گذاری می‌کنند. زنجیره عرضه کالا دارای بخش بالادستی و پایین‌دستی است که در بخش بالادستی تولیدکنندگان و شرکت‌های عرضه‌کننده مواد اولیه قرار دارند و در بخش پایین‌دستی توزیع‌کنندگان کالاها و عرضه‌کنندگان آن به بازار مصرف جای می‌گیرند. اما سوال این است که چرا زنجیره عرضه کالاها اهمیت دارد؟ نشریه «تولید و تکنولوژی تولید» در گزارش اخیر خود در واشکافی پاسخ این پرسش کلیدی نوشت: «در دنیای امروز، تامین تمامی مواد اولیه و کالاهای میانی در یک کشور صرفه اقتصادی ندارد. به همین دلیل است که تامین مواد اولیه و کالاها از بهترین کشورهای تولیدکننده مطرح می‌شود. کشورهایی که می‌توانند این مواد را با کمترین قیمت عرضه کنند و کیفیت مطلوبی را هم به بازار ارائه دهند. اما برای تعیین زنجیره عرضه کارآمد کالا، کسب‌وکارها باید راهبرد مناسب زنجیره عرضه داشته باشند که با راهبرد کاری آنها سازگاری داشته باشد. یعنی اگر شرکتی در نظر دارد کالاهایی با پایین‌ترین قیمت را به بازار عرضه کند، باید مواد اولیه خود را با قیمت پایین و از بازارهایی که کمترین قیمت را ارائه می‌کنند، بخرد. بر مبنای این مساله که چگونه یک کسب‌وکار تصمیم به رقابت در بازار می‌گیرد، تصمیم‌گیری در مورد زنجیره عرضه کالاها هم انجام می‌شود.»

شود، قیمت تمام‌شده بالاتری دارد و از ارزش بیشتری برخوردار است.

اهمیت تعیین راهبرد کار

«مایکل پورتر» برای تشریح بهتر این وضعیت از شرکت‌های «وال مارت» و «آی کی» نام می‌برد و می‌افزاید: «این دو شرکت، شرکت‌هایی هستند که راهبرد تولید و عرضه کالاها با کمترین هزینه را در پیش گرفته‌اند. هدف اصلی آنها عرضه کالاها با کمترین قیمت ممکن به مصرف‌کنندگان نهایی است و همین راهبرد باعث شده تا مشتریان زیادی در سراسر دنیا داشته باشند. این دو شرکت بزرگ با هدف تولید و عرضه کالاهای نهایی با کمترین قیمت، تلاش می‌کنند مواد اولیه و کالاهای میانی را از شرکت‌هایی خریداری کنند که کمترین قیمت را از آنها طلب می‌کنند. در واقع این شرکت‌ها باید بین خرید کالا از تولیدکنندگان خارجی و ارزان یا تولیدکنندگان داخلی و گران قیمت، تصمیم‌گیری کنند و از آنجا که هدفشان عرضه ارزان‌ترین کالاهاست، اغلب برون‌سپاری و خرید کالاها از شرکت‌های خارجی را ترجیح می‌دهند.»

نشریه «تولید و تکنولوژی تولید» ضمن ارائه تعریف

پرونده‌های مختلف زنجیره عرضه کالا کدام است؟

زنجیره عرضه از پرونده‌های مختلفی در فرآیند تولید کالا تشکیل شده است که بستر را برای ایجاد ارزش افزوده در فرآیند کار فراهم می‌کند. زنجیره ارزش، باعث افزایش قدرت رقابت شرکت در بازار و به عنوان مزیت یک شرکت در مقابل دیگران شناخته می‌شود. هر چه یک شرکت در فرآیند کار خود، ارزش بیشتری تولید کند، تقاضا برای آن کالا بیشتر می‌شود و شرکت می‌تواند سود بیشتری کسب کند. افزایش سودآوری شرکت و کاهش قیمت تمام‌شده کالا باعث تقویت جایگاه آن شرکت در زنجیره عرضه خواهد شد.

«مایکل ایی پورتر»، نویسنده کتاب «مزیت رقابتی» بر این باور است که در فرآیند زنجیره عرضه، فرصت‌های زیادی برای ایجاد ارزش افزوده برای مشتریان نهایی کالا وجود دارد. وی بر این باور است که در زنجیره ارزش کالا، بخش‌های مختلفی از قبیل تدارکات ورود و خروج کالاها، عملیات اجرایی تولید، بازاریابی و فروش و در نهایت، ارائه خدمات بعد از فروش قرار دارند. البته تدارکات ورودی و خروجی در بخش زنجیره عرضه هم مشاهده می‌شود ولی در حوزه زنجیره ارزش اهمیت آن بالاتر است زیرا کالای نهایی تولیدشده که باید به بازار عرضه

و کالاهای تمام‌شده برای کسب حداکثر موفقیت در فرآیند تولید است. برنامه‌ریزی دقیق زمانی برای روند انتقال مواد اولیه و محصولات نهایی تولید از یک دپارتمان به دپارتمان دیگر، جزو مسئولیت‌های مدیران فعال در این حوزه است. در هر مرحله از کار باید ارزیابی کیفی محصولات انجام شود. این ارزیابی کیفی هم شامل ماده اولیه وارد شده به چرخه تولید و هم شامل محصولات میانی و کالاهای نهایی می‌شود.»

سومین بخش در مدیریت زنجیره عرضه، شامل جمع‌آوری اطلاعات درباره شرایط هر مرحله از تولید و و انتقال آن به افراد فعال در بخش‌های دیگر است. این انتقال اطلاعات باعث می‌شود تا فرآیند کار شفاف باشد و در صورت مواجهه با هر مشکلی، ریشه آن به سرعت شناسایی شود. به همین دلیل، نشریه «تولید و تکنولوژی تولید» نوشته است: «ارتباطات کلید رشد سودآوری شرکت‌هاست.»

چهارمین مساله مهم در فرآیند مدیریت زنجیره عرضه، توجه به «تایم لاین» یا زمان‌بندی پروژه‌ها و هماهنگ کردن آن با فرآیند تهیه و عرضه مواد اولیه است. برای ممانعت از تاخیر در ارسال مواد اولیه و کالاهای نهایی، نظارت بر عملکرد هر بخش امری ضروری است.

دیگری از این مقوله، می‌نویسد: «یک شرکت، متناسب با راهبرد کاری خود باید در مورد زنجیره عرضه کالاهایش تصمیم‌گیری کند و نوع کاری را که انجام می‌دهد، به دقت تشریح کند. در واقع زنجیره عرضه چارچوبی برای زنجیره ارزش کالاهاست و این چارچوب را می‌توان دلیل اصلی یک مصرف‌کننده برای انتخاب کالای تولیدشده یا عرضه‌شده توسط یک شرکت در فضای رقابتی موجود در بازار دانست.»

مدیریت اصولی زنجیره عرضه، ضرورت دنیای امروز

وب سایت «مدیوم» هم در گزارشی به اهمیت زنجیره عرضه در تقویت تولید تاکید و مدیریت اصولی زنجیره عرضه را عملیاتی حیاتی در بخش تولید قلمداد کرده و یادآور شده که هر کسب‌وکاری باید مدیریت زنجیره عرضه را به صورت اصولی و صحیح انجام دهد. اما سوال اصلی اینجاست که پیاده‌سازی مدیریت اصولی زنجیره عرضه چگونه امکان‌پذیر است و برای تحقق این هدف محوری از چه ابزارهایی باید استفاده شود؟

اولین و اصلی‌ترین مساله در مدیریت زنجیره عرضه را می‌توان خرید مواد اولیه دانست. برای اینکه مواد اولیه با کیفیت و حجم مورد نیاز خریداری شود، باید اطلاعات لازم در اختیار مدیران بخش خرید قرار گیرد. تعیین کیفیت ماده اولیه مورد نیاز برای تولید ضروری است، زیرا قیمت محصول هم بسته به کیفیت آن متفاوت است. همچنین باید مطالعات بازاری دقیقی درباره کشور یا شرکتی که کالای مورد نظر را عرضه می‌کند، به دست آید. باید تلاش شود تا ماده اولیه از ارزان‌ترین منطقه خریداری شود و این انتخاب، فارغ از این دغدغه باشد که فاصله محل تولید ماده اولیه با کارخانه مصرف‌کننده چقدر است. البته لحاظ هزینه حمل‌ونقل هم مساله‌ای جدی و ضروری است و در قیمت تمام‌شده ماده اولیه ورودی به کارخانه‌های تولیدی باید محاسبه شود و مورد توجه قرار گیرد.

از طرف دیگر، خرید باید در حجم انبوه انجام شود زیرا در بیشتر موارد خرید انبوه کالا ارزان‌تر از خرید در حجم اندک خواهد بود. در این مرحله باید درباره مکان نگهداری و انبار کالاها هم تصمیم‌گیری شود زیرا مواد اولیه که در حجم زیاد خریداری می‌شود باید به شیوه‌ای نگهداری شود که برای ادامه فرآیند تولید، مشکلی نداشته باشند زیرا خراب شدن یا آسیب دیدن مواد اولیه زیان زیادی به صاحبان کسب‌وکارها تحمیل می‌کند.

ایجاد جریان کارآمد تولید را فراموش نکنید

دومین مساله در بخش مدیریت زنجیره عرضه، ایجاد جریان کارآمد تولید است. نشریه «مدیوم» در این زمینه خاطرنشان کرده است: «مدل‌سازی زنجیره تولید با مدیریت جریان کاری شروع می‌شود و شامل مدیریت مناسب مواد اولیه

برای اینکه مواد اولیه با کیفیت و حجم مورد نیاز خریداری شود، باید اطلاعات لازم در اختیار مدیران بخش خرید قرار گیرد. تعیین کیفیت ماده اولیه مورد نیاز برای تولید ضروری است، زیرا قیمت محصول هم بسته به کیفیت آن متفاوت است.



دو مرحله نهایی مدیریت زنجیره عرضه برنامه‌ریزی مالی و در نهایت برنامه‌ریزی برای عرضه به بازار مصرف و ارائه خدمات پس از فروش است. برنامه‌ریزی مالی به منظور کسب حداکثر سود و بهترین نتیجه امری مهم است. این برنامه‌ریزی مالی می‌تواند امکان طی کردن تمامی مراحل تولید را بدون وجود دغدغه‌های رایج فراهم کند. در نهایت هم برنامه‌ریزی برای عرضه محصولات نهایی به بازار مصرف و تصمیم‌گیری درباره نحوه خدمات‌رسانی بعد از عرضه کالا است.

در نهایت باید در نظر داشت اگر یک شرکت، زنجیره عرضه خود را متناسب با راهبرد تولید خود، طراحی و کارشناسی کند، می‌توان رشد سودآوری شرکت و افزایش قدرت رقابتش در بازار مصرف را انتظار داشت و در چنین شرایطی اقتصاد کشور هم از رشد تولید چنین شرکت‌هایی بهرمنند خواهد شد و قادر است رونق فزون‌تر اقتصادی را تجربه کند.

استقبال آهنی‌ها از بورس غیر دستوری

رئیس اتحادیه آهن، فولاد و فلزات شهرستان تهران:
عرضه بورسی می‌کنیم اگر دخالت دولت نباشد



استفاده از ابزار مدرن و شفاف بورس برای فعالان حوزه سنگ آهن قابل پذیرش است و از آن استقبال می‌کنند اما به گفته رئیس اتحادیه آهن، فولاد و فلزات شهرستان تهران مشروط به آنکه دولت از دخالت در این بورس خودداری کند. موضوعی که بسیاری دیگر از فعالان و عرضه‌کنندگان کالا در بورس به آن نقد دارند. حمیدرضا رستگار در گفت‌وگو با ما همچنین ضرورت‌های عرضه کالاها در بورس و نیز چالش‌های کنونی اعضای اتحادیه خود را واکشافی کرده که با هم می‌خوانیم.



بورس واقعی شود و با دخالت‌های دولت و سایر صاحب نفوذان از هدف اصلی خود دور نشود، قطعا عرضه محصولات در بورس کالا می‌تواند به تعادل بخشی به بازار کمک کند. در بازاری که همه چیز به طور شفاف اعلام می‌شود، طرف‌های عرضه و تقاضا، نوع معامله و کالای مورد معامله مشخص و قابل بازدید و ارزیابی است و در نهایت قیمت‌ها بر اساس میزان عرضه‌ای و تقاضای واقعی تعیین می‌شود. علاوه بر این حتما قیمت‌ها هم کارشناسی، واقعی و بدون حباب و ایجاد رانت برای عده‌ای خاص خواهد بود و مجالس برای میدان‌داری دلان باقی نمی‌ماند. بدیهی است ورود به چنین بورسی و عرضه محصولات در آن کاملا به نفع هر تولیدکننده‌ای است. بنابراین اگر اصلاحات لازم انجام شود تولیدکنندگان سنگ آهن نیز مشتاق خواهند شد که محصولات خود را از طریق این بازار رقابتی و آزاد عرضه کنند و به دست مصرف‌کنندگان واقعی برسانند.

تجارب جهانی بورس‌ها را برای الگویی که شرح دادید، چقدر راهگشا می‌دانید؟

عرضه و تقاضا در کشورهای دیگر که بورس دارند، واقعی و به تبع آن کشف قیمت‌ها نیز مطابق واقعیت است. در آنجا سازوکارهای نظارتی و قانونی از وظیفه خود فراتر نمی‌روند و پا را از محدوده تعیین‌شده نظارتی بیرون نمی‌گذارند و وارد حوزه قیمت‌گذاری و ایجاد محدودیت برای معاملات نمی‌شوند. معاملات در بورس اگر صحیح اجرا شود به عنوان یک سازوکار مدرن قابل پذیرش برای تمام طرف‌های تولید و عرضه خواهد بود. بورس‌های جهان در عملکرد خود موفق بوده‌اند و ما هم اگر بخواهیم در مسیر موفقیت گام برداریم و حداقل هزینه آزمون و خطا را برای رسیدن به اهداف ببردازیم، جز استفاده از نقاط قوت آزمایش پس‌داده آنها انتخاب منطقی دیگری نداریم.

پس از عرضه محصولات فولادی در بورس، نظم این بازار به دلیل شفافیت عرضه بورسی بیشتر و قیمت‌ها متعادل‌تر شده است. با این حال از زنجیره بزرگ محصولات فولادی، فقط تعدادی از آنها در بورس عرضه و هنوز بخش عمده‌ای از تولیدات در خارج از بورس داد و ستد می‌شود. با توجه به ظرفیت اثرگذاری بورس بر تنظیم بازار، آیا عرضه بورسی سنگ آهن و مواد معدنی را مفید می‌دانید؟

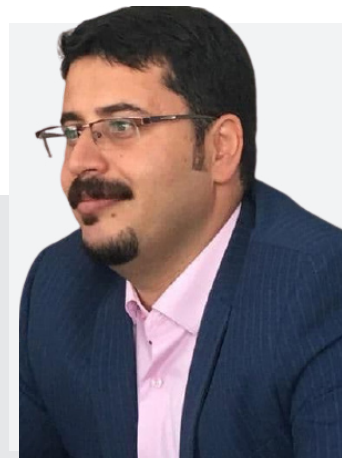
بورس کالا ذاتا کارایی مناسبی برای تنظیم بازار دارد و نهاد خوبی است تا در آن عرضه و تقاضا یکدیگر را پیدا کنند و کشف قیمت بر پایه همین سازوکار شکل بگیرد. با این حال بورس باید از قوانین بورسی تبعیت کند و این قوانین که به عنوان پایه و اساس اصلی معاملات تلقی می‌شود، نباید تحت شرایط خاص و دستورات ویژه‌ای به فراموشی سپرده شود. حال کنونی بورس ما خوب نیست، امروز بورس تحت فشار دستورات از بالا قرار دارد و گاه ناگزیر می‌شود از قوانین خود عدول کند. در نتیجه بورس کالا از شفافیت فاصله گرفته و اغلب کشف قیمت‌ها بر پایه عرضه و تقاضا شکل نمی‌گیرد. دقیقا مانند این است که شما اتاق شیشه‌ای ایجاد کرده‌اید تا هر آنچه را در اتاق هست، همه نظاره کنند اما دولت روی این شیشه‌ها برچسب مشجر چسبانده و جلوی دید مردم را گرفته است. مقرره‌هایی که دولت تعیین می‌کند با ذات بورس در تعارض است و در این شرایط عرضه محصولات در بورس و خارج از بورس تفاوتی ندارد. بنابراین اگر شرایط فعلی ادامه داشته باشد، عرضه سنگ آهن در بورس کمکی به تنظیم بازار نخواهد کرد.

اگر توافق و مقرر شود که عرضه بورسی سنگ آهن در دایره شمول دستورات دولت قرار نگیرد، مایل به عرضه محصولات خود در بورس هستید؟

اگر اصلاحاتی در روند اجرایی بورس صورت گیرد و

رمز موفقیت؛ نظارت و پیشگیری از تخلف

مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد: عرضه بورسی حلقه‌های پایانی زنجیره فولاد ضروری است



امکان عرضه محصولات نهایی باید در بورس کالا فراهم شود. این تاکید مکرر مدیر اجرایی انجمن تولیدکنندگان فولاد است. وحید یعقوبی می‌گوید: وقتی این محصولات به بورس می‌آید عرضه و تقاضا و سپس قیمت‌ها، شفاف می‌شود. عرضه‌کننده می‌داند که متقاضی محصول او کیست و همین شفافیت معاملات، کنترل اصولی این بازار را امکان‌پذیر می‌کند، اما در بازار سنتی به دلیل عرضه و تقاضاهای پرمشمار فعالان ناشناس، امکان رصد معاملات و نظارت بر آنها دشوار است. گفت‌وگوی ما با یعقوبی را در ادامه بخوانید.

بورس کالا

است. محصولاتی مثل میلگرد، تیرآهن، ناودانی و حتی پروفیل لازم است در بورس کالا عرضه شود. یکی از پرسش‌های ما هم این است که چرا محصولی مثل «نبشی» در بورس قابل معامله است اما پروفیل قابل معامله نیست؟

دلیل این عرضه نشدن های بورسی چیست؟

می‌گویند به دلیل تنوع زیاد مشخصات نمی‌توانیم عرضه آنها را بپذیریم. البته به گمانم در صورتی که عزمی برای آماده کردن زیرساخت‌ها باشد، می‌توان تمام این محصولات را در بورس عرضه کرد. در بحث میلگرد و شمش نیز این اهتمام صورت گرفته و شرایط برای پذیرش آنها آماده شده است. حلقه‌های پایانی زنجیره تولید هم می‌توانند مشمول این اهتمام باشند. البته باید بحث نظارت هم به طور جدی دنبال شود تا از بروز تخلفات جلوگیری شود. به طور مثال شرکتی که میلگرد به بازار عرضه می‌کند نباید اجازه داشته باشد از طریق شرکت‌های واسطه‌ای خودش دوباره آن میلگردها را خریداری کند. یعنی بورس علاوه بر ایجاد شفافیت در نظام عرضه و تقاضا لازم است نظارت‌های خود را هم در بازار تشدید کند.

چرا معتقدید محصولات حلقه نهایی زنجیره فولاد

باید در بورس عرضه شود؟

در وهله اول که این محصولات به بورس بیاید عرضه و تقاضا و سپس قیمت‌ها شفاف می‌شود. عرضه‌کننده می‌داند که متقاضی محصول او کیست و همین شفافیت معاملات کنترل اصولی این بازار را امکان‌پذیر می‌کند. در بازار سنتی، به دلیل عرضه و تقاضاهای پرمشمار فعالان ناشناس، امکان رصد معاملات و نظارت بر آنها بسیار دشوار است، اما در حلقه‌های ابتدایی اساسا به اندازه انگشتان دست عرضه‌کننده و متقاضی وجود دارد و چه در بورس و چه خارج از بورس مشخص است که خریدار و فروشنده چه کسانی هستند و معاملات بورسی در این حلقه‌ها تاثیر و کارآمدی چندانی ندارد.

طی بیش از یک دهه‌ای که بورس کالا فعالیت خود

را آغاز کرده است، محصولات فولادی از عرضه‌های ثابت این بازار بوده است. فولاد بخش‌های بسیار متنوعی از تولیدات را دارد اما فقط بخشی از آنها در بورس معامله می‌شود. آیا عرضه همه محصولات این زنجیره در بورس را ضروری می‌دانید؟

نحوه عرضه محصولات فولاد در بخش‌های مختلف متفاوت است. به طور مثال عرضه شمش و ورق شرایطی دارد که کاملا با شرایط عرضه سنگ آهن فرق می‌کند. از سوی دیگر عرضه لوله و پروفیل هم شرایط خاص خود را دارد. بنابراین برای هر محصول باید متناسب با ذات و ویژگی‌های آن محصول سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد. بورس برای محصولاتی مناسب است که تعداد عرضه‌کننده و متقاضی دارد. در بازار این محصولات بورس می‌تواند با فراهم کردن شرایط معامله، خرید و فروش‌هایی منطقی و با قیمت رقابتی را شکل دهد. در مورد سنگ آهن وضعیت کمی متفاوت است. بیش از ۹۰ درصد سنگ آهن تولیدشده توسط سه شرکت عرضه می‌شود و بیش از ۹۰ درصد تقاضای سنگ آهن مربوط به چهار شرکت بزرگ است. با این تعداد محدود نمی‌توان انتظار شکل‌گیری بازار مناسبی در بورس داشت. در واقع عرضه و تقاضا چندان در کشف قیمت‌ها اثرگذار نخواهد بود. اما در مورد سایر محصولات مثل «گندله» وضعیت متفاوت است و می‌توان با عرضه آن در بورس، انتظار شکل‌گیری بازاری رقابتی و مبتنی بر عرضه و تقاضا را داشت. در زنجیره فولاد، هر حلقه با حلقه قبل و بعد از خود تفاوت دارد. مثلا در بخش شمش به دلیل عرضه و تقاضای زیاد، قیمت‌ها کاملا بر اساس عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد. اما در محصولات سنگ آهن قیمت‌ها در واقع ضریبی از قیمت شمش است.

به اعتقاد شما کدام یک از حلقه‌ها نیاز به عرضه در

بورس دارد؟

عرضه بورسی حلقه‌های پایانی زنجیره فولاد ضروری

ذوب رانت آهن در بورس

شهرستانی، عضو هیات مدیره انجمن فولاد ایران: «امضاهای طلایی» در بورس باید محو شود



عضو هیات مدیره انجمن فولاد ایران از فعالان با سابقه بازار فولاد و آهن، همانند بسیاری از همکاران و کارشناسان دیگر بر ضرورت حضور سنگ آهن در بورس تاکید دارد اما منتقد دخالت‌های گاه و بیگاه دولت در زنجیره تولید و قیمت‌گذاری‌های دستوری هم هست. رضا شهرستانی می‌گوید اگر «امضای طلایی» در سهمیه‌های بورسی باقی بماند، رانتی ایجاد می‌کند که به زیان تولیدکنندگان است. گفت‌وگوی ما با شهرستانی را در ادامه بخوانید.



شد زیرا حجم معامله، قیمت و خرید و فروش بورس شفاف است که همه این نکات مثبت به بازار آهن کمک کند. اتفاقاً ما دنبال شفاف‌سازی هستیم تا همه اطلاعات آماری و حتی مالیاتی کاملاً در دسترس باشد و این اتفاقی است که در تمام بورس‌های دنیا رخ می‌دهد.

هم‌اکنون، قیمت‌گذاری محصولات فولادی از سوی دولت چگونه است؟

دولت بر اساس فرمولی که در بخش‌های مختلف، اعم از تولید کنستانت، آهن اسفنجی، ذوب، نورد و...، قیمت‌گذاری می‌کند تا سودی متعادل و متناسب با سرمایه‌گذاری و هزینه تمام‌شده نصیب تولیدکنندگان شود. این فرمول حدود ۱۰ سال است تغییر نکرده و اکثر فعالان بازار هم از آن رضایت داشتند. مشکل اساسی وقتی ایجاد شد که یک معاون وزیر در بخش صنایع به این فکر افتاد که با پایین نگه داشتن قیمت شمش، به نفع مصرف‌کننده نهایی اقدام کند اما چون قیمت‌های دستوری اعلامی حدود ۳۰ درصد زیر قیمت واقعی بود، تمام زنجیره تولید متضرر شدند و همه اجزای زنجیره تحت فشار قرار گرفتند. خودداری دولت از دخالت در بورس باعث خواهد شد قیمت تعیین‌شده داخلی هرگز از قیمت‌های صادراتی بالاتر نرود، زیرا منطق می‌گوید کالاها برای ورود به فاز صادرات هزینه‌هایی برای تولیدکننده ایجاد می‌کنند. در واقع اغلب تولیدکنندگان ترجیح می‌دهند کالای خود را با ۵ تا ۱۰ درصد کمتر از قیمت‌های بین‌المللی در بازارهای داخلی بفروشند و این رویکرد به افزایش عرضه محصولات فولادی در داخل و متعادل شدن قیمت‌ها منجر می‌شود.

سنگ آهن برخلاف سایر محصولات فولادی همچنان در بازار سنتی عرضه می‌شود با همان سازوکارهای غیرشفاف و اغلب واسطه‌گری‌هایی که بر قیمت آن می‌افزاید. در چنین وضعیتی عرضه بورسی سنگ آهن را چقدر ضروری می‌دانید؟

هم اکنون انحصار سنگ آهن تقریباً دست دولت است و قرار نیز بود که قیمت سنگ آهن را «ایمیدرو» محاسبه کند. با این وجود به نظر می‌رسد، تنگناهای اقتصادی دولت باعث شده است بخش خصوصی را ترغیب کنند تا سنگ آهن از طریق بورس به مشتریان عرضه شود. البته باید این نکته را هم تاکید کنم که ما قطعاً از ورود به بورس کالا استقبال می‌کنیم زیرا کشف قیمت‌ها در بورس واقعی است، ولی اگر دولت بخواهد در بخشی از این زنجیره دخالت کند و سقف قیمت یا کف عرضه تعیین و ابلاغ کند یا وزارت صمت معاملات را ابطال کند، از نظر ما دیگر چیزی به نام بورس معنا نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه متأسفانه در مواردی دولت به قیمتی که خود برای دلار تعیین کرده است نیز پایبند نیست، به عنوان مثال برای فولاد خوزستان دلار ۲۱ هزار تومانی تعیین کرده‌اند و بر اساس آن سقف قیمت اعمال می‌کنند اما وقتی دلار در بازار آزاد به ۲۷ هزار تومان می‌رسد، در واقع دولت دلار را ۲۰ درصد ارزان‌تر از بازار به برخی افراد می‌دهد که همین موضوع زمینه‌ساز رانت و ایجاد فساد در این زنجیره می‌شود. بنابراین باید اینگونه رانت‌ها از میان برود.

حضور سنگ آهن در بورس چقدر به شفافیت و رقابت آزاد و عادلانه در این بازار کمک می‌کند؟ مسلماً حضور در بورس باعث اتفاقات مثبتی خواهد

گامی برای تکمیل حلقه‌های زنجیره فولاد در بورس

دبیر انجمن سنگ آهن: مجلس عرضه سنگ آهن در بورس کالا را بررسی می‌کند



اکنون برخی محصولات زنجیره فولادی در بورس کالا عرضه می‌شود و برخی دیگر در خارج از بورس و بازار آزاد مورد معامله قرار می‌گیرد که این مساله ناهمگونی‌هایی را در این زنجیره ایجاد کرده است. فعالان حوزه فولادی به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارشی را آماده کرده‌اند که در آن بهترین روش برای فروش سنگ آهن، نظام عرضه و تقاضا و استفاده از ابزار بورس عنوان شده است. دبیر انجمن سنگ آهن در گفت‌وگو با خبرنگار ما ضمن اشاره به این گزارش گفت: ما اکنون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر که موضوع صادرات و عوارض صادراتی در آن تعریف شده است را لحاظ و در گزارشی که به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس آماده کرده‌ایم این مباحث را در نظر داشته و پیشنهاد داده‌ایم که تمام عرضه‌ها باید در بورس انجام شود، سپس آنچه در بورس مشتری نداشت می‌تواند در خارج از کشور و در قالب صادرات فروخته شود تا برای کشور ارزآوری داشته باشد. سعید عسگرزاده ادامه داد: کارشناسان هم در حال پیگیری هستند که موضوع در صحن علنی مجلس مطرح شود و با رای مجلس از این پس ساختار معاملات، نظام عرضه و تقاضا باشد.



رهگذر می‌تواند به تنظیم بازار و نحوه سیاستگذاری‌ها در این حوزه یاری رساند.

برای اینکه سنگ آهن در بورس کالا عرضه شود لازم است که زیرساخت‌هایی فراهم شود. امروز این پرسش مطرح می‌شود که آیا بورس کالا می‌تواند ابزار دقیقی برای عرضه این محصول باشد؟ یکی از مشکلاتی که عرضه سنگ آهن در بورس کالا متنوع بودن آن است که همین امر قیمت‌گذاری برای آن را سخت خواهد کرد. سنگ آهن دست‌پرورده طبیعت است و ساخته دست بشر نیست؛ وقتی سنگ آهن تبدیل به کنسانتره، گندله یا آهن اسفنجی می‌شود، یک رنج قیمتی را می‌توان برای آن تعیین کرد اما وقتی برای سنگ آهن می‌خواهید قیمت‌گذاری کنید می‌بینید یک محصولی است با عیارهای بسیار متفاوت و عناصر مزاحم بسیار مختلف. به طور مثال اگر شما هماتیسی داشته باشید که فی توتال آن ۵۰ است نمی‌توانم بگویم مناسب چه تولیدی خواهد بود چون حتما باید مشخص شود که FEO آن چقدر بوده و حتما باید مشخص باشد که سولفور و فسفر آن چه میزان است. پس به همین میزان که تنوع در این محصول زیاد است تعیین

چند سالی است که عرضه برخی محصولات فولادی در بورس کالا آغاز و با سازوکارهای تعریف‌شده در بورس خرید و فروش انجام می‌شود. اما وقتی صحبت از فولاد می‌شود ما با یک زنجیره مفصل از محصولات مواجه هستیم که از سنگ آهن، به عنوان نخستین حلقه این زنجیره تا محصولات پلیمری و لوله و پروفیل را در بر می‌گیرد. اکنون فقط تعدادی از حلقه‌های این زنجیره در بورس کالا عرضه دارد و باقی موارد همچنان در بازار سنتی معامله می‌شود. به عنوان یک فعال در حوزه سنگ آهن آیا عرضه این محصول در بورس را لازم و ضروری می‌دانید؟

قطعاً یکی از بهترین راه‌ها برای معاملات محصولات، عرضه در بورس کالا است. با سازوکار بورس معاملات به صورت شفاف‌تری انجام می‌شود و در کنار سایر محصولاتی که در بورس وجود دارد؛ بحث کشف قیمت آن نیز با روش سایر محصولات صورت می‌گیرد و از آن حیث دچار گپ و فاصله خاصی نمی‌شویم. قاعدتاً به عنوان یک روش کارشناسی‌شده این راهکار بسیار ایده‌آلی است و می‌تواند به شناسایی میزان نیاز در بازار و شناسایی قیمت‌های کارشناسی کمک کند و از این

قیمت هم برای آن متفاوت خواهد بود. بنابراین آن قیمت پایه‌ای که قرار است بورس کالا برای عرضه این محصول تعیین کند، بسیار متنوع می‌شود و وقتی تا این حد تغییر و تنوع وجود داشته باشد؛ کار بورس سخت می‌شود و گمان می‌کنم باید راهکاری برای آن پیدا کرد. به هر حال این مساله منافاتی با عرضه در بورس کالا ندارد و به نظر من حتما باید به عنوان یک ابزار درست از بورس استفاده کرد.

*یکی از مشکلاتی که تولیدکنندگان حوزه فولادی با آن مواجهند این است که دولت در بخش‌هایی از این زنجیره ورود و قیمت‌گذاری می‌کند اما در بخش‌هایی دیگر قیمت را به بازار آزاد سپرده است. این سیاست

ناهمگون سبب بروز اختلاف قیمت‌هایی شده که بعضا برای گروهی سود اندک و حتی گاهی زیان و برای عده‌ای دیگر سودهای رانتهی و بالا ایجاد کرده است.

دولت تا امروز برای سنگ آهن قیمتی تعیین نکرده است. اغلب قیمت‌هایی که بحث برانگیز می‌شود مربوط به کنسانتره است. دولت برای کنسانتره قیمت می‌گذارد اما از کنسانتره به بعد همه چیز به بازار سپرده می‌شود. یعنی دولت با یک گشاده‌دستی و با یک مارجین سود خیلی خوب از کنسانتره به بعد و در بخش فولادی، بازار را پیش می‌برد. به عقیده من در پایین دست اگر کنسانتره ۱۶ درصد عرضه شود، گندله‌ساز می‌تواند ۲۳/۵ عرضه کند. بحث ما این است که اگر ۱۶ ارائه شود گندله‌ساز

حتی می‌تواند ۲۲ هم عرضه کند. یعنی دولت یک مقداری گشاده‌دستی کرده تا به عدد شمش که ۱۰۰ هست، برسد به همین خاطر عدد کنسانتره ۱۶ شده است. اگر از همان بالا به جای عدد ۵۰ برای آهن اسفنجی، عدد ۶۰ می‌گذاشت قاعدتا گندله نزدیک ۳۰ می‌شد و کنسانتره به بالای ۲۲ می‌رسید. اگر این اتفاق می‌افتاد مارجین سود اینها معقول می‌شد و کنسانتره می‌توانست با قیمت مناسب سنگ آهن را

بخرد. یعنی تمام بحث روی هزینه تمام‌شده معدن است. اگر معدن نتواند به قیمت مناسب که هزینه تمام شده به اضافه سود ترجیحی هست بفروشد قاعدتا کنسانتره‌ساز نمی‌تواند با قیمت ۱۶ عرضه کند و ناگزیر است روی اعداد بالاتر معامله انجام دهد. بحث ما با آقایان این است که اگر ما کنسانتره را ببریم روی ۲۰ درصد، نظم بازمی‌گردد و سنگ آهن را می‌توان روی ۹ درصد شمش فولاد خوزستان خرید و با این شرایط سنگ آهنی که مد نظرمان است؛ سنگ آهن ۵۰ درصد خواهد بود. اگر این اتفاق بیفتد، باقی حلقه‌های تولید نیز خود را تنظیم می‌کنند.

این مشکل با ورود به بورس مرتفع خواهد شد؟

قطعا، بهترین حالت این است که تمام حلقه‌های زنجیره فولاد در بورس و بر اساس نظام عرضه و تقاضا معامله شود. ما گزارشی را به مرکز پژوهش‌های مجلس ارائه کرده‌ایم که درخواست‌مان در آن عرضه محصولات در بورس کالا است. کارشناسان هم در حال پیگیری هستند که موضوع در صحن علنی مجلس مطرح شود و با رای مجلس از این پس ساختار معاملات، نظام عرضه و تقاضا باشد. مسلما بهترین نظام و فرآیند برای تصمیم‌سازی، نظام عرضه و تقاضاست. قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر که موضوع صادرات و عوارض صادراتی در آن تعریف شده است را در نظر گرفته‌ایم و در گزارشی که به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس آماده کرده‌ایم، این مباحث را لحاظ و پیشنهاد داده‌ایم که تمام عرضه‌ها باید در بورس انجام

شود. سپس آنچه در بورس مشتری نداشته می‌تواند در خارج از کشور در قالب صادرات فروخته شود و برای کشور ارزآوری داشته باشد. تمام فرآیند را طراحی کرده‌ایم و به کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد داده‌ایم که مورد اقبال کارشناسان هم قرار گرفت. در نهایت هم تصمیم بر این شد که مدل مبتنی بر عرضه و تقاضا را پیش ببرند و پس از تامین نیاز داخل کشور، باقی محصولات از فرصت صادرات بهره‌مند شوند.



آن قیمت پایه‌ای که قرار است بورس کالا برای عرضه این محصول تعیین کند، بسیار متنوع می‌شود و وقتی تا این حد تغییر و تنوع وجود داشته باشد؛ کار بورس سخت می‌شود و گمان می‌کنم باید راهکاری برای آن پیدا کرد

امید آهنی‌ها به تالارهای شیشه‌ای

قدیر قیافه، عضو هیات مدیره انجمن سنگ آهن: اصرار داریم سنگ آهن در بورس کالا کشف قیمت شود



چرا بحث عرضه سنگ آهن و قیمت‌گذاری آن در بورس کالا مطرح شده و عده‌ای پیگیر تحقق این عرضه هستند؟ مشکلات فعلی بازار سنگ آهن چیست؟ و عرضه بورسی چگونه می‌تواند به کاهش این چالش‌ها کمک کند؟ قدیر قیافه، عضو هیات مدیره انجمن سنگ آهن، نایب رئیس کنفدراسیون صادرات ایران و عضو هیات مدیره اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات معدنی ایران در گفت‌وگو با ما به این سوالات پاسخ داده که در ادامه می‌خوانید.



میلیون تومان است در صورتی که واحدهای مصرف‌کننده، می‌خواهند این میزان از محصول را با قیمت نهایت یک میلیون تومان از تولیدکننده داخلی بخرند! مشخص است که در اینجا یک انحصار و رانت به زیان بخش بالادست و سود بخش پایین‌دست ایجاد شده است.

سنگ آهنی‌ها چقدر مایل هستند وارد بورس کالا شوند؟

اصرار داریم که سنگ آهن حتما در بورس کالا عرضه و کشف قیمت و شفاف‌سازی شود تا با قیمتی منصفانه و عادلانه به دست حلقه‌های بعدی برسد. ما اعتقاد داریم این قیمت باید کسری از قیمت فوب خلیج فارس باشد که با محاسبه هزینه‌های حمل و ... به دست می‌آید و باید در بورس کالا، کشف قیمت و به صنایع پایین‌دستی عرضه شود. مزیت مهم بورس، کشف قیمت رقابتی و عادلانه است و الزامی هم وجود ندارد که ۱۰۰ درصد این محصولات در بورس عرضه شود، زیرا اگر مثلا ۱۰ تا ۱۵ درصد محصولات نیز در بورس عرضه شود فرآیند کشف قیمت انجام خواهد شد. برخی از مجموعه‌های بزرگ نیز هستند که ناچارند قراردادهای بلند مدت ببندند و نمی‌توانند وارد بورس شوند و خرید کنند اما بورس به عنوان نهادی که شفاف‌سازی و کشف قیمت می‌کند، قادر است خط قیمت و نرخ را تعیین کند و به بازار نشان دهد.

در حال حاضر قیمت‌ها به چه شکل تعیین می‌شود؟

قیمت‌ها در حال حاضر با ضریبی از شمش فولاد خوزستان تعیین می‌شود. دوره‌ای را در نظر می‌گیرند و از میانگین آن قیمت مشخص می‌شود که البته درصدهای متفاوتی دارد.

عرضه سنگ آهن در بورس کالا تا چه حد ضروری است؟

این موضوع از حدود پنج سال پیش مطرح بود و مذاکره‌های متعددی نیز صورت گرفت که در آن ضرورت ورود معدنی‌ها به ویژه نهادهای تولیدی از جمله سنگ آهن در زنجیره ارزش فولاد مطرح شد و اگر اشتباه نکنم، تفاهم‌نامه‌ای نیز بین بورس کالا و انجمن سنگ آهن ایران برای ورود به بورس امضا شد اما متأسفانه با توجه به اینکه همیشه دولت‌ها و وزارت صنعت، معدن و تجارت میل دخالت در اقتصاد دارند، این مذاکرات نافرجام ماند. این در حالی است که عرضه بورسی هر کالای تولیدی موجب شفافیت، روان شدن معاملات، ضمانت اجرای قرارداد و کشف قیمت واقعی خواهد شد و سنگ آهن هم از این قاعده مستثنی نیست. ورود سنگ آهن به بورس کالا هم به سود تمام ذی‌نفعان این بخش در بالادست شامل معدن‌کاران، تولیدکنندگان سنگ آهن کنستانت‌تره و هم به نفع صنایع پایین‌دستی است زیرا می‌توانند به‌موقع و بدون تاخیر نیاز خود را از بورس کالا و در شرایط کاملا رقابتی و شفاف تامین کنند.

مشکلات کنونی بازار سنگ آهن چیست؟

یکی از مشکلات فعالان بازار سهمیه‌بندی‌هایی است که دولت در حوزه سنگ آهن، کنستانت‌تره و حتی آهن اسفنجی انجام داد که نفع و نتیجه عملی ندارد. سوال این است که آیا این سهمیه‌بندی موجب تامین مواد اولیه واحدهای پایین‌دستی شد؟ مسلما خیر. نکته اصلی این است که دخالت دولت‌ها در بازارها، انحصاری ناعادلانه ایجاد می‌کند که این را می‌توانید کاملا در زنجیره فولاد مشاهده کنید. به عنوان مثال قیمت صادراتی یک تن «سنگ آهن دانه‌بندی» در بازارهای جهانی حدود ۲

پیش نیازهای قیمت گذاری عادلانه در بورس

ابویی، عضو سندیکای لوله و پروفیل کشور: خرید به قیمت جهانی و فروش به قیمت دولتی مشکل زاست



یک عضو سندیکای لوله و پروفیل کشور معتقد است: از پیامدهای حضور سنگ آهن در بورس مهار دخالت دولت و وزارت صمت در این بازار است. محمد ابویی می‌افزاید: اگر همه زنجیره فولاد وارد بورس شود شاهد قیمت گذاری درست و عادلانه خواهیم بود. گفت‌وگوی ما با نایب رئیس انجمن نورد ایران را در ادامه بخوانید.



زیادی به زنجیره فولاد کشور می‌کند. من معتقدم عرضه فولاد در خارج از بورس حتی به گران شدن ارز هم کمک کرده زیرا دولت ارز را فقط برای توسعه خود هزینه و محصولات فولادی را فقط در شرایط خاص در بازار عرضه می‌کند که همین باعث انحصار و گرانی شده است. فولادی‌ها رسماً اعلام می‌کنند که صنایع تامین‌کننده منابع فولادی‌ها باید با آنها «معامله ربالی» کنند اما خود فولادی‌ها محصولاتشان را بدون اعلام سقف و به قیمت جهانی عرضه می‌کنند و به این ترتیب در مواردی حتی معامله محصول تا ۳۲ درصد بالاتر از قیمت جهانی هم دیده شده است.

تاثیر تعیین کف عرضه و سقف قیمت برای محصولات فولادی در بورس چگونه بوده است؟

ما کشوری هستیم که ۲ برابر نیاز داخل فولاد داریم اما برخی کارخانه‌ها به علت نداشتن مواد اولیه دچار مشکل شده‌اند و بازار نابسامان است. متأسفانه عرضه و تقاضا از سوی دولت کنترل و مدیریت می‌شود و کار به جایی رسیده که نوردکاران از انجمن فولاد جدا شده‌اند و معتقدند آنها فقط منافع گروهی خود را در نظر دارند. اگر قرار بر این است که عرضه در این زنجیره متعادل باشد باید دولت به همه محصولات نگاه همسان داشته باشد تا تبعیضی ایجاد نشود و قیمت‌های بورسی در فضای رقابتی تعیین شود.

هم‌اکنون قیمت گذاری چگونه انجام می‌شود؟

متأسفانه فضای غالب «قیمت گذاری دستوری» است. اما دولت باید صنعت فولاد داخلی را با واقعیت‌های اقتصادی همخوان کند تا سود آن به یک گروه خاص نرسد. به نظر من باید معیارهای بازار جهانی در بازار داخلی کل اجزای زنجیره فولاد حاکم شود چرا که اگر همه زنجیره فولاد وارد بورس شود شاهد قیمت گذاری درست و عادلانه خواهیم بود.

لوله و پروفیل یکی از حلقه‌های زنجیره فولاد کشور است؛ زنجیره‌ای که دولت برای برخی از حلقه‌های آن سیاست گذاری و قیمت گذاری می‌کند. به عنوان یکی از مدیران و فعالان این صنعت، وضعیت بازار این محصول را چگونه می‌بینید؟

قیمت صنایع فلزی جهانی است و با دلار معامله می‌شود، هشت برابر شدن قیمت دلار طی ۲ سال اخیر در ایران باعث جهش قیمت عجیب این محصولات شده است. در این میان دولت باید تکلیف خود را مشخص کند که اساساً معامله با پول ملی را قبول دارد یا خیر؟ نکته دیگر اینکه قانون بورس می‌گوید ورود کالاهای انحصاری به بورس ممنوع است اما سیاست‌گذاران دولتی با اعلام پی در پی قیمت‌های جدید این قانون را نقض می‌کنند. حدود ۹۰ درصد محصولات فولادی در دست چهار شرکت «خصوصی» و دولتی است. دولتی‌ها به تولیدکنندگان «نورد» که زنجیره آخر صنعت فولاد هستند تکلیف می‌کند نیاز خود را با قیمت جهانی بخرند و هم‌زمان برای آنها، قیمت فروشی مقرر کرده که به دلیل تناسب نداشتن با هزینه خرید، بازار را دچار مشکل کرده است.

انگیزه فعالان بازار سنگ آهن از حضور در بورس چیست؟

تولیدکنندگان سنگ آهن خواستار حضور در بورس هستند تا بتوانند از مزایای بورس کالا بهره‌مند شوند البته درخواست آنان بی قید و شرط نیست بلکه آن را به دخالت نکردن دولت و وزارت صمت در معاملات بورسی مشروط کرده‌اند. اگر قرار باشد در آینده هم مانند چند نمونه اخیر معامله میلگرد انجام‌شده در بورس کالا مطابق نرخ اعلامی باطل شود، معدن‌داران و نوردی‌ها از ورود به بورس استقبال نخواهند کرد. این در حالی است که حضور سنگ آهن در بورس کالا کمک

بورسکارا

بورس های جهانی



صفر تا صد بورس فلزات لندن

پاگشایی «لات» در معاملات؛ شیفت تمرکز به فلزات بازیافتی

هدا عربشاهی: بورس فلزات لندن (LME) در شمار بزرگ‌ترین و معتبرترین بورس‌ها در سراسر جهان است که در مقر اصلی‌اش در انگلستان اساساً به معاملات مرتبط با فلزات آهنی و غیرآهنی مشغول است. بورس فلزات لندن معاملات قراردادهای آتی انواع فلزات و مواد اولیه است و بخشی از جامعه تجارت جهانی امروز را تشکیل می‌دهد که در آن اینترنت و انواع فناوری‌ها سرمایه‌گذاری‌های مختلف و جالب‌توجهی را میسر کرده‌اند. «ال‌ام‌ای» از بدو تاسیس در اواخر قرن نوزدهم به مرجعی معتبر در ارزش‌گذاری فلزات و کالاهای خاص تبدیل شده است و هر روز میلیاردها دادوستد مالی در آن انجام می‌شود.



سال ۲۰۱۰ کبالت و مولیبدن هم به این فهرست افزوده شد و همچنین از سال ۲۰۱۱ حتی دادوستد پلاستیک هم به بورس فلزات لندن راه یافت. ارزش معاملات سالانه این بازار بالغ بر ۱۱/۶ تریلیون دلار آمریکا است. اما دو فلز پلاتین و پالادیوم در «ال‌ام‌ای» دادوستد نمی‌شوند و بازار پلاتین و پالادیوم لندن (LPPM) محل برگزاری معاملات آنهاست.

جدول فلزات «ال‌ام‌ای»

ردیف	فلزات غیرآهنی	فولاد	فلزات جزئی
۱	آلومینیوم	فولاد ورقه	کبالت
۲	آلیاژ آلومینیوم	فولاد میلگرد	مولیبدن
۳	مس	ضایعات فولاد	
۴	سرب		
۵	نیکل		
۶	قلع		
۷	روی		

گزارش سه‌ماهه بورس فلزات لندن که اول اکتبر ۲۰۲۰ منتشر شد نشان می‌دهد که نگرانی‌های مربوط به بیماری کووید-۱۹ این بازار را هم تحت تاثیر قرار داده است. به طوری که برای مثال، در مورد مس قراردادهای سه‌ماهه «ال‌ام‌ای» نسبت به ۲۳ سپتامبر که به رقم ۶ هزار و ۷۱۰ دلار بر تن رسیده بود اول اکتبر با ۰/۷ درصد کاهش، ۶ هزار و ۶۲۸ دلار بر تن را در معاملات رسمی به ثبت رساند.

بورس فلزات لندن هنوز بر پایه تجارت فعال استوار است و حتی تا به امروز هم گوشی تلفن ثابت به عنوان بخشی عادی از شیوه مذاکرات این بازار جایگاهش را حفظ کرده است. البته امروزه علاوه بر تلفن ثابت، یک سکوی الکترونیکی و انفورماتیکی هم بخش مهمی از کل مبادلات را به خودش اختصاص داده است. ارتباطات امروزی به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند که از فرصت‌هایی چون اختیار معاملات که نیازمند توافق‌نامه‌های دقیق بین خریداران و فروشندگان هستند، بهره‌مند شوند. اختیار معامله، نوعی قرارداد قانونی است که فروشنده آن را در ازای مبلغ معینی به خریدار می‌فروشد و از آن پس، خریدار اختیار می‌یابد که سهام یا کالای خاصی را تا مدت مشخصی به مبلغ تعیین شده‌ای بخرد یا بفروشد.

فلزات عرضه شده در «ال‌ام‌ای»

افرادی که در صنعت فلزات فعالیت می‌کنند اغلب بورس فلزات لندن را تحت نظر دارند. نقدینگی این بازار مرکزی تاثیر زیادی در ارزش فیزیکی فلزات دارد. از این رو، مردم در سراسر جهان علاوه بر اینکه سایر زیرساخت‌های مالی لندن را دنبال می‌کنند، به رویدادهایی که در این بورس رخ می‌دهد هم توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند. بورس فلزات لندن در ابتدا فقط به دادوستد مس می‌پرداخت و از سال ۱۹۲۰ سرب و روی به طور رسمی به معاملات این بورس افزوده شد. فلزات دیگری از جمله آلومینیوم در ۱۹۷۸، نیکل در ۱۹۷۹ و آلیاژهای آلومینیوم در ۱۹۹۲ به این بازار اضافه شدند. از سال ۲۰۰۸ فولاد و از

و سازمان خدمات مالی انگلستان (FSA) هستند.

جدول معامله گران حلقه

ردیف	نام شرکت
۱	شرکت بازرگانی محدود فلزات تلفیقی
۲	بانک سرمایه گذاری بارکلیز
۳	مشاوران کالای ED & F Man Limited
۴	شرکت بازرگانی محدود Metdist
۵	شرکت INTL FCStone
۶	شرکت محدود بازارهای کالا ناتیکسیس
۷	گروه نیو-اچ (شاخه انگلستان)
۸	سوسیته ژنرال
۹	شرکت محدود فلزات سمپرا
۱۰	شرکت محدود فلزات تریلند
۱۱	شرکت محدود ساکدن (شاخه انگلستان)
۱۲	شرکت محدود خدمات مالی مارکس

علاوه بر معامله گران حلقه، کارگزاران وابسته تسویه وجوه، اعضای بازرگانان وابسته، واسطه گران وابسته و فروشندگان وابسته چهار مقوله دیگر از اعضای بورس فلزات لندن را تشکیل می دهند.

کارگزاران وابسته به شرکت تسویه وجوه لندن شامل ۲۷ شرکت و موسسه مالی هستند که از حقوق و امتیازهای مشابه معامله گران حلقه برخوردارند، با این تفاوت که نمی توانند داخل حلقه دادوستد کنند. بازرگانان وابسته به شرکت تسویه وجوه لندن که دو شرکت «هانتر داگلاس ان وی» و «هیدرو آلومینیوم ای اس» از جمله آنها هستند مشتریانی را شامل می شوند که فقط می توانند برای کسب و کارهای خودشان دادوستد انجام دهند. واسطه گران وابسته، شامل پنج موسسه می شوند که عضو شرکت تسویه وجوه لندن نیستند بلکه از اعضای سازمان خدمات مالی انگلستان به شمار می روند و می توانند به طور ۲۴ ساعته از طریق بازار میان دفتری فعالیت کنند. فروشندگان وابسته هم که دست کم شامل ۳۵ شرکت بین المللی را شامل می شوند از هیچ حقی برخوردار نیستند و به عنوان فروشندگان معمولی حاضر در بازار بورس فلزات لندن فعالیت می کنند.

پاگشایی «لات» در معاملات

تا سال ۲۰۱۶ فلزات گران بهایی چون طلا و نقره در بورس فلزات لندن معامله نمی شد و این فلزات در بازارهای فرابورس عرضه می شدند. به طوری که در آغاز، معاملات این فلزات در بورس کالای نیویورک (NYMEX) و بورس

همچنین آلومینیوم در بازار فعالیت های رسمی با ۰/۶ درصد کاهش به یک هزار و ۷۵۴ دلار بر تن، نیکل با ۰/۳ درصد کاهش به ۱۴ هزار و ۴۷۹ دلار و روی با ۰/۸ درصد کاهش به ۲ هزار و ۳۸۳ دلار بر تن رسید و این در حالی است که سرب با ۰/۴ درصد افزایش رقم هزار و ۸۳۲ دلار و ۵۰ سنت و قلع با ۰/۲ درصد افزایش، ۱۷ هزار و ۵۲۹ دلار را ثبت کرد.

بازارها

معاملات انجام شده در بورس فلزات لندن منحصرًا مبتنی بر دو نوع است:

(۱) معاملات میان دفتری

(۲) معاملات کلامی در حلقه.

همچنین دو نوع جلسه معاملاتی وجود دارد: جلسه صبح ها که ساعت ۱۱:۴۰ تا ۱۳:۱۵ به وقت گرینویچ انجام می شود و جلسه عصرها که از ساعت ۱۵:۱۰ تا ۱۶:۳۵ برگزار می شود و طی آن هشت فلز در هر نشست ۵ دقیقه ای هر یک با زمان استراحت ۱۰ دقیقه ای معامله می شود. در جلسه صبح ها قیمت روزانه فلزات معامله شده بر اساس نرخ رسمی روزانه (Daily Official Exchange rates) ارز بررسی می شود. در پایان معاملات رسمی، پانزده دقیقه معاملات «کنار جدول پیاده رو» یا معاملات پس از بورس انجام می شود و طی آن تمام فلزات به طور همزمان داخل حلقه معامله می شوند. معاملات پس از بورس اغلب به سادگی با نام بعد از بورس یا «کنار جدول پیاده رو» (kerb) شناخته می شوند. اصطلاح «کرب» که قدمتی تاریخی در بازار مواد اولیه دارد به معاملاتی گفته می شد که پس از ساعات اداری و به معنای واقعی کلمه کنار جدول پیاده روی خیابان انجام می شد. امروزه، معاملات کرب یا بعد از بورس معاملات قراردادهای آتی، قراردادهای اختیار و TAPOS (نوعی از اختیارهای آسیایی) را شامل می شود. به طور کلی، ۱۲ شرکت عضو معاملات حلقه هستند که انحصار معاملات داخل حلقه را در دست دارند و حدود ۱۰۰ شرکت در بازار با آنها در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم هستند.

معامله گران یک تاز حلقه

معامله گران یک تاز حلقه، شامل ۱۲ شرکت اصلی عضو «ال ام ای» هستند که از امتیاز انحصاری چانی زنی مستقیم داخل حلقه برخوردارند. آنها همچنین می توانند در بازار ۲۴ ساعته از طریق تجارت میان دفتری فعالیت کنند. همگی این اعضا همزمان عضو شرکت تسویه وجوه لندن (LCH)

تجدیدپذیر و هم مساله بازیافت مس از فناوری‌های فرسوده این بخش باید به شدت مورد توجه قرار گیرد. تاثیر توسعه پایدار بر تهیه و تولید فلزات آلومینیوم، مس، نیکل، سرب، قلع، روی و کبالت از دهه ۷۰ میلادی آغاز شد و اکنون در اروپا بیش از ۹۰ درصد از فلزات ساختمان‌ها و صنایع حمل‌ونقل و ۶۰ درصد از فلزات صنایع بسته‌بندی بازیافت می‌شود و امروزه به صورت برندهای خاص در بخش آلیاژهای آلومینیوم و سرب و همچنین به صورت قراردادهای ضایعات فولاد دادوستد می‌شود و بخش مهمی از اقتصاد چرخشی را تشکیل می‌دهد.

«ال‌ام‌ای» که همچنین قصد دارد عرضه قراردادهای ضایعات فلزات آهنی را با نگاه به تجارت بین‌المللی کالاهای ثانویه گسترش دهد، در این اطلاعیه اضافه می‌کند: «از زمان راه‌اندازی بخش قرارداد ضایعات فولاد «ال‌ام‌ای» در سال ۲۰۱۵، بورس فلزات لندن با صنعت فولاد همکاری تنگاتنگی را برقرار کرده است تا از اقتصاد چرخشی در بازار آهن پشتیبانی کند. این بورس اکنون در نظر دارد قراردادهای ضایعات فولاد تایوان و هند را هم به این بخش اضافه کند تا مجموعه‌ای از ابزارها را برای مدیریت ریسک قیمت در چرخه جهانی تجارت محصولات ضایعات فولاد ایجاد کند.»

تایید این موضع، گزارش ماه آگوست «ال‌ام‌ای» است که نشان می‌دهد با وجود بی‌ثباتی بازار فلزات به دلیل شیوع عالم‌گیر کووید-۱۹، در این ماه، حجم معاملات انجام‌شده ضایعات فلزات آهنی با رقم مجموع ۲۳۵ هزار و ۹۷۰ دلار بر میلیون تن به بالاترین سطح از ماه می رسیده بود.

همچنین حجم معاملات ضایعات فلزات آهنی که طی ماه‌های ژانویه تا اوت سال ۲۰۲۰ انجام شد بالغ بر ۳/۵۱ میلیون تن بود که بالاترین میزان در هشت ماه اول یک سال از زمان راه‌اندازی این نوع معاملات در سال ۲۰۱۵ به شمار می‌رفت.

معاملات قراردادهای آتی ضایعات «ال‌ام‌ای» در ماه سپتامبر هم با افزایش ۱۸ دلار بر میلیون تن در سوم سپتامبر به ۳۱۲ دلار بر میلیون تن رسید در حالی که قراردادهای آتی ماه اکتبر با افزایش ۱۵ دلار بر میلیون تن در هر هفته به ۳۰۶ هزار دلار و ۵۰ سنت بر میلیون تن و قراردادهای آتی مربوط به ماه نوامبر با افزایش ۱۳ دلار بر میلیون تن به ۳۰۲ هزار دلار و ۵۰ سنت خواهد رسید. بر پایه این گزارش، صنایع ذوب‌آهن دو بازار چین و ترکیه بیشترین سهم معاملات آتی را در این بخش انجام داده‌اند.

کلای توکیو (TOCOM) انجام می‌شد و بعدها انجمن بازار شمش‌های لندن (LBMA) هم که قیمت‌های رسمی روزانه این قبیل فلزات را تعیین می‌کند به آنها اضافه شد. اما در آگوست ۲۰۱۶ «ال‌ام‌ای»، شورای جهانی طلا و گروهی متشکل از ۶ بانک و شرکت بازرگانی توافق‌نامه‌ای را برای راه‌اندازی سکوی تجاری جدیدی با نام «بورس فلزات گران‌بهای لندن» (LMEprecious) با هدف دادوستدهای این گروه از فلزات به امضا رساندند. به این ترتیب سکوی معاملات آتی طلا در جولای ۲۰۱۷ افتتاح شد و از طریق آن، اولین قرارداد آتی طلا در «ال‌ام‌ای» انجام و در هفته نخست این معاملات ۲۵ هزار و ۵۹۰ «لات» طلا دادوستد شد. هر «لات» برابر با ۱۰ هزار واحد ارز پایه است. این نخستین بار نبود که در بازار بورس فلزات لندن طلا معامله می‌شد، پیش از آن، «ال‌ام‌ای» یک‌بار در دهه ۸۰ میلادی برای دادوستد طلا تلاش کرده بود اما مقر آن در سال ۱۹۸۵ و فقط سه سال پس از تاسیس، به دلیل بی‌علاقگی سرمایه‌گذاران داخلی تعطیل شده بود. در حال حاضر، قراردادهای آتی در بازار LMEprecious معادل ۱۰۰ اونس طلا و پنج هزار اونس نقره معامله می‌شود. بورس LMEprecious با مشارکت گروهی به نام EOS Precious Metals با حضور «ال‌ام‌ای»، شرکت گلدمن ساکس، بانک استاندارد ICBC، شرکت مورگان استنلی، شرکت ناتیکسیس، شرکت بازرگانی OSTC و سوسیتته ژنرال ایجاد شده است.

■ شیفت تمرکز به فلزات بازیافتی

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۰ گزارشی منتشر شد که نشان می‌دهد بورس فلزات لندن قصد دارد در فعالیت‌های اقتصادی آینده‌اش «فلزات را به عنوان سنگ بنای توسعه پایدار» بیش از امروز مد نظر قرار دهد. در اطلاعیه بخش خدمات دادوستد فلزات این بورس آمده است: «رشد جمعیت و تلاش برای کاهش تولید کربن در اقتصاد هم‌زمان باعث افزایش دو مقوله می‌شود: نخست افزایش چشمگیر میزان تقاضای فلزات در بازار و دوم توانایی تامین این تقاضا از طریق بازیافت فلزات با استفاده از فناوری‌های مبتنی بر توسعه پایدار.»

در واقع، «ال‌ام‌ای» قصد دارد فعالیت‌های تجاری در حوزه فلزات بازیافتی از باتری‌ها مثل نیکل، کبالت و لیتیوم را بیش از گذشته در دستور کار قرار دهد. همچنین بنا بر تحقیقات بورس فلزات لندن، فلز مس به تنهایی در بیش از هشت فناوری تولید و ذخیره انرژی پاک استفاده می‌شود و بنابراین، هم تقاضای این فلز در بخش انرژی‌های

بورس فلزات لندن؛ از تولد «حلقه» تا تهاجم «کرونا»

هدا عربشاهی: بورس فلزات لندن (LME) بزرگ‌ترین بورس معاملات قراردادهای آتی و مرکز معاملات فلزات اساسی و سایر فلزات در جهان است که در سال ۱۸۷۷ تاسیس شد، اما منشای این بازار تبادلات را می‌توان در سال ۱۵۷۱، سال گشایش بورس سلطنتی لندن جست‌وجو کرد. پیش از ایجاد بورس فلزات، بازرگانان در قهوه‌خانه‌های لندن گردهم می‌آمدند و با استفاده از حلقه‌ای که به طور موقت کف زمین می‌کشیدند به دادوستد می‌پرداختند.



پیش از دوران امپراتوری روم

۱۵۷۱

بی‌شک دادوستد فلزات در انگلستان به دوران امپراتوری روم بازمی‌گردد یعنی زمانی که امپراتوری از منابع بسیار زیاد قلع و مسی که از ولز و «گرن‌وال» استخراج می‌شد برای کمک به گسترش مداوم قلمروش استفاده می‌کرد. با وجود این، افتتاح بورس سلطنتی لندن مبدأ رخدادی است که امروز به عنوان بورس فلزات لندن شناخته می‌شود. بورس سلطنتی که سال ۱۵۷۱ افتتاح شد حاصل تفکر بازرگان ثروتمندی به نام «سر توماس گریشام» بود که می‌خواست مکانی را به‌عنوان «بورسی خوش‌آئینه برای گردهمایی بازرگانان» طراحی کند.

ساختمان بورس سلطنتی لندن در طول حیاتش، دوبار طعمه حریق شد. نخستین بار طی آتش‌سوزی بزرگ لندن در سال ۱۶۶۶ و دومین بار در سال ۱۸۳۸ وقتی بخاری قهوه‌خانه لیودز که در نزدیکی این ساختمان قرار داشت بیش از اندازه گرم شد. این ساختمان را «سر ویلیام تایت» مجدداً طراحی کرد و در سال ۱۸۴۴ در حضور ملکه ویکتوریا بازگشایی شد و به کارش ادامه داد.



قرن نوزدهم - تولد حلقه!

۱۵۷۱

اواسط قرن نوزدهم و پس از افتتاح ساختمان جدید، بورس سلطنتی لندن به سرعت شلوغ شد و بازرگانان فلزات به دلیل این ازدحام و از ترس له شدن زیر دست‌وپا از ساختمان اصلی خارج و در قهوه‌خانه‌های اطراف دور هم جمع شدند و جلسات خود را در این کافه‌ها برگزار کردند. به این ترتیب، سنت حلقه که تا امروز هم باقی مانده، متولد شد. وبگاه بورس فلزات لندن در توضیح این سنت می‌نویسد: «بازرگانی که فلزی برای فروش داشت روی زمین دایره‌ای می‌کشید و صدا می‌کرد: تغییر! و تمام کسانی که به خرید آن فلز خاص مایل بودند، دور آن حلقه جمع می‌شدند و قیمت‌های پیشنهادی خود را اعلام می‌کردند.» این سنت تا امروز هم برقرار است؛ البته آن حلقه موقت با دایره‌ای از کاناپه‌های قرمزی جایگزین شده است و بازرگانانی که قصد شرکت در دادوستد را دارند، روی این کاناپه‌ها می‌نشینند.



نقش حیاتی گشایش کانال سوئز

۱۸۶۹

سال ۱۸۶۹، کانال سوئز برای کشتی‌های باری گشایش یافت و به آنها اجازه داد بین دریای مدیترانه و دریای سرخ تردد کنند. این اتفاق نقش بسیار مهمی در صادرات و واردات طیف وسیعی از کالاهای از جمله فلزات ایفا کرد. تردد از طریق کانال سوئز به آن معنا بود که کشتی‌های باری از آن پس می‌توانستند فقط در مدت سه ماه از مالایا (مالزی امروزی) به انگلستان برسند و این با زمان تحویل مس از شیلی برابر بود. افتتاح کانال سوئز و سرعت حاصل از آن برای تحویل کالا، چند سال بعد و پس از تاسیس بورس فلزات لندن به راه‌اندازی «شیوه تاریخ‌های فوری روزانه» در این بورس منجر شد. شیوه‌ای که تا امروز هم برقرار است و کانال سوئز با بیش از ۳۴ هزار تن سنگ معدن و فلزاتی که سالانه از طریق آن حمل می‌شود، همچنان نقشی حیاتی در تجارت بین‌المللی فلزات ایفا می‌کند.



استارت از بالای کلاه‌فروشی

۱۸۷۷

از نیمه دوم قرن نوزدهم، دادوستد آتی فلزات شروع به رشد و بالندگی کرد و همین مساله سبب شد بازرگانان بارها دنبال مکانی بزرگ‌تر بگردند. این تلاش‌ها سرانجام نتیجه داد و به راه‌اندازی «کمپانی فلزات و معادن لندن» انجامید. شرکتی که اولین مقر آن بالای یک مغازه کلاه‌فروشی در منطقه «لمبارد کورت» بود و امروزه به بورس فلزات لندن (ال‌ام‌ای) معروف است. این گروه به سرعت رشد کرد و از سال ۱۸۸۲ مجبور شد به ساختمان هدفمند بورس در خیابان وایتینگتون نقل‌مکان کند، ساختمانی که نزدیک یکصد سال در آن ماند.



جنگ جهانی اول و تعطیلی موقت «ال‌ام‌ای»

۱۹۱۴

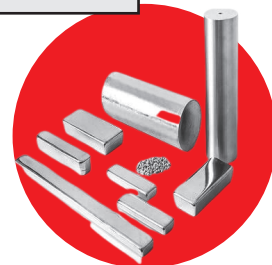
بورس فلزات لندن از زمان تاسیس تقریباً بدون توقف به کار خودش ادامه داده بود. اما در دوره کوتاهی در سال ۱۹۱۴ و در پی وقوع جنگ جهانی اول و در نتیجه کمبود تامین فلزات در اروپا به ناچار مدتی تعطیل شد. به‌ویژه، آهن و فولاد، دو فلزی که بسیار مورد تقاضای گروه‌های درگیر جنگ از جمله وزارت مهمات و اداره نیروی دریایی بودند به شدت با کمبود مواجه شدند. همین مساله، دولت انگلستان را بر آن داشت تا بر قیمت‌ها و توزیع فولاد در طول جنگ نظارت کند. البته این محدودیت‌ها برای مدتی طولانی مانع از فعالیت بورس فلزات لندن نشد و «ال‌ام‌ای» از پاییز ۱۹۱۴ بار دیگر آغاز به کار کرد.



بحران قلع

۱۹۸۵

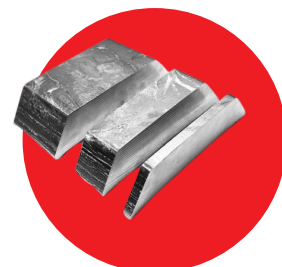
سال ۱۹۴۷ شورایی بین‌المللی با هدف کنترل قیمت فلز قلع تاسیس شد. در سال ۱۹۸۴ انجمن کشورهای تولیدکننده قلع با حضور استرالیا، بولیوی، اندونزی، مالزی، نیجریه، تایلند و ژنر ایجاد شد. اما یک سال بعد، شورای بین‌المللی قلع سقوط کرد و همین مساله سبب شد که تمام قراردادهای این فلز در بورس فلزات لندن به حالت تعلیق دربیاید. به این ترتیب، تولید قلع در سال ۱۹۸۵ به پایین‌ترین رقم خودش یعنی معادل سه هزار و ۶۰ میلیون تن رسید.



مداخله در بازار نیکل

۲۰۰۷

بازار بورس فلزات لندن در تابستان ۲۰۰۷ در بازار نیکل مداخله کرد تا در زمان تقاضای زیاد، مقادیر بیشتری از این فلز در اختیار باشد. همچنین اعضای «ال‌ام‌ای» پیشنهاد ایجاد یک میلیون «سهام ب» را تصویب کردند و قیمت سهام جدید «کلاس ب» را روی ۶۵ پوند برای هر سهم تعیین کردند.



افتتاح اولین دفتر خارج از لندن «ال‌ام‌ای»

۲۰۱۰

تابستان ۲۰۱۰ اتفاقی نو در بورس فلزات لندن رخ داد و آن تاسیس اولین دفتر ال‌ام‌ای خارج از لندن بود. این دفتر که در سنگاپور قرار دارد نقطه عطف مهمی برای این کمپانی و بازتابی برای ماهیت در حال تغییر تقاضای فلزات در بازار به شمار می‌رفت.



انتقال مالکیت «ال‌ام‌ای» به شرکت هنگ‌کنگی

۲۰۱۲

تا سال ۲۰۱۲ اعضای بورس فلزات لندن مالک آن بودند اما در این سال شرکت خدمات مالی «هنگ‌کنگ اکسچنج اند کلیرینگ» که سال ۲۰۰۰ تاسیس شده بود بر سر مالکیت «ال‌ام‌ای» به ارزش مالی ۱/۴ میلیارد پوند توافق کرد و به این ترتیب، بورس فلزات ۱۳۵ ساله لندن که به عنوان بزرگ‌ترین بازار صنایع فلزات جهان شناخته می‌شود به این شرکت هنگ‌کنگی فروخته شد.

جریمه ایستادن حلقه‌ای

۲۰۱۴

«ال‌ام‌ای» در اتفاقی عجیب و نادر با هدف حفظ انضباط، گروهی از بازرگانان را به دلیل ایستادن دور حلقه، جریمه کرد و آنان را از طبقه ۹ به طبقه ۱۱ فرستاد و هر یک را بیش از هزار پوند جریمه کرد. بین جریمه‌شدگان نمایندگان اسامی بزرگی چون شرکت خدمات مالی و بانکداری آمریکایی و چندملیتی «جی‌پی مورگان» و شرکت خدمات مالی و بانکداری فرانسوی «سوسیته ژنرال» که یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های اروپا به شمار می‌رود هم به چشم می‌خورد. سخنگوی آن زمان بورس فلزات لندن، درباره این اقدام توضیح داد: «عملیات «ال‌ام‌ای» روی حلقه است و نه داخل گودال. فروشندگانی که می‌ایستند از مزیت ناعادلانه‌ای برخوردار می‌شوند و ممکن است دید سایر فروشندگان و اعضای کارگروه قیمت‌گذاری را مختل کنند.» هرچند پیش از این اتفاق، هشدار درباره ایستادن دور حلقه مساله‌ای مرسوم بود اما جریمه در این باره رویدادی بسیار نادر بود و به همین دلیل با سروصدای زیادی مواجه شد.



استفاده از یوان چین در معاملات «ال‌ام‌ای»

۲۰۱۸

چین بزرگترین مصرف‌کننده فلزات در جهان است و از آنجا که شرکت خدمات مالی «هنگ‌کنگ اکسچنج اند کلیرینگ» مالک اصلی بورس فلزات لندن است، در حال حاضر، بسیاری از تولیدکنندگان چینی از قراردادهای آتی و قراردادهای اختیار فلزات که در این بورس عرضه می‌شود، استفاده می‌کنند. از این‌رو، «ال‌ام‌ای» از سال ۲۰۱۸ یوان را هم به‌عنوان ارز پایه در معاملات قراردادهای آتی بازار چین وارد کرد.



نوبرانه ریاست یک زن

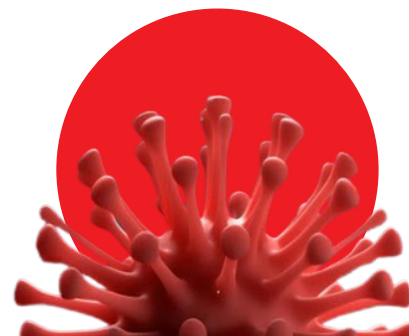
۲۰۱۹

برای نخستین بار در تاریخ، یک زن رئیس هیات‌مدیره «ال‌ام‌ای» شد. گی هووی ایوانز با بیش از ۳۰ سال تجربه در امور مالی به عنوان اولین رئیس زن بورس فلزات لندن انتخاب شد.

«ال‌ام‌ای» هم از کرونا بی‌نصیب نماند

۲۰۲۰

با شیوع ویروس کرونا و ورود جهان به وضعیت عالم‌گیری، «ال‌ام‌ای» از ۲۳ مارس ۲۰۲۰ به طور موقت به بخش قیمت‌گذاری تمام‌الکترونیکی، منتقل و کلیه معاملات حلقه تا زمان عادی شدن وضعیت کووید-۱۹ متوقف شد. همچنین بورس فلزات لندن با هدف کاهش خطر سرایت، دورکاری داوطلبانه را برای تمام کارمندانش لحاظ کرد.





پیامد پیروزی بایدن در بورس های کالایی

چهار سالی که گذشت برای صنایع کالایی آمریکا پر از آشوب بود چرا که تمامی سیاست‌های تجاری کاخ سفید، این صنایع را نشانه گرفته بود. از تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم گرفته تا صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) همگی به نوعی تحت فشار سیاست‌های دونالد ترامپ قرار گرفتند. اما حالا که جو بایدن، پیروز انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا شده، چه سرنوشتی در انتظار این صنایع است؟



فولاد و آلومینیوم

بزرگ‌ترین مساله در مورد فولاد و آلومینیوم این است که هر دو بسیار شبیه به هم هستند و در اولویت دولت ترامپ قرار داشتند. بعید است تعرفه‌ها در دولت بایدن، به زودی برداشته شوند. در حال حاضر واردات فولاد عوارض ۲۵ درصدی و آلومینیوم، عوارض ۱۰ درصدی برای فعالان این بازار دارد. اگر کسی بخواهد این مالیات را بردارد مثل این است که بخواهد یک چاقوی در حال سقوط را بگیرد. این اتفاق به رای‌دهندگان در میدوست (Midwest) که به بایدن رای داده‌اند، آسیب می‌رساند. به علاوه صنعت فولاد و آلومینیوم آمریکا را به سمت لابی کردن می‌برد تا بتوانند از خودشان محافظت کنند. پس بایدن احتمالا تعرفه‌ها را حفظ می‌کند و به همکاری با متحدان کلیدی‌اش ادامه می‌دهد یعنی با اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا تا بلوکی در مقابل چین تشکیل دهد.

ال.ان.جی

دولت ترامپ بارها از صادرات ال.ان.جی گفت و این گاز را مولکول‌های آزادی‌بخش آمریکا خواند اما در عین حال، تولید این گاز، منجر به آلودگی در نواحی تولیدکننده شده بود. اکنون بایدن هنوز مواضع خود را در برابر تولید گاز ال.ان.جی مشخص نکرده اما بارها گفته با آلودگی‌های زیست‌محیطی و تولید گاز متان مقابله خواهد کرد؛ امری که خریداران اروپایی هم از آن استقبال خواهند کرد. به هر حال زمانی که او با مجوز شش پایانه صادرات ال.ان.جی را صادر کرد، معاون رئیس‌جمهوری بود و در نتیجه اکنون احتمال دارد همان رویه را ادامه دهد. تحلیل‌گران می‌گویند بایدن آمریکا را به توافق پاریس بازمی‌گرداند و به این ترتیب تولید هرآنچه منجر به انتشار گاز کربن خواهد شد، تحت تاثیر قرار خواهد گرفت.

نفت

صرفاً انرژی احتمالا یکی از گزینه‌های مطرح در مذاکرات تجاری آمریکا با چین خواهد بود. تحلیل‌گران می‌گویند تا زمانی که تولید انرژی و نفت شیل و همچنین گاز در آمریکا فراتر از نیاز داخلی باشد، این کشور صادرکننده انرژی

خواهد بود و از آنجا که چین بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است، دولت بایدن می‌تواند برای برقراری توازن تجاری، از این جریان به عنوان یک ابزار بهره بگیرد. به علاوه بایدن احتمالا دوباره به توافق هسته‌ای با ایران بازمی‌گردد و این مساله می‌تواند نفت ایران را به بازارهای جهانی بازگرداند که بی‌تاثیر بر قیمت نفت نخواهد بود.

لبنیات

توافق سه‌جانبه آمریکا، مکزیک و کانادا، نقش مهمی در تعرفه‌های لبنی و بازار لبنیات آمریکا دارد. کانادا همیشه بابت قیمت‌های پایین مواد لبنی، مورد انتقاد قرار گرفته چرا که رقابتی نابرابر ایجاد کرده است. اما ریاست‌جمهوری بایدن امکان دارد پیشرفت‌هایی را که دولت ترامپ در این زمینه داشته، به عقب براند. برخی تحلیل‌گران می‌گویند ترامپ تلاش داشت دستور کاری در این زمینه تهیه کند. اما سیاست حوزه لبنیات در دستور کار بایدن نیست و در نتیجه نظام قیمت‌گذاری لبنیات دوباره به عقب باز می‌گردد.

غلات

ریاست‌جمهوری بایدن به معنای روابط گرم‌تر و بهتر با چین است که می‌تواند از تولید ذرت، گندم و سویا حمایت کند. در چهار سال گذشته این بخش آسیب جدی دیده است و احتمالا با سیاست‌های بایدن، فضا برای صادرات محصولات کشاورزی از آمریکا به آسیا باز شود. صادرات به چین افزایش پیدا کرده اما عمده آن به دلیل فشارهای داخلی بازار بوده است. چین فعلا طبق توافقات قبلی پیش می‌رود و اکنون به علت همه‌گیری کرونا احتمال دارد با اختلالات تجاری مواجه شود.

نتیجه

روی هم رفته می‌توان گفت با روی کار آمدن بایدن به عنوان یک رئیس‌جمهور دموکرات، سیاست‌های جدید و گاهی متفاوت وضع خواهد شد که روی اوضاع و احوال کالاهای مختلف در آمریکا و البته در جهان اثر خواهد گذاشت.

منبع: بلومبرگ

جهش طلا با مشوق های آمریکایی

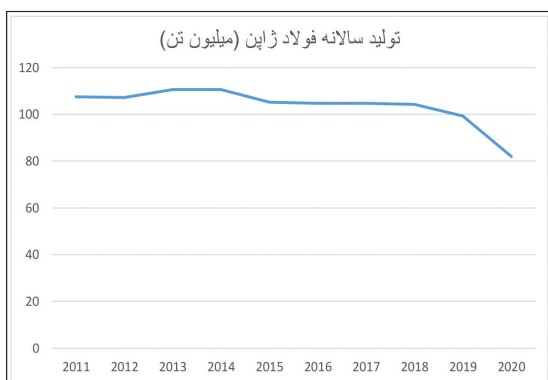
همین ماه پیش خبرهایی درباره ارائه مشوق های اقتصادی برای مقابله با فشارهای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا در ایالات متحده آمریکا منتشر شد. نکته ای که شاید به نظر بسیاری بدیهی است اما ذکر آن خالی از فایده نیست، تاثیر چنین خبرهایی بر قیمت طلا است. این تاثیر در دوره مذکور، اثر خود را در قالب افزایش قیمت طلا و تضعیف ارزش دلار نشان داد. در این دوره اونس طلا با رشدی تقریباً ۱/۲ درصدی به ۱۹۱۵ دلار رسید و قراردادهای آتی طلا با رشدی ۱/۴ درصدی به ۱۹۲۱ دلار افزایش یافت. پیش تر هر زمانی که بحث ارائه مشوق از سوی بانک مرکزی آمریکا طرح می شد و این اتفاق می افتاد، قیمت طلا وارد یک رالی می شد و همان سابقه و پیشینه است که باعث شده در این دوره جدید هم باز با الگویی تقریباً مشابه روبه رو باشیم. آن دسته از سرمایه گذارانی که پرتفویی متشکل از سهام و درآمد ثابت دارند هم به دنبال این هستند که فشار اقتصادی را با این بسته های مشوق اندکی قابل تحمل تر کنند.

منبع: اکونومیک تایمز



افزایش شدید فولاد سامورایی ها

دولت ژاپن عنوان کرده است که انتظار دارد تولید فولاد خام این کشور تا پایان سال ۲۰۲۰ به کمترین میزان طی نیم قرن اخیر برسد. پیش بینی می شود که تولید فولاد خام این کشور چیزی در حدود ۸۲ میلیون تن باشد که تقریباً ۱۷/۲ درصد کمتر از سال پیش است. این مقدار تولید از سال ۱۹۶۹ به این سو کمترین تولید فولاد در کشور ژاپن است. در نمودار زیر رویه تولید فولاد ژاپن در یک دهه اخیر را به خوبی مشاهده می کنید.



منبع: وبسایت متال جانکشن

کانادا از سفید به سبز

با گذر زمان، هر لحظه ضرورت سبز بودن بسیاری از صنایع و کاربرد محصولات بیش از قبل می شود. قطعاً یکی از برجسته ترین محصولات که می توانند آینده ای سبزتر را برای جهانیان به ارمغان آورد، خودروهای الکتریکی هستند. قلب این خودروها باتری های الکتریکی آنهاست و همین مساله باعث می شود که باتری های خودروهای الکتریکی، یکی از مهم ترین قطعات صنعتی آینده نزدیک بشری باشند. اکنون که برای ساختن باتری ها نیازمند مواد معدنی خاصی مانند «نیکل» هستیم، خواه ناخواه کشوری که ذخایر این مواد را به وفور داشته باشد،

قطعاً نقش بزرگی در آینده ایفا خواهد کرد. از همین رو، پای کانادا به میان کشیده می شود، کشوری که ذخایر معدنی غنی و زیادی دارد. در این میان خبرها حکایت از آن دارند که مقامات کانادا اجرای یک پروژه معدنی یک میلیارد دلاری را که قرار است تا سال ۲۰۲۳ به پایان برسد، در دستور کار دارند تا بتوانند جای پای خود را بیش از پیش در بازارهای جهانی «نیکل» محکم کنند. با این اوصاف بهتر است تن پوش پیکر کانادا را نه لباس سفید بلکه جامه ای سبز تجسم کنیم.

منبع: متال بولتن

«کالا»، غریب آشنا

واشکافی اصطلاحی ساده اما بنیادی در بورس‌های کالایی

اغلب واژه‌های پرکاربرد، ساده به نظر می‌رسند اما تعریف آنها سخت‌تر و پیچیده‌تر است. «کالا» یکی از همین جنس واژه‌های پرکاربرد است که نمی‌توان به سادگی مفهوم آن را تعریف کرد. در سپهر اقتصاد، هر محصولی که بدون تمایز کیفیتی به بازار عرضه می‌شود، یک کالا است که در زبان انگلیسی به آن Commodity می‌گویند. اما در دنیای واقعی



اقتصاد، تعریف دقیق این کالا چیست؟

همان‌طور که می‌دانید مس، قیمتی جهانی دارد که به صورت روزانه در واکنش به عرضه و تقاضا، با نوسان قیمت مواجه می‌شود. در مقابل، محصول تولیدشده مثل تلفن همراه هوشمند، بر اساس متغیرهای گوناگونی قیمت‌گذاری می‌شود: قدرت برند، خاص بودن محصول و بازاری که محصول قرار است در آن به فروش برسد.

طلا سیاه هم به شدت زیاد است و ریسک معامله را برای هر دو طرف خریدار و فروشنده افزایش می‌دهد.

■ محرک‌های سیاست جغرافیایی

دغدغه‌های سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیکی) نقشی اثرگذار در قیمت نفت دارد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت خام (اوپک) کنترل زیادی بر نفت و ذخایر نفتی جهان دارد. به همین دلیل این کارتل نفتی، قدرت زیادی در این بازار دارد. زغال‌سنگ هم به عنوان یک سوخت فسیلی، نقشی بزرگ در انقلاب صنعتی داشته و همچنان در گردونه انرژی جهانی حضور دارد. آلومینیوم، مس، نیکل، سرب، قلع و روی در مجموعه فلزات صنعتی قرار دارند. این شش فلز در بسیاری از بازارهای سهام جهانی معامله می‌شوند و جزو شاخص‌های مهم بورس هستند. نام آنها در فهرست بورس فلزات لندن همیشه به چشم می‌خورد. مس همیشه یکی از دماسنج‌هایی است که وضعیت سلامت اقتصاد جهان را نشان می‌دهد. این فلز، نقشی حیاتی در تولید و ایجاد زیرساخت‌های مختلف دارد.

■ هر آنچه می‌درخشد

فلزات گران‌بها معمولاً ذاتاً ارزش اقتصادی بالایی دارند. فلزات گروه پلاتین مثل پالادیوم و ریدیم به‌ویژه در فناوری‌های مرتبط با ساخت خودرو کاربردهای صنعتی بسیاری دارند. نقره معمولاً در صنایع الکترونیکی استفاده می‌شود اما مانند طلا کاربردهای آن محدود است و بیشتر در ساخت جواهرات به کار می‌رود. طلا کالایی امن برای سرمایه‌گذاری شناخته شده است و معمولاً در شرایط بروز تنش سیاسی قیمت آن صعودی می‌شود. پس از آشنایی با انواع کالا در شماره‌های بعدی به چگونگی معاملات کالایی خواهیم پرداخت.

منبع: مجله شیرز

کالای «نرم» به آن دسته از کالاهایی گفته می‌شود که خاصیت رشد کردن دارند در حالی‌که کالاهای «سخت» به گروهی از کالاهای اطلاق می‌شود که از طریق حفاری یا معدن، استخراج می‌شوند. بازار کالا ارزش رصد مداوم دارد، زیرا آخر خط هر کالایی محسوب می‌شود و با محصولات خود مثل مواد خام و انرژی بر بیلان و عملکرد شرکت‌ها اثر می‌گذارد. به هر حال همه این محصولات هزینه‌ای دارند و این هزینه بر وضعیت شرکت‌ها اثرگذار است. بسیاری از سرمایه‌گذاران هم پورتنفوی متنوعی شامل انواع کالاهای تشکیل می‌دهند. در نتیجه رصد بازار کالا برای آنها هم اهمیت ویژه‌ای دارد.

■ تنوع انواع کالا

با نگاهی عمیق‌تر کالاهای را می‌توان به چهار دسته کلیدی تقسیم کرد: انرژی که موارد شاخص آن نفت، گاز و زغال‌سنگ است؛ محصولات کشاورزی مثل ذرت، قهوه و شکر؛ فلزات صنعتی مثل مس و آهن و فلزات گران‌بها مثل طلا که زیادی معامله می‌شود.

هر یک از این دسته‌ها را می‌توان در اقتصاد کلان یا اقتصاد خرد، به دسته‌های دیگری تبدیل کرد. اما همیشه باید بین این چهار دسته، خطی کشید و آنها را از هم جدا کرد، زیرا قلمرو یکایک آنها مجزاست.

نفت مانند بسیاری از دیگر کالاهای، با قراردادهای آتی معامله می‌شود و معمولاً هر بشکه نفت بر اساس قیمت توافقی ثابت برای تحویل معامله می‌شود. معمولاً مدت زمان این قراردادها نیز یک‌ماهه، سه‌ماهه یا شش‌ماهه هستند. با این شیوه، خرید و فروش کالا به سادگی و بدون نیاز به حضور فیزیکی، انجام می‌شود. البته اگر یک ترک کوچک در این قراردادها ایجاد شود، در نهایت به شکافی بزرگ در تحویل تبدیل می‌شود. به‌علاوه، نوسان قیمت

بذر امید در تجارت جهانی محصولات کشاورزی و صنایع غذایی

فائو: سهم صادرات کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور در حال افزایش است

تجارت جهانی مواد غذایی و کشاورزی از سال ۱۹۹۵ تا کنون، تقریباً دو برابر شده است. سال ۲۰۱۸ حجم تجارت جهانی مواد غذایی و کشاورزی به ارزش ۱/۵ تریلیون دلار رسید اما نکته حائز اهمیت تر اینکه سهم صادرات کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور در حال افزایش است، به طوری که یک سوم از کل تجارت جهانی این کالاها متعلق به همین اقتصادهاست. بررسی های «فائو» نشان می دهد نقطه اتکای بازار مواد غذایی و کشاورزی بر روند «توسعه» این بخش است. در واقع هر اندازه صنعت کشاورزی پیشرفته تر شود، حال این بازار هم بهتر خواهد شد. در نتیجه باید به فکر تدبیری برای «توسعه پایدار» این بخش بود. بر این اساس، دبیرکل سازمان «فائو» تاکید می کند که بازار مواد غذایی باید یک نظام یکپارچه جهانی داشته باشد تا بتواند نقش خود را به درستی ایفا کند.



خیزش جهانی زنجیره مواد غذایی و کشاورزی

این روزها مواد غذایی از مرزهای مختلفی عبور می کنند و یک زنجیره غذایی بزرگ در جهان را شکل داده اند. رشد درآمد، کاهش موانع تجارت و توسعه فناوری موجب شده اند تا شاهد خیزش جهانی زنجیره مواد غذایی و کشاورزی باشیم. حالا کشاورزان، اهالی بازار و مشتریان در یک زنجیره بزرگ در سرتاسر دنیا به هم متصل هستند. این زنجیره جهانی به بهبود کیفیت بازار مواد غذایی کمک و سازوکاری برای توسعه فراهم کرده است. در این شرایط، بستری نیز برای کشاورزان فراهم شده تا آمار تولید مواد غذایی خود را ارتقا دهند و در نتیجه درآمد بیشتری هم کسب کنند. بررسی ها نشان می دهد که تنها ۱/۲ درصد بهبود در وضعیت بهره‌وری نیروی کار کشاورزی می تواند ۱۰ درصد افزایش ارزش جهانی مواد غذایی را به همراه داشته باشد که نقشی بزرگ در سطح جهان خواهد داشت.

سیاست های کلانی باید طراحی شود تا وضعیت بازار را بهبود ببخشد و به پیشرفت آن کمک کند. در واقع سیاست ها باید در جهت تنظیم شود که بازیگران کوچک مثل مزرعه داران کوچک هم بتوانند از این پیشرفت ها، بهره مالی ببرند. فناوری های نوین هم می توانند در این زمینه نقش زیادی ایفا کنند. از سوی دیگر بهبود استانداردهای کشاورزی هم توانسته محیطی مناسب برای رشد این بازار فراهم کند.

مهم ترین نکته در مورد بهبود وضعیت بازار مواد غذایی و کشاورزی این است که می تواند روی کیفیت زندگی کشاورزان اثر بگذارد. برای مثال طبق گزارش های «فائو»، تعداد خانواده های کشاورزی که فرزندان خود را برای تحصیل به مدرسه می فرستند، با رونق وضعیت بازار مواد غذایی رابطه مستقیم دارد و هر چه وضعیت بازار بهتر باشد، تعداد این خانواده ها هم بیشتر می شود. این تحول در کشورهایی مانند ایتالیایی



و اوگاندا پس از بهبود بازار قهوه به خوبی خود را نشان داده است.

گسترش جهانی زنجیره مواد غذایی، نه فقط شرایط را برای بازار مواد غذایی بهتر کرده، بلکه به بهبود وضعیت کشاورزان هم کمک کرده است. به همین دلیل «فائو» به عنوان نهاد بین المللی مسئول در این زمینه تلاش دارد این پیشرفت ها تداوم داشته باشد. این سازمان الگوهای مختلفی برای کسب و کارهای فعال در این عرصه پیشنهاد داده و امیدوار است با این رویه انقلابی در عرصه مواد غذایی در جهان ایجاد شود.

منبع: فائو

تازه وارد بازار با ارزش ها

اتحادیه اروپا، «لیتیم» را در فهرست فلزات ضروری خود قرار داد



اغلب واژه‌های پرکاربرد، ساده به نظر می‌رسند اما تعریف آنها سخت‌تر و پیچیده‌تر است. «کالا» یکی از همین جنس واژه‌های پرکاربرد است که نمی‌توان به سادگی مفهوم آن را تعریف کرد. در سپهر اقتصاد، هر محصولی که بدون تمایز کیفیتی به بازار عرضه می‌شود، یک کالا است که در زبان انگلیسی به آن Commodity می‌گویند. اما در دنیای واقعی اقتصاد، تعریف دقیق این کالا چیست؟ همان‌طور که می‌دانید مس، قیمتی جهانی دارد که به صورت روزانه در واکنش به عرضه و تقاضا، با نوسان قیمت مواجه می‌شود. در مقابل، محصول تولیدشده مثل تلفن همراه هوشمند، بر اساس متغیرهای گوناگونی قیمت‌گذاری می‌شود: قدرت برند، خاص بودن محصول و بازاری که محصول قرار است در آن به فروش برسد.



مقوله «اقتصاد پاک» و «اقتصاد سبز» نزد افکار عمومی و برخی فعالان صنعتی اهمیت روزافزونی پیدا کرده، کاربرد «لیتیم» هم به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته اروپایی از منظر زیست‌محیطی اهمیت دوچندانی یافته است.

در این میان گسترش عالم‌گیر بیماری کووید-۱۹ و تاثیر گسترده منفی آن بر حوزه‌های مختلف اقتصادی کشورها موجب شده تا «لیتیم» هم در فهرست قربانیان ویروس مرگبار قرار گیرد و بازار آن از رکود کرونایی حاکم بر صنایع تاثیر پذیرد. عرضه «لیتیم» پیش از شیوع کووید-۱۹ وضعیت نسبتاً خوبی داشت اما حالا با شیوع کرونا، وضعیت غیرقابل پیش‌بینی به وجود آمده و به نظر می‌رسد عرضه این کالا هم با اختلال‌هایی مواجه شود. اکنون برآورد می‌شود که عرضه این کالا با کاهش نسبی به کمترین میزان خود طی دو سال گذشته برسد.

به نظر می‌رسد وضعیت بازار «لیتیم» در کوتاه‌مدت چندان وخیم نیست و می‌توان امید داشت شرایط بهبود یابد، اما پیش‌بینی می‌شود در درازمدت، عرضه‌ها پاسخگوی

نیازهای پیشین و جدید نخواهد بود و احتمالاً در بازه زمانی درازمدت، متقاضیان خرید آن با چالش کمبود عرضه مواجه شوند.

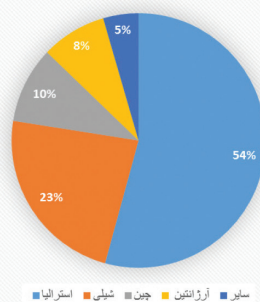
منبع: متال نیوز و وبسایت بازار فلزات شانگهای

همین چند وقت پیش اتحادیه اروپا اعلام کرد «لیتیم» را در فهرست فلزات ضروری خود قرار داده است. سه روز بعد هم کمیسیون اروپایی از شکل‌گیری یک صنعت متحد خبر داد و گفت در زنجیره تامین، مواد اولیه خام مثل «لیتیم» در اتحادیه اروپا ضروری شناخته شده‌اند. صنعت متحدی که شکل‌گرفته، شبیه به برخی اتحادیه‌های دیگری است که از بیش از ۲۰۰ شرکت تشکیل شده‌اند. همه این شرکت‌ها بر تولید ماشینی تمرکز دارند.

در حال حاضر اروپا مهم‌ترین بازار «لیتیم» در جهان است. این منطقه همچنان به این کالا نیاز دارد و پیش‌بینی می‌شود که نیازش در آینده افزایش هم پیدا کند. اروپا از بازار عرضه «لیتیم» سهم ۱۱ درصدی دارد و به همین دلیل به واردات این کالا وابستگی زیادی دارد. شیلی تامین‌کننده ۷۸ درصد از «لیتیم» مورد نیاز اروپاست. ۷۱ درصد از پلاتین مورد نیاز این منطقه هم از آفریقای جنوبی به دست می‌آید. بخش عمده «لیتیم» تولیدی در ساخت باتری استفاده می‌شود و بخشی دیگر از آن در صنایع خودروسازی

کاربرد دارد که هر دو مورد برای اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل این منطقه عزم خود را برای خودکفایی در تامین «لیتیم» مورد نیازش جزم کرده است. همچنین این روزها که

بزرگترین کشورهای تولیدکننده لیتیم در سال ۲۰۱۹



ایده جذاب، پشت تریبون؛ غیر قابل اجرا در عمل

«اقتصاد چرخشی» گره‌گشای چالش ضرورت بازیافت فلزات نیست

رفته‌رفته خیلی‌ها از هیاهویی که مفهوم «اقتصاد چرخشی» برانگیخت، خسته شدند. این عبارت کلیدی از سوی اتحادیه اروپا مطرح شد و از سوی کسانی که اغلب، دانش بسیار اندکی پیرامون عملکرد صنایع معدنی و فلزی دارند، همچون ترجیح‌بندی تکرار شد. این رویکرد تاکید دارد با شیوه‌هایی از جمله «بازیافت» می‌توان در بلندمدت به هدف حیاتی «استفاده حداکثری از منابع» رسید. «اقتصاد چرخشی» در تقابل با رویکرد سنتی «اقتصاد خطی» است که به مدل تولید به صورت «دریافت مواد اولیه، تولید و دور انداختن» نگر بسته می‌شود. متأسفانه حامیان «اقتصاد چرخشی» درک روشنی از این واقعیت ندارند که بسیاری از فلزات و کانی‌ها به دلیل کاربردهای خاص‌شان، اصولاً قابلیت بازیافت کلی یا جزئی ندارند.



مسئول این مساله نمی‌دانند؟ سوال بعدی این است که مثلاً، کمپانی «رنو» چطور می‌تواند مسئول باتری خودرویی باشد که به کشور کنیا فروخته است؟ این ابهامات را می‌توان ادامه داد، اما نکته مهم این است که ایده‌های بسیار زیادی در زمینه‌های صنعتی و اقتصادی در نهادهای برجسته‌ای از جهان، مانند اتحادیه اروپا طراحی می‌شوند که اساساً ربطی به واقعیت ندارند و نمی‌توانند پایه خود را در مناسبات واقعی پیدا کنند. این داستان ادامه خواهد داشت، باز هم مواد خام از سرتاسر جهان به اروپا ارسال می‌شود، باز هم «نیوبیوم» از برزیل به آلیاژسازهای اروپایی ارسال می‌شود و همین مساله تأثیرات زیست‌محیطی بر این مناطق خواهد داشت و سوای آن، حجم این تولیدات و صادرات اروپایی به حدی در حال افزایش است که با یک نگاه ساده می‌توانیم بفهمیم نیاز بیشتری به خود آن فلز به وجود خواهد آمد. همین موضوع باعث شده است که «اقتصاد چرخشی» در حال حاضر چیزی در حد مجموعه‌ای از فایل‌های جذاب ارائه‌شده در جلسه‌های عمومی و غیرتخصصی باشد که نه فقط به بازار صنایع سنگین کمکی نمی‌کند، بلکه قطعاً می‌تواند با ایجاد کردن حواشی برای آن دردسرساز شود. این نکته به ما نشان می‌دهد که در سیاست‌گذاری اقتصادی اگر قصدمان پیشرفت و بهبود اوضاع است، هرگز نمی‌توانیم عمده تکیه خود را بر پایه یک نظریه اقتصادی نسبتاً خشک مانند «اقتصاد چرخشی» استوار کنیم. مسائل مربوط به تصمیم‌گیری دقیق صنعتی معمولاً نیازمند بررسی‌های بسیار دقیق هستند و به این راحتی با کلی‌گویی‌های نظری کنار نمی‌آیند.

منبع: متال نیوز و وبسایت بازار فلزات شانگهای

مثال ساده‌ای برای این مساله «آنتیموان» است. این ماده معدنی در تولید مواد مربوط به صنایع پلاستیکی و منسوجات استفاده می‌شود و امکان بازیافت آن وجود ندارد. مثال دیگر «تنگستن» است. همه ما نام این ماده معدنی را به عنوان بخشی از لامپ‌های نوری شنیده‌ایم که البته امروز دیگر کاربرد خود را در این زمینه از دست داده است. جدای از کاربرد در لامپ، امروزه «تنگستن» به عنوان ماده‌ای بسیار پیشرفته در ابزارهای ماشینی استفاده می‌شود و لبه برنده ابزارکاری را تشکیل می‌دهد. با این حال وقتی این لبه‌های برنده نیاز به تعویض داشته باشند، نمی‌توان «تنگستن» آنها را بازیافت کرد و دلیل آن هم بسیار ساده و روشن است: لبه‌های برنده به این دلیل نیاز به تعویض پیدا می‌کنند که «تنگستن» آنها مستهلک شده است.

مساله بسیار مهم‌تر دیگر این است که اتحادیه اروپا حجم زیادی از این فلزات را در قالب «کالاهای صنعتی» به جهان صادر می‌کند، اما کشورهای منطقه اغلب این فلزات را به عنوان «کالای سرمایه‌ای» وارد می‌کنند و در واقع خود، این فلزات را ندارند. به این ترتیب گویا اتحادیه اروپا در زمان برداشت سودهای ناشی از تولید و مصرف این فلزات گسترده سهمیم است، اما در پذیرفتن مسئولیت بازیافت آنها انگیزه‌ای ندارد.

از دیگر مسائلی که اخیراً توجه زیادی را به خود جلب کرده، این ایده است که خودروسازان باید باتری‌های خودروهای الکتریکی را پس از پایان عمر این قطعات، بازیافت کنند اما همین نکته هم پرسش‌ها و چالش‌های بسیار زیادی را ایجاد کرده است. ساده‌ترین مساله این است که خودروسازان، باتری‌ساز نیستند، بنابراین چرا کسی باتری‌سازان را

تعطیلات پاییزی مسی‌های «سرزمین اژدها»

گزینه‌های متفاوت شرکت‌های چینی از تعطیلات طولانی تا ادامه فعالیت

پس از تعطیلات سال نو، جشنواره تعطیلات پاییزی دومین جشن مهم چینی‌هاست. این تعطیلات در سال جاری از اواسط مهرماه آغاز شد. آشنایی با نحوه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تولیدکنندگان مس چین در این دوره تعطیلات از دو زاویه اهمیت دارد. نخست آنکه با نحوه سازمان‌دهی کشور بزرگ چین در مواجهه با چنین مواقعی آشنا می‌شویم و دوم اینکه امکان درک روشن‌تری از تاثیر متقابل تعطیلات پاییزی و بازار جهانی مس فراهم می‌شود. از این رو، مرور گزارش نشریه «بورس فلزات شانگهای» که با ۳۲ تولیدکننده مس درباره برنامه‌ریزی آنها برای ایام تعطیلات گفت‌وگو کرده است، خالی از لطف نیست.



تعمیرات دارند، برای اجرای تصمیم خود حدود ۱۰ روز تعطیلی و توقف فعالیت را در نظر گرفته‌اند.

مساله برای تولیدکنندگان بزرگ لوله‌های مسی اندکی متفاوت است و آنها قصد دارند، حدود چهار روز را به تعطیلات اختصاص دهند، در حالی‌که تولیدکنندگان کوچک بین هشت تا ۱۰ روز تعطیلات خواهند داشت که البته بیشتر از سال گذشته است. سفارش صادرات برای کولرها در خارج از چین افت زیادی داشته که شیوع کرونا در شکل‌گیری این فشار موثر بوده است زیرا در دوره پساکرونا کاهش تقاضای جهانی از سازندگان کولر باعث شده تا تولیدکنندگان لوله‌های مسی هم با تقاضای کمتری روبه‌رو شوند.

سازنده‌های فویل و نوار و ورق مسی برای ادامه فعالیت کاری در دوران تعطیلات برنامه‌ریزی کرده‌اند زیرا سفارش‌های بسیار خوبی حتی در این ایام دریافت کرده‌اند. تولیدکنندگان مفتول برنجی هم حدود چهار تا پنج روز استفاده از تعطیلات را در برنامه خود گنجانده‌اند که این میزان، مشابه سال قبل است.

آخرین محصولی که در گزارش نشریه «بورس فلزات شانگهای» بررسی شده، مفتول ضایعات مسی است. یک تولیدکننده این محصول که در «ژیانگشی» مستقر است به این نشریه گفته که هشت روز به تعطیلات خواهد رفت و پس از آن به حالت عادی تولید خود بازمی‌گردد، اما برخی تولیدکنندگان دیگر، به دلیل بهبود تا ۸۰ و حتی ۹۰ درصدی سفارش‌های دریافتی تصمیم گرفته‌اند تولیدی طبق روال سابق خود داشته باشند و انبارهای خود را از مواد اولیه مورد نیاز پر کنند. درواقع آنان می‌خواهند در صورت بازگشت بازار به وضعیت قبل از شیوع کرونا از آمادگی لازم برای ارتقای تولید خویش به سطح پیشاکرونا برخوردار باشند.

منبع: متال نیوز و وبسایت بازار فلزات شانگهای

بر اساس این گزارش، از ۳۲ کمپانی، ۱۳ کمپانی اعلام کرده‌اند در ایام تعطیلات به صورت عادی به کار خود ادامه می‌دهند و ۱۹ کمپانی دیگر خبر داده‌اند کارکنان‌شان به طور میانگین ۶ روز به مرخصی می‌روند. در این میان وضعیت کلی بازار هم به‌گونه‌ای است که بخشی از تولیدکنندگان علاقه و انگیزه‌های جدی برای تولید محصولات نهایی و انبار کردن آنها ندارد. البته بعضی کمپانی‌ها به دنبال این هستند که به اندازه تولید چهار روز خود مواد اولیه مورد نیاز را انبار کنند. همین تفاوت نگرش‌ها موجب برنامه‌ریزی‌های متفاوت شرکت‌ها برای تعطیلات پاییزی شده است.

بسیاری از تولیدکننده‌های کابل و سیم مسی دو تا چهار روز تعطیل خواهند بود زیرا از یک سو، سفارش خریدهای دریافتی آنها از دولت با افت نسبی روبه‌رو شده و از سوی دیگر، با سیاست‌های اعمال‌شده سختگیرانه‌تر در بازار املاک سفارش سیم و کابل مسی هم دچار کاهش شده است.

بخشی از تولیدکنندگان سیم لاک‌ی که به سفارش‌های دریافتی از مشتری پایبندی جدی ندارند، سه تا چهار روز به تعطیلات خواهند رفت اما شرکت‌هایی که به تعهد تحویل کالای خود در قبال مشتریان اهمیت می‌دهند، همچون وضعیت عادی به کار خود ادامه می‌دهند. تعدادی از تولیدکنندگان عمده مفتول مسی به نشریه «بورس فلزات شانگهای» اعلام کرده‌اند که قصد دارند در این دوره یا به تعطیلات بروند یا بیشتر به تعمیر و نگهداری خطوط تولید خود بپردازند. دلیل اصلی این تصمیم هم این است که انبار محصولات نهایی این تولیدکنندگان تقریباً سرریز شده زیرا تقاضای پایین‌دستی این محصولات با افت ملموسی روبه‌رو شده است. عمده تولیدکننده‌های مفتول مسی حدود هشت روز به تعطیلات خواهند رفت که نسبت به سال پیش طولانی‌تر است و تولیدکنندگانی که قصد

پایان «رالی» قیمت نقره و طلا؟

بررسی مطمئن‌ترین صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله نقره

پایگاه معتبر «اینوستوپدیا» در تحلیلی از پایان احتمالی «رالی» قیمت نقره در بازارهای جهانی خبر داد. این مطلب که در روزهای ابتدایی شهریور امسال منتشر شد تاکید کرد که در تابستان جاری نقره توانست نظر بسیاری از فعالان اقتصادی را به خود جلب و به این ترتیب طی مدت زمانی کمتر از ۶ ماه جهشی ۲۵۰ درصدی را تجربه کند. همین مسئله بسیاری را امیدوار کرد که این فلز هم مانند رقیفش طلا می‌تواند سال ۲۰۲۰ را به خوبی سپری کند. البته نکته‌های تکنیکی که توجه به آن باعث می‌شود شرایط را بهتر درک کنیم این است که قدرت نسبی نقره رو به افول است. «ترند» صعودی سال ۲۰۲۰ در پایان تابستان به مقاومت سه‌ساله رسید و یک مثلث نزولی تشکیل داد. «اینوستوپدیا» در نهایت پیش‌بینی کرد که نقره در برخورد با یک مقاومت بلندمدت، تغییر مسیر می‌دهد و ممکن است در فصل پایانی سال به فروش خوبی برسد. این پایگاه در تحلیل دیگری به بررسی مطمئن‌ترین صندوق‌های قابل معامله (ETF) نقره پرداخته که با هم می‌خوانیم.



حرکت می‌کند. چه در این شاخص و چه در صندوق، مبنای اصلی دارایی را قراردادهای آتی نقره تشکیل داده‌اند. از آنجایی که این صندوق در ارتباط با قراردادهای آتی است، ریسک نسبتاً بالایی هم دارد و امکان دارد اتفاق‌هایی مانند عقبگرد و «کانتانگو» در آن رخ دهد.

صندوق بعدی SLVR است. این صندوق یک «تراست گرانتر» است که به صورت فیزیکی با پشتوانه سکه‌ها و شمش‌های نقره‌ای ارزش‌گذاری می‌شود که توسط این صندوق به نیابت از سرمایه‌گذاران نگهداری می‌شوند. از آنجایی که این صندوق دارای نقره واقعی و فیزیکی است، از قراردادهای آتی بهره نمی‌برد. این صندوق مانند باقی صندوق‌ها گرچه در دورانی که بازار دچار عدم قطعیت می‌شود، امنیت خاصی دارد اما برای سرمایه‌گذاری بلندمدت، یعنی خرید و نگهداری، گزینه خیلی جذابی به حساب نمی‌آید.

صندوق آخر، USV نام دارد. این صندوق در واقع یک صندوق قابل معامله ساده نیست، بلکه صندوق مبتنی بر اوراق «نوت» است که با شاخص بازده مجموع نقره CMCI بلومبرگ کار می‌کند. ETN یا همان صندوق مبتنی بر «نوت»، بازده‌هایی را در نظر می‌گیرد که همگی برآمده از قراردادهای آتی نقره در گستره‌های وسیع هستند و از مدت زمان سه ماه تا سه سال را شامل می‌شوند. این صندوق هم مانند صندوق DBS مشمول پذیرش ریسک و همانند آن صندوق، یگانه دارایی‌اش نقره است.

برای درک بهتر این مساله در ابتدا باید بدانید که دنیای صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله نقره متشکل از چهار صندوق است، بدون در نظر آوردن صندوق‌های اهرم‌دار و صندوق‌های معکوس. معاملات آتی نقره طی یک سال اخیر عملکرد بسیار بهتری نسبت به کلیت بازار از خود نشان داد، به نحوی که طی یک سال گذشته، قیمت این فلز رشد ۵۶/۸ درصدی را تجربه کرده و بازده مجموع S&P ۵۰۰ در این بازه زمانی، حدود ۱۹/۴ درصد بوده است. قطعا با فرا رسیدن واپسین فصل و ماه‌های پایانی این سال عجیب میلادی، داشتن اطلاعات مختلف برای سرمایه‌گذاری در این ایام می‌تواند برای همه ما مفید باشد. یکی از راه‌های سرمایه‌گذاری، ورود به صندوق‌های قابل معامله نقره است. ذکر این نکته اهمیت دارد که حتی اگر فردی قصد سرمایه‌گذاری در صندوق‌های مبتنی بر نقره را ندارد، با توجه به تحلیل‌ها و پیشنهادهای ارائه‌شده در این گزارش می‌تواند تصمیمی خاص خود را بگیرد زیرا قطعا الگوها و تأثیرات متقابل فراوانی را می‌توان به‌سادگی در دنیای واقعی رصد کرد و این مساله به حالتی می‌رسد که به جرات می‌توان تاکید کرد که انسان در بازار مشغول یادگیری دائمی است.

یکی از صندوق‌هایی که در فصل پایانی سال ۲۰۲۰ عملکرد نسبتاً خوبی از خود نشان خواهد داد صندوق DBS است. این صندوق که تنها دارایی آن نقره است، ساختاری بر اساس یک مجموعه «کامودیتی» دارد و بر اساس ارائه بازده اضافی شاخص نقره بهینه

بازار مشتقه

پتروشیمی

صنعتی

کشاورزی

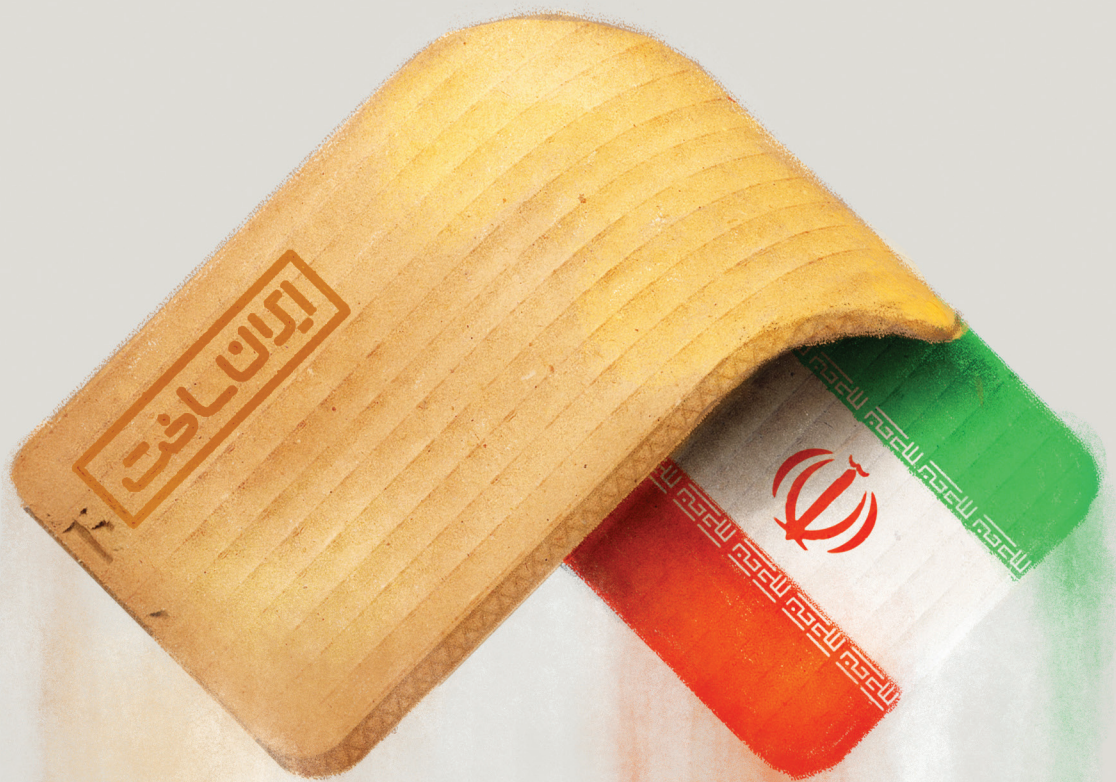
نفتی

معدنی

بازار مالی



بورس کالای ایران



سال چهارم تولید

شرکت بورس کالای ایران
Iran Mercantile Exchange



www.ime.co.ir



[imereport](https://www.instagram.com/imereport)



[@kalakhabar](https://www.t.me/kalakhabar)



imereport.ir

تهران، خیابان آیت الله طالقانی، نبش بندر انزلی، شماره ۳۵۱
تلفن: ۰۲۱-۸۵۶۴۰۰۰۰
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۸۳۰۰۰